اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۶ دوره سوم دوشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۰ صفر ۱۴۰۲ و ۷ دسامبر ۱۹۸۱ بها ۳۰ ریال

مانور نظامی آمریکا و انگلیس حلقه‌ای از توطئه علیه انقلاب ایران

مانورنظامی آمریکا ، باهمکاری انگلستان ، درعمان ، که درهمسایگی بلافصل کشور ما انجام می‌گیرد ، تنها نمایش قدرت و یا تنها تهدیدنیست . مانورهای "ستاره‌درخشان" ، که درمصر انجام گرفت و در سودان و سومالی و عمان انجام می‌گیرد ، و مانورهای همانندی که درآینده با وسعت بیشتری درمنطقه انجام خواهدگرفت ، درواقع اشغال نظامی منطقه ازجانب امپریالیسم ، بسرکردگی آمریکا است ، با دو هدف مشخص: نخست حفظ منطقه نفت‌خیز خاورمیانه‌ودوم تدارک وآرایش قوا در "خط مقدم" برای باز

بقیه‌درصفحه۲

پیروزی از آن مردم قهرمان ایران است ...

جنگ تجاوزکارانهٔ آمریکایی ـ صدامی علیه ایران انقلابی محکوم به شکست قطعی است

دلاوران قهرمان ایران ، درجبهه‌های نبرد پیروزی بزرگ دیگری به دست آوردند . رزمندگان خط اول جبهه ، در یورش دلاورانه خود درهفته گذشته ، متجاوزان صدامی را از ۷۰ روستا راندند وبعد از فتح بستان ، حرکت بی‌وقفه خود رابرای شکست کامل دشمن ادامه می ـ دهند .

اخباری که هنوز از این فتح بزرگ میرسد ، خبرازوسعت شکست دشمن و دامنه وسیع پیروزی رزمندگان ایران می‌دهد . این فتح ، که‌بدنبال شکستن محاصرهٔ آبادان بدست آمده‌است ، خبر ازآینده نزدیکی میدهد ، که غلبه بر دشمن کامل شده باشدومتجاوزان‌صدامی ازتمامی خاک‌میهن انقلابی‌مارانده شده باشند . یورش بزرگ امروز ، نشانهٔ فتح کامل فرد است .

واین "فردا" بیگمان از آن ایران انقلابی است ، زیرا که تاریخ همواره سر- نوشت مدافعان‌حق وعدالت را ـ دیر یا زود ـ پیروزی رقم زده‌است . پیروزی‌که آنسویش شکست برای دشمن است . و سرنوشت همه جنگ‌های تجاوزکارانه نیز چنین‌بوده‌وخواهد بود . نه اسکندر ، نه چنگیز ، نه هیتلر و نه هیچ خبیث دیگری از قماش آنها ـ چون صدام ـ نتوانسته ونخواهند توانست اراده مردمی را که برای‌دفاع از میهن خود بپاخاسته‌اند ، درهم بشکنند و قادر به‌فتح‌همیشه‌شوند . متجاوزان‌صدامی ، چون تمامی اسلاف خود ، سرنوشتی غیر از شکست ندارند . آینده مردم قهرمان مانیز پیروزی است .

این پیروزی را می‌توان با اتحاد همهٔ نیروهای خلق ، زیر رهبری امام خمینی ، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران ، نزدیک و باز هم نزدیک‌ترکرد . اتحادی که دراین پیروزی نیروی شگرف وحدت را باز هم بیشتر خواهد شناخت وآماده درهم شکستن‌همه توطئه‌ها وتجاوزهای آینده دشمن اصلی ـ امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکا ـ خواهدشد .

"اتحادمردم" به سهم خود این پیروزی بزرگ رابه همهٔ مردم قهرمان ایران ، به رهبر انقلاب و به رزمندگان خط‌اول جبهه ، از پاسدار وارتشی و بسیجی ودیگرنیروهای مردمی صمیمانه، تهنیت می‌گوید . مابه‌همه قهرمانان گمنامی که دراین فتح بزرگ‌جان خود را ازدست داده‌اند ، درود می‌فرستیم و رسیدن لحظه پیروزی نهائی رابی ـ صبرانه انتظار می‌کشیم .

ودراین تردید نداریم‌که :

پیروزی از آن‌مردم‌قهرمان‌ایران است . . .

دولتی کردن بازرگانی خارجی یعنی حذف بازرگانان وابسته و واسطه‌ها

درصفحه۱۰

هنوز سه زنجیر پولادین اسارت باقی است، که باید از هم گسست!

ـ ایران‌کشوری است پهناور و قریب یک پنجم خاک ایالات متحده آمریکا .

ـ ایران کشوری است‌دارای‌مقام دوم درجهان‌پس ازشوروی از لحاظ ذخائرگاز .

ـ ایران‌کشوری است‌دارای‌یکی‌از مقام‌های‌اول درجهان‌ازلحاظ ذخائر نفت .

ـ ایران کشوری است دارای ذخائر زیرزمینی و روی زمینی ، متنوع وغنی ، آب وخاک وجانوران‌ومحصولات طبیعی‌گوناگون ، وازاین‌لحاظ در میان کشورهای جهان‌همانندهای زیادی ندارد .

بقیه‌درصفحه۴

اعلامیه‌سازمان جوانان توده‌ایران بمناسبت

۱۶ آذر روز دانشجو :

گرامی باد خاطرهٔ تابناک شهیدان دانشجو!

دانشگاه ، این سنگر استوار مبارزه ضد امپریالیستی باید گشوده شود

درصفحه۸

امام‌خمینی:

آمریکا باز از این طرح‌ها دست بردار نیست

* "امروز اگر براینها ثابت نشده‌باشد که این طرح‌هائی که‌آمریکامی‌دهد ، مخالف بامصالح‌خود منطقه‌است‌ومخالف با مسلمین است ، بایدبسیار نادان باشند . امریکا باز از این طرح‌ها دست بردار نیست . آمریکا میخواهد باتمام‌قوا بین مسلمین اختلاف‌بیندازد ."

* "باید همه مسلمین توجه کنند وبه حکومت‌های خود تذکردهند ، که زیربار طرح‌های آمریکائی که‌ازاین‌به‌بعد یکی بعداز دیگری‌خواهدآمد ، نروند وبازی‌نخورند ازاین شیاطین . اینها میخواهند شمارا آلت دست قرار دهندو ذخائر شمارابچاپند . آمریکا نظر سوء به شما دارد ، شما را برای مصالح خودش میخواهد استخدام کند واستخدام کرده‌است وچراشماذخائرخودتان رادر راه مقاصد شوم و پلید آمریکا صرف میکنید ."

* "صدام اگر عقل داشت وآمریکا به او میگفت حمله به‌ایران بکن خلاف او را میکرد ."

(از سخنان امام‌خمینی در مقابل گروهی از دانشجویان دانشکده افسری ، اعضاء دایرهٔ‌مدیریت مهمات لجستیکی نیروی زمینی ، عده‌ای از پرسنل هوانیروز تهران ، گروهی از پرسنل پایگاه نیروی هوائی شیراز وجمعی ازپاسداران انقلاب‌اسلامی ـ ۱۱ آذر ۶۰)

سخنی دربارهٔ زنان:

این انسانهای زاینده و پرورندهٔ انسانها

مراعات حقوق اجتماعی و انسانی زن، نه درگفتار بل درکردار ، شاخص متمدن و انقلابی بودن هرجامعه و هرفرد است

درصفحه۱۴

اعلامیهٔ اتحاد دمکراتیک مردم ایران

نخستین گام اتحاد

اخیرا حزب تودهٔ‌ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، زیر عنوان "چگونه بر دشواری‌های تثبیت تحکیم وگسترش انقلاب شکوهمندمان چیره‌شویم" ، بیانیهٔ مشترکی انتشار دادندکه شایستهٔ برخوردی جدی از سوی همهٔ‌نیروی‌های انقلابی‌کشوراست .

بگذریم ازتحلیل دقیق وویژگی‌های لحظهٔ‌کنونی ، بررسی دشواری ـ های طبیعی وغیرطبیعی روند تحقق هدف‌های انقلاب یا نشان دادن راه‌های غلبه‌براین‌دشواری‌ها ، صدوربیانیه مشترک ازسوی دوسازمان‌سیاسی پیرو سوسیالیسم علمی رادرکشورما ، ازآن‌رو باید واقعه‌ای مثبت و موثر و پر اهمیت شمرد که دراین سند ، ضمن‌تاکیدمجدد بر "ضرورت تاریخی اتحادهمه‌نیروهای وفاداربه‌آماج‌های انقلاب" ، نخستین گام برای پایه‌ریزی‌چنین‌اتحادی بر ـ داشته شده‌است . اینک‌حزب‌توده‌ایران وسازمان‌فدائیان‌خلق‌ایران (اکثریت) ، دربرابرمسائل بغرنجی که در برابر مردم وکشور وانقلاب قرار دارد ، رسما موضع یگانه‌ای اتخاذکرده‌اند ، و این خودمی‌تواندتعهدی تلقی شود که در فعالیت عملی انقلابی‌نیزراه یکسانی درپیش خواهند گرفت .

در شرایطی که اصول بنیادی استقلال و آزادی وعدالت اجتماعی ، نه‌همان‌دربیان‌کلی بلکه‌در شناخت مواردکاربردجزئی وتفصیلی خویش ، از جمله در قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران ، بروشنی درزندگی توده‌های میلیونی شهر و روستای ما نشسته‌است واکنون به‌صورت خواست‌همگانی‌وتاخیر ناپذیر زحمتکشان ومحرومان‌ایران در ـ آمده ، درحالی که توده‌های انقلابی ایران ، درعین‌آمادگی جانبازانه‌برای پاسداری کشور وانقلاب ، هر روز در تجربهٔ حوادث و در جوشش وبرخورد اندیشه‌ها آگاهی بیشتر و ژرفتری‌کسب میکنند ، پرچم "اتحادبزرگ همه‌نیرو‌های‌مبارز راه استقلال ، آزادی‌و عدالت‌اجتماعی" که با این بیانیه مشترک به‌همت‌حزب‌توده‌ایران‌وسازمان فدائیان‌خلق ایران (اکثریت) افراشته می‌شود بی‌شک نقطه تلاقی امیدهای انقلابی خواهدشدوندای‌اتحاد ، صرف‌نظرازتفاوت درعقاید مسلکی ومذهبی ، راهی در قلب وشعورانقلابی توده ها باز خواهد کرد . اتحاد ضرورت این روزگار است . بغرنجی و گستردگی مسائلی که انقلاب‌شکوهمند ایران‌در برابر خود دارد ، وهمچنین تلاش اهریمنی‌دشمنان داخلی انقلاب و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم به‌سر ـ کردگی امریکای جنگ‌افروز جهانخوار وهمهٔ اذناب‌پلید آن درمنطقه خواه ناخواه اتحاد را بر نیروهای انقلابی ماتحمیل می‌کند . تعلل جایز نیست . راه ادامه و تثبیت و تحکیم انقلاب اتحاد است وبس "اتحاد دموکراتیک مردم‌ایران" ، که‌از آغازتاسیس‌پیوسته برلزوم اتحادهمهٔ نیروهای راستین انقلابی تاکیدورزیده‌واین‌آرمان‌ارزنده راکه‌سلاح‌پیروزی‌انقلاب‌است حتی در نام وعنوان خود بازتاب داده‌است ، توافق خجسته حزب‌توده‌ایران و سازمان فدائیان‌خلق‌ایران (اکثریت) را ، صدور بیانیه مشترک تبریک‌می ـ گویدوآنرادرهمهٔ‌ابعادآن تائیدمیکند .

برقرارباداتحادبزرگ‌همه‌نیرو‌های‌مبارزراه‌استقلال ، آزادی وعدالت اجتماعی !

پیروزبادانقلاب‌بزرگ‌ضدامپر‌یالیستی ، مردمی‌واسلامی ایران !

اتحاد دمکراتیک مردم ایران

۱۳۶۰/۹/۱۴

ازجوسازی و تحریک علیه نیروهای انقلابی دگراندیش ممانعت کنید!

دکترجاسبی ، معاون‌نخست وزیر و دبیرکل اموراداری‌واستخدامی کشور ، درگفتگوئی‌اختصاصی‌باروزنامه‌اطلاعات (اول‌آذرماه۶۰) درموردخصوصیات "لایحه‌خدمات‌کشوری" ونظام ارزشی اسلامی حاکم بر اصول این لایحه ، از جمله دربارهٔ استفاده از کارآیی متخصصانی که به دلایل گوناگون‌نیرو ـ هایشان هدرمی‌رود ، گفت :

"بی‌تردید از افرادی که‌مخالف انقلاب‌نیستند (اگرچه‌انقلابی‌نباشند) ولی دارای تخصص و دانش هستند و می‌توانند به جمهوری اسلامی خدمت کنند ، حداکثر استفاده (خواهیم‌کردو) ازدانش و تخصص آنها بهره‌گیری لازم به عمل خواهیم آورد" .

این سخنان ، که با اظهارات چندی پیش رئیس مجلس شورای اسلامی در مورداستفاده‌ازمتخصصان‌و بهره‌گیری ازکلیه استعدادهایی که حاضرند مخلصانه برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کار کنند ، و نیز اظهارات رئیس جمهوری ، نخست وزیر ، وزیر ارشاد اسلامی و سرپرست برنامه وبودجه دراین‌زمینه هم‌نوائی دارد ، ازاهمیت بسیار برخورداراست . این اهمیت تنها از آن جهت نیست که چنین‌اظهاراتی ـ که به گفته‌رئیس مجلس شورای اسلامی "نتیجهٔ

بقیه‌درصفحه۱۴

اعتصاب نه، کم‌کاری نه، محاسبهٔ منطقی سهمیهٔ تولید دستمزد، آری!

قطع سهمیه‌تولیددریکی‌از بزرگترین واحدهای صنعتی موجب اعتصاب و کم‌کاری شده‌است . درشرایط جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا بدست صدام علیه‌میهن‌انقلابی ما ، و ادامهٔ محاصره اقتصادی ، این اعتصاب به هیچ‌وجه توجیه‌پذیر نیست . کارگران نیز خود بر این امر وقوف کامل‌دارند وبه‌همین‌جهت اعتصاب را می‌توان نتیجه عدم درک خواست قانونی کارگران و احیانا اخلال برخی عوامل دانست .

بجاست یادآور شویم که درهفته‌های اخیر زمزمه برپاکردن اعتصاب

بقیه‌درصفحه۱۶

اهمیت تامین امکانات کشت برای دهقانان را فراموش نکنیم!

پی‌ریزی یک کشاورزی سالم و شکوفا، بی‌شک بکاربست سلسله‌تدابیرو اقدامات مثبت وثمردهی نیازداردکه، بدون اتخاد وانجام آنها، اقتصاد کشاورزی‌نه تنها درجاده پیشرفت و ترقی گام نمی‌نهد، بلکه خودعامل پسرفت ونزول دراین رشته بسیار مهم رافراهم میآورد.

درکشورهایی نظیر ایران، که روستانشینان‌بخش عظیمی ازجمعیت‌را تشکیل‌می‌دهند و تولیدات کشاورزی دراین‌کشورها نقش چشمگیری را ایفاء می‌کنند، حدت و اهمیت‌این‌مسئله دو چندان می‌شود، بخصوص اگر دراین کشورها انقلابهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک ومردمی هم رخ داده‌باشد.

اقتصاد کشاورزی در اکثر این کشورها، تاقبل‌ازوقوع‌انقلاب، به‌علت وجودرژیمهای‌وابسته‌به‌امپریالیسم و ساختار اقتصادی وابسته‌ٔ این کشورها به انحصارات امپریالیستی، رو به انحطاط و زوال می‌رفت وآنچه بنام "کشاورزی" دراین‌کشورها وجودداشت تنها در تولید محصولات محدود و خاص وموردنیازکشورهای‌بزرگ‌سرمایه‌داری ـ درچارچوب تقسیم کار جهان سرمایه‌داری ـ خلاصه‌میشد.

پس از وقوع انقلابات ضد ـ امپریالیستی، دمکراتیک و مردمی دراین‌کشورها و گزینش رژیمهای‌مترقی وانقلابی، طبیعی بود که می‌بایست سیستم کهنه و دیرینه بجا مانده از حاکمیت‌های سابق را درهم کوبند و نظامی نوین را پی ریخت.

به‌دیگرسخن، رژیمهای‌نوخاسته‌و انقلابی موظف هستند که‌در زمینه‌باز‌ـ سازی و نوسازی جامعه بعد از انقلاب، که‌دراثرخرابکاریهای رژیم‌های‌وابسته‌ٔ پیشین جراحات‌عمیق برپیکرآنهاوارد آمده‌است، برنامه اقتصادی پیشبرنده وهمه‌جانبه‌ای را ارائه‌دهند، از آن جمله است: ارائه **برنامه** در جهت استقلال، سلامت، خودکفایی‌وشکوفایی اقتصاد کشاورزی.

بدون شک باید درنظر داشت‌که هرکدام از این‌کشورهابرای تحقق این امر، روند خاص خود را طی می‌کنندو صاحب ویژگیهایی ناشی ازسطح رشدو سنن وآداب و فرهنگ عمومی خویش هستند، با این حال انجام چند اقدام‌عمده ومهم در این‌کشورهاصرف ـ نظر از این ویژگیها، ضرور است.

پس ازحل مسئله ارضی ازطریق اصلاحات ارضی بنیادین و واگذاری اراضی بزرگ مالکان و فئودال‌ها به دهقانان تهیدست که اولین وعمده‌ـ ترین‌گام درجهت‌کمک‌به‌رشد کشاورزی دراین‌کشورهاست، مسئله‌ٔدیگری، که در پیوند با مسئله‌ٔ اول است فراهم آوردن امکانات کاشت وبرداشت برای دهقانان‌تهی‌دست. بطور عمده در واگذاری ماشین‌آلات و وسایل‌کشت مکانیزه و مدرن کشاورزی، تامین آب زراعی مورداحتیاج کشاورزان، تامین کود، بذر، سموم برای دفع‌آفات‌نباتی وام‌وغیره ازجانب دولت‌های انقلابی جدیدوهمچنین‌خرید محصولات‌زراعی و دامی به موقع وباقیمت عادلانه و کمک‌های سازمانی‌وانسانی به دهقانان برای تشکیل انواع تعاونی‌ها خلاصه می‌شود.

اما در این قسمت جا دارد که‌به تفصیل درباره اهمیت فراهم آوردن این امکانات صحبت شود و به دنبال برداشتن گام‌اول، یعنی‌الغای بزرگ مالکی و زمین‌دار کردن کلیه دهقانان یکایک این مواردی که از وظایف‌دولت انقلابی وشالوده‌یک اقتصاد کشاورزی سالم، خودکفا، مستقل وشکوفاست، تحلیل گردد. سخن‌امروز ما اختصاص به‌تامین‌ماشین‌آلات‌و وسایل‌مدرن‌فنی ومکانیزه کشاورزی دارد.

تجربه همه کشورهایی که‌یوغ امپریالیسم وبزرگ مالکی، اعم از اربابی یا سرمایه‌داری، را درهم شکسته‌اند و برای استقلال کشور و بهروزی مردم مبارزه می‌کنند، نشان میدهدکه‌نمیتوان‌بایک‌اقتصادکشاورزی فرسوده، با وسایل عهدعتیق، بدون توجه به فن نوین و وسایل جدیدکارو کشت، به هدف شکوفایی، خودکفایی واستقلال اقتصاد کشاورزی‌دست‌یافت مجهز کردن کشاورزی با وسایل‌جدید با تکنولوژی مدرن، با سازمانی‌مردمی ومدیریت نو، در چارچوب دولت مردمی وبدست انقلابیون متعهد، مسلح کردن کشور است با سلاح نبرد علیه امپریالیسم، علیه محاصره اقتصادی وخرابکاری‌های عمال او. باقی‌ماندن درچنبروسایل تولیدکهنه وادوات وشیوه فرسوده، به‌معنای‌خلع سلاح کردن انقلاب و نفی‌اقتصاد کشاورزی شایسته‌انقلاب است. این واقعیت‌مسلم را کلیه تجربیات کشور‌ـ های مشابه، بدون استثناء، ثابت می‌کنند.

تامین‌ماشین‌آلات مدرن وآلات وادوات مکانیزه کشاورزی‌برای‌پیشرفت و رشد کشاورزی وتسریع درجهت‌تولید محصولات‌کشاورزی، امری ضروروواجب است. اگر ماشین‌آلات‌مدرن و وسایل مکانیزه کار کشاورزی به روستاها راه یابند، حامل‌دگرگونی‌وتحولات مهمی، چه‌درزندگی‌خود دهقانان‌وچه‌درامرتولید خواهندبود. تکرارمیکنیم که این در صورتیست که اصلاحات ارضی‌بنیادین انجام شود وخود دهقانان وتعاونی‌ـ های‌آنان‌صاحب‌زمین‌ها باشند وریشه‌ٔ بزرگ مالکی کنده‌شده باشد، تاامکانی برای سودجویان واستثمارگران وجود نداشته باشد، که بساط‌استثمار نوینی را بگسترانند.

برای آنکه بتوانیم بیشتر این مسئله را موردبررسی قراردهیم، نمونه مشخص کشور خودمان را در این مورد ذکرمی‌کنیم.

امروزه تقریبا در تمامی روستا ـ های ایران، کشت بوسیله ابزار وآلات سنتی وکهنه انجام می‌گیرد و تعداد ماشین‌آلات و ادوات مکانیزه و مدرن جهت امرکشت بسیار اندک وتقریبا بیشتر آنها متعلق به بزرگ مالکان است. البته این کمبودنیز بجامانده از رژیم طاغوتی گذشته است.

در زمان رژیم منفور پیشین، به طور عمده ماشین آلات و تکنولوژی مدرن کشاورزی از کشورهای‌رشدیافته‌ٔ سرمایه‌داری خریداری می‌شد و در اختیار "کشت‌وصنعت" ها قرارمیگرفت که با غصب اراضی وسیع دهقانان جلب سرمایه‌های‌خارجی‌و داخلی در زمینه ارضی وکمک و وام‌دولتی ـ در برخی مواقع بدون‌برگشت ـ بنانهاده شده‌بودند.

طبیعی‌است، درشرایطی که دهقانان تهیدست نان بخور و نمیر خود وخانواده‌شان رابه زور تامین می ـ کردند، هرگزنمی‌توانستند موفق به خریدماشین‌آلات و وسایل مکانیزه جهت بهره برداری از اراضی شوند. تازه‌استفاده‌ازتکنولوژی جدیدوماشین آلات در اراضی ۱ تا ۲ هکتاری هیچ سودی در برنداشت و اساسا غیرممکن بود. گذشته از تمام‌اینها، ورودماشین ـ آلات مدرن و مکانیزه کشاورزی به روستاهای ایران در زمان رژیم گذشته بعلت نظام حاکم و رشد مناسبات سرمایه‌داری‌و استثمار و دامن زدن به مهاجرت روستائیان ـ بدون آن که ضرورتی‌اقتصادی جابجایی جمعیت را اقتضا کند ـ تاثیرمنفی داشته است.

طی‌دوسال‌و نیم پس‌از انقلاب، بعلت آنکه هنوز قانون واگذاری زمین اجرانشده، در این تقسیم غیرعادلانه تحولات چشمگیری ـ به جز موارد به کلی جزئی ـ صورت نگرفته است و دهات‌ماهمچنان‌نیازمنداجرای قانون‌و روستائیان ما در انتظار پیاده شدن بندهای "ج" و "د" هستند. با آن که این‌مسئله حیاتی وگرهی همچنان با تمام‌حدت‌خود‌دربرابر جامعه‌ٔانقلابی ما قرار دارد، ولی‌انقلابیون‌نمی‌توانند سایر وسائل حیاتی وابسته به تولید و اقتصادکشاورزی، و ازبین آنها مسئله‌ٔ تامین امکانات کاشت و برداشت واز جمله تامین ماشین‌آلات مدرن‌ووسایل مکانیزه کشاورزی را برای دهقانان زحمتکش، ازنظر دوربدارند. به‌نظرما، همانطور که‌گفته‌شد، نیل به‌سوی حل این‌مسئله ـ و کلا تامین تمام امکانات کشت ـ با اجرای قانون‌اصلاحات‌ارضی پیوندناگسستنی‌دارد وبدون حل‌عمده ـ ترین معضل دهقانان ـ اجرای اصلاحات ارضی بنیادین ـ تامین امکانات‌کشت، و ازآن جمله ماشین آلات مدرن کشاورزی برای دهقانان، بی‌معنی ومفهوم است وثمره مثبتی عایددهقانان تهیدست نخواهد شد. اما تنها اجرای قانون نیز، بدون آن‌که برنامه روشن وعملی وجامعی‌برای این مسائل حیاتی موجود باشد، حلال مشکلات ما نخواهدبود.

متاسفانه برخی از دست اندر ـ کاران جمهوری اسلامی‌ایران‌براین‌گمان اشتباهند که هرنوع خریدماشین آلات مدرن ورویآوردن به وسایل مکانیزه‌ٔ کشاورزی و توجه به تکنولوژی معاصر ـ بدلیل این که در داخل تولید نمی‌شود ـ وابستگی مجدد را نیز به همراه‌خودمیآورد، وچون مابا وابستگی مخالفیم، پس بهتر است به همان‌گاو آهن وبیل وخیش و خرمن‌کوب سنتی بسنده‌کنیم وبا همانهاکشاورزی‌را احیا کنیم و براه اندازیم.

در اینجا باید گفت که عدم وابستگی اصل اساسی ومهم جمهوری اسلامی‌ایران است‌وباید‌باتمام قواحفظ شود. ولی درست برای حفظ همین استقلال وتامین عدم وابستگی است‌که باید به‌کشاورزی مدرن و سازماندهی معاصر تولید و تکنولوژی مناسب آن روی آوریم.

آری، دهقان ایرانی خان گزیده و اقتصاد کشاورزی ما شاه گزیده است.

ماسالهاشاهدسیاستهای‌خائنانه رژیم منفور پهلوی، جهت بخشیدن ثروت‌های‌ملی‌مردم ایران‌به‌انحصارات کشورهای امپریالیستی و خصوصا امپریالیسم آمریکابوده‌ایم ومی‌دانیم که‌انحصارات‌امپریالیستی، بنابه‌سرشت پلیدشان وتوسط رژیمهای‌دست‌نشانده خود ثروت‌های‌ملی‌کشورهایی نظیر ایران را غارت می‌کنند. ولی، ما حالا انقلاب کرده‌ایم. ماحالادولت‌متکی‌به مردم ونظام مستقل جمهوری اسلامی ایران راداریم. ما نه تنها دشمن بلکه دوستانی درجهان داریم. دوست‌و دشمن را به یک چوب راندن تنها می‌تواند به حال پیشرفت و ترقی‌کشور ما زیان‌آور باشد. ما باید ازامکانات‌و تسهیلات کشورهای دوست، و از آن جمله کشورهای سوسیالیستی، برای رشدسالم ومستقل اقتصادخوداستفاده کنیم. این وظیفه‌ٔانقلابی‌ماست. روابط بازرگانی واقتصادی برابرحقوق، بااین کشورها، که‌بدون‌هیچگونه‌چشمداشتی‌و برشالوده‌ٔ دوستی‌و همکاری استوار باشد، می‌تواند‌به‌مااهرمهای اقتصادی لازم رابدهد، تا خود را به وسایل تولید مدرن‌مجهزکنیم. تازه‌اگر در گام ـ های اول ناگزیر باشیم ماشین‌آلات راواردکنیم و وسایل‌مکانیزه‌راخریداری نمائیم، برپایه‌ٔ قراردادهای پایاپای و برابرحقوق درازمدت، بایدبخواهیم‌که صنایع تولیدکننده این ماشین‌آلات را درخودکشور بوجود آوریم. خود ما با کمک وهمیاری آنان، با استفاده از امکانات وتجربه آنها، باید هر چه زودتر واساسی‌تر موفق شویم‌این‌وسایل را خود تولیدکنیم. تنهادراین صورت است که انقلابی‌عمل کرده‌ایم.

خوشبختانه‌دراین اواخرمقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، جهت تامین نیازمندی‌های انقلاب‌درزمینه‌ـ های‌مختلف، وازآن جمله در زمینه‌ٔ کشاورزی، با اعزام هیئت‌های مختلف به‌کشورهای‌دوست، موافقتنامه‌هایی با کشورهای‌سوسیالیستی، واز آن جمله‌با رومانی ویوگسلاوی‌وجمهوری دمکراتیک خلق کره، امضاء کرده‌اند، که میتواند نوید‌بخش‌تحولی در این‌سمت باشد گسترش این‌همکاری‌هابرپایه‌ٔ برابری حقوق واحترام متقابل به‌حق حاکمیت سیاسی باکشورهای‌سوسیالیستی، ضامن پیشرفت‌وترقی انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی ایران‌است‌ووسیله‌ای است‌تا ما بطور بنیادین‌اقتصادکشاورزی میهن انقلابی راباماشین‌آلات‌ووسایل مکانیزه لازم مجهز کنیم و در درون کشورمان صنایع تولیدکننده ماشین‌آلات‌کشاورزی را به وجود آوریم. استقلال‌میهن‌این‌را طلب میکند.

مانورنظامی...

بقیه‌ٔ‌ازصفحه ۱

پس گرفتن آنچه را کهامپریالیسم، به ویژه‌امپریالیسم آمریکا در منطقه از دست داده‌است.

بطورکلی، سیاست ایالات‌متحده آمریکا، که نظامیگری واستعمال قوه قهریه، به اقتضای طبیعت تجاوزکارانه امپریالیسم، جزءلاینفک آنست، در چندساله‌اخیر، پس ازمدتی "رکود" نسبی بدنبال‌شکست‌سخت و مفتضحانه در ویتنام، دوباره راه تحمیل اراده "از موضع قدرت"، "تشنج فزایی"، حرکت "برلبه پرتگاه جنگ"، سرکوب جنبش های استقلال طلبانه به وسیله‌ٔ قوه‌ٔقهریه، حفظ کشورهای زیرسلطه به وسیله قدرت نظامی، کوشش برای‌باز‌ـ پس گرفتن‌کشورهای ازدست رفته به وسیله تهاجم نظامی، در پیش گرفت، به‌نحوی‌که امروزماجراجوئی نظامی‌خط مسلط دراستراتژی سیاسی ـ نظامی آمریکا است. آمریکا امروز صلح را در هرمنطقه و نیزبه‌مقیاس جهانی در معرض خطر جدی قرارداده‌است.

ماجراجوئی نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه، ویادقیق‌تر بگوئیم، منطقه‌ای که شمال آفریقا وخاورنزدیک وخاورمیانه را در برمی‌گیرد، از آن جهت بی‌پرواتر اعمال می‌شود که این منطقه، علاوه بر اهمیت استراتژیک، منطقه‌نفت‌است‌ونفت‌وغارت‌آن‌شیشه عمر امپریالیسم است. احساس امپریالیسم، که زمین‌درمنطقه‌زیرپایش می‌لرزد، و نه فقط احساس، مشاهده اینکه منطقه نفت‌خیز از دست میرود (لیبی، الجزایر، ایران...)، امپر ـ یالیسم هار آمریکا را هارتر کرده، با خشمی‌دیوانه‌وار حاضر است‌خود را به آب و آتش بزند، تاباقی‌مانده منطقه راحفظ کند، تا از دست رفته‌ها را باز پس گیرد، تا هر جنبش و انقلاب استقلال‌طلبانه‌ای را در خون غرق‌کند و با آتش بسوزاند.

مانور نظامی‌آمریکادرعمان، که‌با شرکت‌نیروهای "واکنش سریع"، نیروی دریایی ـ هوایی و نیز باشرکت‌برادر "کهتر" (انگلستان) وبابهره‌گیری از پایگاه‌های نظامی دیه‌گوگارسیا در اقیانوس هند، شبکه پایگاه‌های نظامی آمریکا در عمان وبحرین و عربستان سعودی...، در همسایگی بلافصل ایران‌انجام می‌گیرد، درلحظه‌ٔکنونی، پیش از این که هدف اول (حفظ باقیمانده منطقه نفت خیز) راتعقیب کند، آرایش قوا در "در خط مقدم" علیه‌انقلاب وجمهوری اسلامی‌ایران است.

آرایش قوا در "خط مقدم" و مقدمه و تدارک برای اجرای دو نقشه‌ٔ نظامی "حداقل" و "حداکثر" است، که هرکدام از آنها وابسته به شرایط و امکانات وفرصت مناسب، ازدیدگاه پنتاگون، می‌تواند به مرحله اجرادر ـ آید.

نقشه "حداقل" "تشویق‌وتحریک‌و کمک و "پوشش" یک تهاجم نظامی دیگر، از نوع تهاجم "صدامی" بوسیله "صدام" دیگری درهمسایگی‌ایران به میهن‌انقلابی ما است.

نقشه‌ٔ "حداکثر" حمله مستقیم نظامی آمریکایی، همراه با حمله دیگر "صدام‌ها"ی همسایه، به‌کشورماست.

مسافرت اخیر کنعان اورن ـ دیکتاتور نظامی ترکیه به پاکستان و مذاکرات وی باضیاءالحق ـ دیکتاتور نظامی پاکستان در زمینه توسعه‌ٔ "همکاریهای نظامی" و "دفاع‌مشترک" فقط دراین "نقشه‌ها" می‌گنجد، والا بین ترکیه وپاکستان هیچ "دفاع مشترکی" نمی‌تواند مطرح باشد و هیچ توسعه "همکاریهای نظامی" لازم‌نیست نقل‌وانتقالات نظامی، هم در منطقه مرزی ترکیه با ایران وهم در منطقه مرزی پاکستان با ایران و نیز تشدید فعالیت دستجات ضدانقلابی "ایرانی" درمناطق مرزی این هر دو کشور دیگر "رازی" نیست. "جزئیات" دیگری را نیزمی‌توان دید، تامنظره "نقشه" مجسم‌تر شود، از جمله مسافرت وزیر دفاع عربستان سعودی به پاکستان برای مذاکره، بازهم درباره توسعه‌ٔ "همکاریهای نظامی"، و سیل انواع اسلحه‌ای‌که همراه با خیل "مستشاران" نظامی‌آمریکایی به پاکستان، عربستان وترکیه روان است.

همه آنچه را که گفتیم، به وضوح مشهوداست و ابدا لازم‌نیست‌که‌انسان در "پنتاگون" باشد، تا بتواند "ستاره درخشان" دستهای تهاجمی‌آمریکا و تدارک اجرای‌آنها را ببیند. این "ستاره" بادرخشش و وضوح‌تمام‌نشان می‌دهدکه ماجراجویی نظامی‌به‌بالا ـ ترین سطح سیاست آمریکا "ارتقاء" یافته و لحظه‌ای نمی‌توان‌ونباید‌از خطرمستقیم و یا غیرمستقیم آمریکا ـ نه بعنوان فرضیه و احتمال‌کلی ـ بلکه بعنوان‌خطرجدی، که‌هرلحظه‌ممکن‌است بصورت تهاجم نظامی‌واقع شود، غافل بود.

خطرجدی‌است، براین مبنا که ایران‌لقمه‌ای نیست‌که‌جانور درنده‌ٔ امپریالیسم آمریکا بتواند "داوطلبانه" ازآن‌صرفنظر کند، و بدلیل این که تا کنون تمام توطئه‌های آمریکابرای بر ـ اندازی‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران عقیم شده‌اند.

مانورنظامی آمریکا در عمان ـ آرایش قوای نظامی در منطقه‌بلافصل کشورما ـ وظیفه‌ٔمبرم وعاجلی را در دستور روز انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران قرارمی‌دهد: آمادگی همه جانبه برای دفع و شکستن تهاجم نظامی جدید غیرمستقیمی‌ازنوع‌تهاجم‌صدامی و یاتهاجم نظامی‌مستقیم آمریکا.

چرا مناسبات سرمایه داری سبب تشدید وابستگی است؟

تاریخ‌پیدایش وگسترش‌نظام سرمایه‌داری نشانداده است، که ایجاد و توسعهٔ مناسبات سرمایه‌داری در شهر و ده، در کشور و جهان ناگزیر موجب توسعه وتحکیم وابستگی می‌شود.

درست است که تولید نعمت‌های مادی‌و معنوی‌همیشه جنبه جمعی داشته است، چون انسان اساسا هیچگاه قادر به تک‌زیستن‌نبوده‌و نیست. اما جریان‌واقعی تاریخ تکامل جوامع بشری چنین است، که روند جمعی (اجتماعی) شدن تولید وسایل ضرور جهت‌زندگی رفته‌رفته‌گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌شود. رشد قانونمند قبیله‌ها، طایفه‌ها و عشیره‌ها به پیدایش‌خلق‌ـها وملت‌ها منجر می‌شود. در پی تکامل وسایل‌تولید، پیدایش وگسترش اقتصادکالایی‌و توسعهٔ بازرگانی، به‌تدریج بازار واحدکشورها‌و سپس بازار جهانی بوجود می‌آید. با پیشرفت وسایل تولید، گسترش ارتباطات و مواصلات، رواج بازرگانی، ترقی علم وصنعت وفن، اکنون پیشرفت جامعه بشری به جائی رسیده است که شما کسی را که درست در آن‌سوی کرهٔ‌خاکی ما (وحتی‌روی‌کره‌ماه) حرکت وصحبت‌می‌کند، به چشم خودمی‌بینیدوبگوش‌خودمی‌شنوید...

البته صحبت بر سر جلوگیری از این پیشرفت و نزدیکی بیشتر خلق‌ها نیست، که چنین خیالی باطل و چنین تلاشی‌محکوم به شکست است. درجریان همین پیشرفت است، که‌انسان رفته ـ رفته از زیر سلطه‌نیروهای کور طبیعت رهائی می‌یابد، برآنها مسلط می‌شود، از آنها به خیر وصلاح جامعه بهره می‌گیرد. صحبت‌برسرآنست‌که‌اولا ـ این روند قانونمند تاریخی خود مراحل کیفیتا مختلفی داشته و دارد، که‌یکی‌از آنها مرحلهٔ‌سرمایه‌داری‌است. ثانیا ـ آنچه‌مهمتر است ـ این‌که پیشرفت بشر به مرحله‌ای رسیده‌است که امکانات ضرور و واقعی برای هدایت هدفمند این روند قانونمند به سود توده‌های زحمتکش جهان‌ونه طبق منافع خصوصی تنگ‌نظرانه وآزمندانهٔ مشتی‌کلان‌سرمایه‌دار و بزرگ زمیندار بوجود آمده‌است.

ماهیت استعماری سرمایه وسرمایه‌داری وابستگی را شدیدتر می‌کند

گرچه درمیهن ماهنوزهم نظریه‌پردازانی دیده‌می‌شوند که سعی‌دارند سرمایه را "مبلغی پول‌بی‌آزار" جلوه‌دهند، که گویا "مایه اولیهٔ" هرگونه فعالیت تولیدی وضرورت اجتناب ـ ناپذیر هر جامعه‌ایست، امازحمتکشانی که با گوشت وپوست خود بهره‌کشی بیرحمانه سرمایه‌داری راحس می‌کنند ومی‌بینندکه‌چگونه ثمره‌زحمات‌طاقت‌فرسایشان‌به‌صورت سرمایه‌در دست‌عده‌ای‌قلیل‌متمرکز و وسیلهٔ‌تشدیدبیشتر استثمارآنها‌میگردد، دیریازودبه‌ماهیت‌سرمایه وخصلت نظام سرمایه‌داری پی می‌برند. آنها درک می‌کنند که‌کار و زحمت تولیدی‌انسان‌ها چه در اقتصاد روستائی (به‌صورت کشت‌وزرع باغداری، دامپروری و غیره) چه در تولید صنعتی (به‌صورت پیشه‌وری، صنایع دستی، ماشینی وغیره) وچه‌در رشته توزیع محصول کار ومبادله کالا (به صورت بازرگانی داخلی تجارت خارجی و غیره) سده‌ها وهزاره‌های تاریخ را پشت سرگذاشته، تابه‌مرحله پیدایش سرمایه، به معنای خاص کلمه، وسرمایه داری، چون نظام مشخص اجتماعی ـ اقتصادی رسیده است.

سرمایه‌درچنان‌مرحله‌ای‌ازتولید کالایی بوجودمی‌آیدکه‌نیروی کار انسان به‌کالا مبدل می‌شود. کارگر جامعهٔ سرمایه‌داری‌بازحمتکش نظام‌های پیشین‌این فرق اساسی را دارد که (به تفاوت از دهقانان وپیشه‌وران‌رژیم‌ارباب ـ رعیتی) ازهرگونه وسیلهٔ‌تولیدمحروم‌است و (به‌تفاوت‌ازبرده) خودبخشی‌ازوسائل تولید هم‌نیست. او جز نیروی کار خودهیچ وسیلهٔ دیگری برای زندگی ندارد. صاحب کالای نیروی کار البته در فروش‌آن ظاهراً و رسماً آزاد است، اما محروم بودن از هرگونه‌وسایل تولید، این آزادی ظاهری و رسمی او را به‌اجبار اقتصادی وحیاتی مبدل می‌کند. کارفرمای دوران سرمایه داری هم با کارفرمایان و استثمارگران نظامهای پیشین این فرق مهم را دارد که وسایل عمدهٔ تولید جامعه را تحت مالکیت خصوصی خود متمرکز کرده‌است. وعلاوه بر کالاهای دیگر (بنا، ابزار تولید، موادخام، سوخت‌وغیره) ازکالای‌ویژه‌ای چون نیروی کار کارگرمزدبگیر، که قادر به تولید اضافه ارزش‌است، استفاده می‌کند. تا سرمایه‌دار در جریان تولید نعمت‌های مادی و معنوی رابطهٔ اجتماعی بین دونوع‌مختلف‌کالا یکی‌نیروی‌کار ودیگری‌وسائل تولید، برقرارنکند نمی‌تواند درنتیجه مصرف تولیدی (ونه‌شخصی تجملی وغیرتولیدی) آنها و پس ازنقد کردن کالای نوساخته شده در بازار، ارزش افزون‌بر آنچه که پیش پرداخته بود، بدست آورد. به همین سبب است که سرمایه را تجسمی از مناسبات اجتماعی دانسته‌اند.

اندیشمندان مدافع نظام سرمایه‌داری منکر سرمایه همچون مناسبات اجتماعی‌هستند و معمولا آن را چون مجموعه‌ای‌ازاشیاء (وسایل تولید) قلمدادمی‌کنند. چنین‌تبیینی‌ازسرمایه برای اثبات این مدعاست که گویا سود سرمایه‌داران از خود سرمایه زائیده می‌شود و نتیجه بهره‌کشی ازکارمزدوری نیست‌درصورتی که تحلیل دقیق مقوله "سرمایه" نشان می‌دهد که "سرمایه‌شئی‌نیست، بلکه مناسبات‌تولیدی معین‌اجتماعی و متعلق به صورتبندی تاریخی معین‌جامعه‌است، که درشئی‌تجسم یافته‌وبه‌این شئی خصلت ویژه اجتماعی‌می‌دهد".

دانش‌اقتصاد سیاسی با تشریح بافت و ترکیب سرمایه و تقسیم آن به سرمایه ثابت و سرمایه متغیر، همه ساز وکار (مکانیسم) بهره‌ـ کشی سرمایه‌داری را با دقت ریاضی‌روشن‌کرده است. بخشی از سرمایه، که جهت تدارک وسائل تولید پیش پرداخت می‌شود، در روند تولید به تدریج‌عینا وکاملا روی کالای نوساز منتقل می‌شود و تماما مستهلک می‌گردد. به عبارت‌دیگر، ارزش وسایل‌تولید (بنا، ابزار کار ماشین‌آلات، موادخام، موادانرژی‌زا وغیره) در روند تولیدکالا بی‌تغییرمی‌ماند (به‌کالامنتقل می‌شود) و چیزی نیست که بتواند خودبخود افزایش پیدا کند. آنچه که ارزش استهلاک تدریجی وانتقالش بروی کالا از پیش معین نیست، و وقتی کالای ساخته شده نقدگردید، می‌توان دقیقا حساب کرد، همان نیروی کار کارگر است، که در روندتولید، اضافه ارزش‌به بارمی‌آورد.

نویسندگان‌بورژوابرای لوث‌کردن‌سرشت مشخص سرمایه (انکار تفاوت کیفی آن باپول) نظریه اضافه ارزش را، که‌افشاکننده مستدل ماهیت بهره‌کشی سرمایه‌داریست، سخت مورد حمله‌وهجوم قرارمی‌دهند، آنهابه‌سودبازرگانی، بهره‌بانکی، "استفاده از بازی‌های عرضه‌و تقاضای بازار"، حتی به درآمدهای احتکاری فروشندگان دست دوم وسوم‌کالا اشاره‌می‌کنند، که گویا سرچشمه‌سود ومنبع‌انباشت سرمایه این ـ هاست. درصورتیکه نه سودتجارتی، نه‌بهره بانکی، نه بازیهای‌عرضه‌وتقاضای بازار... ونه درآمدهای احتکاری (یعنی‌کلاه‌برداری) ارزش نمی‌سازند، بلکه‌همه آنها‌اضافه ارزش ساخته شده توسط‌نیروی کار کارگر درجریان تولید را تقسیم‌می‌کنند. برای "کلاه‌برداری" هم بایددر جائی و وقتی کلاهی‌ساخته شده‌باشد، تا با برداشتن آن از سری وگذاشتن به سری دیگر دراین میان سودی به‌جیب زد! "بازی‌های عرضه وتقاضا" ارزش نمی‌آفرینند، بلکه حول ارزشی‌که کالا دارد، دورمی‌زنند، وآن‌هم طبق همین قانون بازار سرمایه‌داری (یعنی قانون عرضه‌وتقاضا) تا اندازه‌معینی. درجامعه‌سرمایه ـ داری اضافه ارزش سرچشمهٔ همهٔ انواع درآمدها، سودها، بهره‌ها، مالیاتها، عوارض وغیره ذلک‌است. سازنده‌اضافه‌ارزش، نیروی‌کار کارگرمزدبگیراست. سرمایه‌دار بیش ازآنچه که برای‌خریدنیروی‌کاربه‌کارگرپیش پرداخت‌میکند، ازکار او بهره‌می‌گیرد. به‌همین‌سبب نیز تولیدو تصاحب‌اضافه‌ارزش به‌مقیاس هرچه‌بیشتر، هدف اصلی‌تولیدسرمایه‌داری را تشکیل‌می‌دهد، نه رفاه حال زحمتکشان و پیشرفت‌جامعه. زنده ماندن کارگر و پیشرفت جامعه، تا آنجا و به اندازه‌ای برای سرمایه‌دار لازم‌و مهم‌است که بتواند تولید اضافه ارزش بیشتری را تامین‌و تضمین کند.

نقش انباشت اولیه سرمایه درگسترش وتحکیم وابستگی

نظریه سازان سرمایه‌داری اغلب ادعا می‌کنند، که گویا سرمایه‌دار سرمایه خود را از راه صرفه جوئی در خوراک وپوشاک و دیگر مخارج ومصارف خود وخانواده‌اش‌انباشته‌است. البته‌اشاعه چنین‌نظریه‌ای می‌تواندبرای مدت معینی درزحمتکشان ساده‌اندیش‌امید کاذب به انباشت سرمایه وثروتمندشدن رابوجودآورد و آنها را در مبارزه پیگیر وقاطع در راه احقاق حق خود سست، دودل‌و متزلزل سازد. اما تجربه سرسخت زندگی جامعه سرمایه داری بالاخره آنها را متوجه‌این‌حقیقت می‌کند، که سرمایه‌های کلان و املاک فراوان را نمی‌توان بدینسان‌جمع‌کرد. رقابت بیرحم سرمایه‌داری نه‌فقط به‌کارگران‌چنین‌امکانی‌رانمی‌دهد، بلکه با ورشکست کردن‌سرمایه‌داران‌خرد ومتوسط و حتی بزرگ، سرمایه داران‌کلان‌تر وانحصارات عظیم‌تر را بوجودمی‌آورد.

ازنظر تاریخی انباشت اولیه‌سرمایه‌شرط مقدم شیوه تولید سرمایه‌داری‌است. انباشت اولیه سرمایه روند قهرآمیز تبدیل توده های کثیرتولیدکنندگان مستقیم‌نعمت‌های مادی و معنوی (دهقانان، پیشه‌وران، بردگان‌ودیگران) به‌کارگر مزدور وتبدیل وسائل تولید به ثروت پولی متمرکز در دست عدهٔ قلیل‌کارفرمایان است. جنگ‌های مستعمراتی واستثمار وغارت نیروهای انسانی و منابع طبیعی‌سرزمین‌های اشغال‌شده عامل نیرومندتسریع روندانباشت اولیه سرمایه بود. بموازات خلع یدمردم‌روستا از ملک و زمین و الغاء وابستگی دهقانان‌به اراضی (مثلا درانگلستان اواخرسده۱۴۰ـ اوایل سده۱۵۰ "سرواژ" یعنی وابستگی فئودالی دهقانان به زمین از بین‌رفته‌بود) وهمچنین جدائی پیشه‌وران از وسائل و ابزار کارشان‌و تبدیل همهٔ آنها به اردوی کارگران مزدور، **سرچشمه عمده دارائی‌های کلان** بسیاری از سرمایه‌داران (انگلستان، هلندوغیره) از قرن ۱۶ همانا استثمار بیرحمانه و غارت وحشیانه اهالی‌مستعمرات وتجارت‌برده‌بود. از هزاران سند و نوشتهٔ تاریخی‌دراین‌مورد‌به‌یکی ـ دو تا از آنهااشاره‌می‌کنیم، که‌یادآوری‌آنها امروز هم آموزنده است.

"و.هاویت"، که خودیکی‌ازروحانیون مسیحی‌انگلستان‌بود، درکتاب "استعمار و مسیحیت..." (چاپ لندن، سال ۱۸۳۸) می‌نویسد:

"بربریت وفجایع وقیحانه‌ای‌که‌نژادهای باصطلاح مسیحی‌درهرنقطه جهان علیه مردم هرکشوری که گرفته‌اند، مرتکب‌شده‌اند، درهیچ عصری ازاعصار تاریخ جهان ونزدهیچ‌نژادی، هرقدرهم وحشی‌وعقب‌مانده وهراندازه هم بیرحم وبیشرم بوده‌است، نظیرندارد".

نویسندهٔ دیگری بنام "توماس ستامفرد" درسال۱۸۱۷ درباره‌هلند، که "ملت نمونهٔ سرمایه‌داری در قرن ۱۷ به شمارمی‌رفت"، نوشت:

"تاریخ اقتصاد استعماری‌هلند منظره ـ هائی از خیانت، فساد، آدمکشی و شناعت به وجود آورد، که نظایر آنها تاکنون دیده نشده‌اند".

همین‌چپاول‌مستعمرات‌وبویژه استثمارکار بردگان و تجارت برده در آن دوره‌به گسترش بازار جهانی کمک کرد. با بررسی رویدادهای تاریخی بودکه، پژوهش‌کنندگان رابطه‌روند ـ های انباشت اولیه سرمایه بابهره‌کشی‌ازکار بردگی‌وبرده‌فروشی را تاکیدکرده و برده‌داری را "سنگ بنای‌صنایع سرمایه‌داری" نامیده‌اند. بدین‌ترتیب "برده‌داری‌به‌مستعمرات ارزش‌داد، مستعمرات تجارت جهانی را بوجود آورد، تجارت جهانی شرط‌ضرور ایجاد صنایع بزرگ شد". دوشرط‌اساسی پیدایش سرمایه و نظام چپاولگر وخون‌آشام سرمایه‌داری بوجودآمد:

۱ـ تجمع اموال غارتی ازمستعمرات در دست عده‌ای قلیل **سرمایه** این عصارهٔ عرق و خون زحمتکشان، را بوجود آورد.

۲ـ دهقانان، پیشه‌وران، بردگان‌ودیگر زحمتکشان‌غارت‌شده (جداشده‌ازوسائل تولید و وضع خاص سابق‌خود) **کارگرمزدبگیر** را به وجودآوردند.

اشغال مستعمرات وجنگ‌های‌تجارتی مستلزم‌اعتبارات بزرگ‌دولتی‌بودند. هزینه ـ های دولتی سریع تر از درآمدهای‌مالیاتی رشدمی‌کرد و برکسر بودجه می‌افزود. دولت برای رفع کسربودجه‌مجبور به پخش وام‌ها به مبالغ زیاد بین صاحبان سرمایه پولی بود. این امر به بورژوازی، که‌نقش‌اعتبار دهنده به دولت را ایفا می‌کرد، امکان می‌داد که مرتبا بهره‌های زیادتری به‌حساب درصدی (ربح)، که دولت‌درمقابل‌وام می‌پرداخت، بدست آورد و نفوذش در دستگاه دولت بیشترشود. جدایی تولیدکنندگان مستقیم از وسایل‌تولیدشان در عین‌حال‌مهمترین شرط‌گسترش بازار داخلی نیز بود. توده‌های دهقان و پیشه‌ور، که به کارگر مزدور بدل می‌شدند، مجبور بودند با فروش نیروی کار خودزندگی‌کنند وکالای مورد نیازشان را در بازار خریداری کنند. به یک کلام، سرمایه‌داری درپهنا (تصاحب‌سرزمین‌ـ های‌دیگران) وژرفا (داخل‌کشورخود) گسترش می‌یافت و به تولیداجتماعی رفته‌رفته ابعاد جهانی می‌بخشید.

مثلا در ایتالیا، که مناسبات وابستگی شخصی‌دهقانان به زمین (سرواژ) زوداز میان رفت، بر پایه گسترش تجارت ترانزیت و رباـ خواری بین‌المللی، در قرن۱۵، درشهرهای شمالی و وسطای آن کشور سرمایه‌های‌نسبتا بزرگ بوجود آمد. از اواخر قرن۱۵ اسپانیا و پرتغال، برای‌نخستین‌بار بین‌کشورهای اروپای غربی، براه تصرف اراضی دیگرکشورها وغارت مستعمرات قدم‌گذاشتند. در فرانسه اهرم های اصلی انباشت‌اولیه سرمایه سیستم مالیاتی، واگذاری حق جمع‌آوری مالیات ودیگرعوارض‌از سوی دولت به دیگران، رباخواری، حمایت گمرکی و سیاست استعماری بود. در ایالات متحده‌آمریکا روندانباشت‌اولیه‌سرمایه‌به‌مقدار زیادی برتصاحب‌اراضی قبایل بومی، تجارت برده واستثمار وحشیانه اهالی‌رنگین‌پوست متکی بود. بدین‌ترتیب، سرمایه‌داری که در اروپای غربی وآمریکا شروع به تکوین‌کرد، در روند فزاینده جهانی‌کردن تولیدومبادله، نه همبستگی برابرحقوق خلق‌ها، بلکه وابستگی اسارت‌بار آنها به مراکز سرمایه‌داری (متروپل) را گسترده‌تر و ژرف‌تر کرد.

بازار جهانی سرمایه‌داری پایهٔ‌مادی ـ اقتصادی وابستگی است

بدین‌ترتیب، بازارجهانی سرمایه‌داری، که در قرن۱۶ درمرحله مانوفاکتوری (صنایع دستی) گسترش سرمایه‌داری بوجودآمد، یکی‌از عوامل‌عمده ایجادمقدمات ضرور مادی جهت پیروزی شیوه تولید سرمایه‌داری بر شیوه تولید فئودالی‌شد. استثمار نابرابر تجارتی و استعماری در آن دوره یکی از عوامل‌قاطع روند انباشت اولیه سرمایه بود. گذار قدرت‌ـ های بزرگ سرمایه‌داری به تولیدبزرگ‌صنعتی، درجریان‌انقلاب صنعتی قرون ۱۸ و ۱۹، به معنای آغاز مرحله نو وبالاتری از گسترش بازار جهانی‌سرمایه‌داری بود. صنایع بزرگ در واقع بازارجهانی ماقبل‌امپریالیستی‌راشکل‌بخشید. درعین‌حال وابستگی صنایع بزرگ به‌بازرگانی خارجی به میزان زیادی افزایش یافت. بحران ـ های اقتصادی، که از سال۱۸۲۵ مرتبا روی می‌دادند، موجب گسترش جهشی وناموزون تولیدجهانی‌سرمایه‌داری وبازرگانی‌جهانی شد.

اگر استثماربیرحمانه نیروهای‌انسانی و منابع طبیعی‌کشورهای‌مستعمره‌ووابسته‌دردوره‌ـ های اولیه پیدایش سرمایه‌داری‌منبع انباشت اولیه سرمایه را تشکیل می‌داد، تشدید این استثمار واین وابستگی در دوره‌های بعد به سردمداران امپریالیسم امکان می‌دهد که به حساب غارت این کشورها وایجاد "کارگران آریستوکرات" درکشور خود، در صفوف جنبش انقلابی‌کارگری تفرقه اندازند و عمراین نظام استثمار واستعماررا‌چندصباحی‌به‌درازاکشانند.

بازارجهانی‌سرمایه‌داری که‌سیستم‌روابط بازرگانی ـ اقتصادی و مالی ـ اعتباراتی‌است برپایه‌تقسیم‌کاربین‌المللی سرمایه‌داری شکل گرفته، سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی‌رابه وجودمیاورد. روند تکوین سیستم سرمایه‌داری اقتصادجهانی‌دردوسمت‌اصلی‌گسترش‌می‌یابد: در راستای گسترش سرمایه‌داری در ژرفا، یعنی از راه رشدمناسبات‌سرمایه‌داری درکشورهای

بقیه در صفحه ۱۱

اتحاد مردم
شماره ۱۰۶ دوره سوم دوشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۰

هنوز سه زنجیر...

بقیه از صفحه ۱

ـ ایران کشوری است که برخی از نوابغ درجه اول علم وفلسفه و هنر جهانی راپرورش داده است.

ـ ایران گهوارهٔ چهارده هزار سالهٔ تمدن انسانی و منشاء آغازین بسیاری از اشکال تمدن است (از مبداء کشفیاتی که درغارهای اطراف بهشهر شده وبه تمدن سنگ میانه مربوط است.)

ولی این کشور، که در آن خلق‌های گوناگون: فارس، آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب... زندگی میکنند ودارای شهرهای کهن تاریخی وآثار شگرف و زیبای باستانی است، تازه درسال ۱۳۵۷، با انقلاب بزرگ خود برهبری امام خمینی، میخواهد به معنای واقعی کلمه مستقل شود وزنجیرهای استعماری حداقل دویست ساله را بگسلد!

ایران میتواند درصورت داشتن یک حکومت مستقل وخردمند ومترقی ـ طی بیست سال کار منظم و علمی به کشور فوق العاده آباد و نیرومند و با فرهنگی بدل گردد وازکشورهای درجه اول جهانی به حساب آید وبه آن نقشی دست یابد که زمانی درتمدن جهانی ایفاء میکرد است.

علت رکود ایران پنج حلقه زنجیر باگره بند ارتجاعی وسخت تاب به هم پیوسته بود، به شرح زیرین:

۱ـ نفوذ عمیق دولت های امپریالیستی، بویژه آنگلوساکسون ها (امریکا وانگلیس) و پس از آن ها فرانسه و آلمان وژاپن، که در دههٔ اخیراین نفوذ به سطح خانواده های متوسط نیز رسیده بود، یعنی نه تنها قشرهای فوقانی، بلکه قشرهای میانگین رانیز ازجهت زبان، آداب ورسوم، گرایش‌ها، مسافرت و آشنائی و کوچ ومکاتبه بااین کشورها در برگرفته و درآمیزی عجیبی پدید آورده بود. هم اکنون نیز آمریکا مهمترین مرکز کوچ ایرانیان است، که تعدادشان درآنجا به صدها هزار میرسد.

خوشبختانه انقلاب ضربات سختی به این نفوذ امپریالیستی وارد ساخت. ولی اشتباه بزرگی است اگر حتی یک آن تصورکنیم که وقتی بختیارها، آموزگارها وانصاریها رفتند یاسولیوان در جاسوسخانه ننشسته است، حضور امپریالیسم غارتگروتجاوزکارآمریکا دراین کشوربکلی از میان رفته است. این حضور وجود دارد، ولی اشکال فروپوشیده، غیر مستقیم و ریاکارانه ای به خود گرفته است. یعنی بااینکه نفوذ در واقعیت عمدهٔ خود از جهت مادی ومعنوی ریشه کن شده، ولی رخنه امپریالیسم دررژیم انقلابی درجامه ریا وسالوس انقلابیگری و اسلام مآبی هنوز زیاد است، و چه دلیل بهتر از عمل تبهکارانه سه تروریست "سیا" پرورده ای که در بیخ گوش حساسترین ارگانها ونهادها نقشه فجیع خودرا اجرا کردند وهمه آنها در موقع خود سخت هم مورد محرمیت و اعتماد بودند؟ چه دلیل بهتر از رخنه بنی صدرها، امیرانتظام ها، صادق ها، ایزدی‌ها، نزیه‌ها، مراغه‌ای‌ها وغیره وغیره؟ آیا میتوان مطمئن بود که بنی صدرها، امیرانتظام ها، صادق‌ها، کشمیری‌ها، کلاهی‌ها و فخارزاده‌های ناشناخته دیگر وجود ندارند؟ پس این اعمال مشکوک، خرابکارانه و ناراضی تراش، که در زمینه های مختلف دیده می شود، فقط نتیجهٔ ندانم کاری واشتباه وانحصار طلبی و قشریگری است؟

۲ـ زنجیر اسارت دوم، سلطنت وبویژه سلطنت پهلوی و عمال دزد و دلال و پاانداز و خبرچین آنها بود، که انقلاب عجالتاً این باند ماوراء جانی راجارو کرده است و دراین زمینه دستاورد انقلاب بسیارجدی وگرانبها است وازپیگیرترین ومهمترین دستاورد های این انقلاب محسوب میشود.

شکست این دوزنجیر پولادین اسارت، که یکی ترک برداشته ودیگری خرد شده، از پیروزی های انقلابند، ولی هنوز سه زنجیر پولادین اسارت باقی است:

۱ـ نظام مالکیت غاصبانه و جابرانهٔ بزرگ ارضی، که قرار است، به ویژه با اجرای لایحه اصلاحات ارضی، به دوران تسلط سه هزار ساله اش خاتمه داده شود. ولی حتی پس از انقلاب، حتی در دولت های انقلابی حتی درمجلس شورای اسلامی، گذراندن این قبیل لوایح گاه با موانع بسیار دشواری روبرو میشود! اگر در این زمینه تاکنون کاری هم شده، به همت جوش و خروش دهقانان و هیئت های هفت نفری وجهاد سازندگی ومسلمانان انقلابی بوده است، که همیشه از سخنان ضدفئودالی و قاطع امام خمینی در دفاع از مستضعفین الهام گرفته اند.

ولی هنوز چندمیلیون هکتار زمین در دست بزرگ مالکان است. هنوز چماق‌داران ارباب، مانند هزارها سال پیش رعیت کوبی میکنند! امپریالیسم و سلطنت به اتکاء همین اربابان در این کشور سروری کرده وبرای خود پایه اجتماعی و طبقاتی ساخته بودند. آن روستای مفلوک گلین بی آموزشگاه، بی برق، بی جاده، بی آب، بی حمام، که تازه باج بده مشتی قلدر مالک نام و نوکران بلاواسطهٔ اوست، چگونه می‌تواند به گهوارهٔ تمدن امروزی بدل شود؟

اگر انقلاب این "زقوم "دوزخی رانکند، کاری که کارباشد نکرده است، سپس همه چیز بجای اولش بازخواهد گشت. بزرگ مالکان با بخشی ازروحانیت سنت گرا (که خودهم مالکند) دراتحاد نزدیکند واگر هیبت و نفوذ عظیم خلقی امام خمینی نبود، اکنون طرف‌داران بزرگ مالکی هرمخالف خود را ازشاخه درختی آویخته بودند.

آیا انقلاب ایران این زنجیر اسارت راخواهد گسست؟ مردم ایران بویژه دهقانان زحمتکش درانتظارند.

۲ـ نظام ایلاتی وخانی (قشقائی هاوبختیاری‌ها وسنجابی هاوخان‌های کردوبلوچ وغیره) که تاحدزیادی دست نخورده باقی مانده است. همانطورکه رعیت تازه دارد میفهمد که او آزاد زاده شده وصاحب اصلی ثمرهٔ دسترنج خوداست، همانطورهم فردعشیره ای تازه دارد میفهمد که بدون سرپرستی جناب خان وکلانترها وجماقداران او هم میتواند رمه‌ها را بچراند و بدوشد و در سیاه چادرهای خود به آسودگی زندگی کند.

بخش مهم مردم کشورما بهاسم رعیت وعشیره در نازلترین مقام انسانی، درقیاس باتمدن امروزی، به سرمیبرند، یعنی اسیر و برده ارباب و خانند. این ننگ است! و دمی فراموش نکنیم که این عزیزان رنجبر هموطنان ماهستند ودرآستانه سدهٔ بیست ویکم میلادی ودرسدهٔ پانزدهم هجری در این وضع به سرمیبرند.

قریب صدسال است برای درهم پاشاندن نظام‌های عشیرتی و رعیتی درمیهن ما مبارزه می شود ده‌ها ودهه‌ها به این مبارزه پاسخی جزگلولهٔ گدازان نبود. امروزهم هنوزتریبونهای بانفوذ دردست مدافعان این نظامات فرتوت وضدبشری است، که به اشکال روزپسند ازنظم عمر بسرآمده دفاع میکنند.

ولی حالا انقلاب امیدی ایجاد کرده است. دهقان وعشیره امید دارند که ایران از این لعنت وطلسم باستانی هزاران ساله برهد، یعنی بجای رعیت؛ دهقان آزاد پدیدآید، وبجای عشیرتی، شبان آزاد! وهر دو از دانش و صنعت ونعمات وفضائل انسانی برخوردار گردند. این سعادت بقدری بزرگ است که قلب هرمیهندوستی رابه طپش وا میدارد.

ما معتقدیم که حرکت جهان و ایران دیگرنمیتواند در سمت‌های ضد این آرزو باشد وامید داریم که این آرزوی واقعی مردم ایران هرچه زودتر برآورده گردد.

۳ـ زنجیر پولادین سوم بازار است. دراین حجره‌ها و دالان‌ها و کاروانسراهای تهران و تبریز واصفهان ومشهد وشیراز و... دراین بازارهای سرپوشیده، سپاهی از "بزرگ حاجیان" سالوس، دراتحاد باروحانی نمایان استفاده دوست وکلاً دراتحاد بالومپن ها محیط احتکار و گرانفروشی و خون ـ مکیدن "های خودرا دائرکرده اند، که تازه پس از انقلاب سود غارتی آنها ازقبل از انقلاب بیشتر شده!

امپریالیسم و دربار و دستگاه تضییقی زمانی پشتیبان آنها بودند. وحالا باریش وتسبیح و مسلمان نمائی میکوشند به دزدیهای بیشرمانه خود ادامه دهند. وحال آنکه، اگرآنها به اسلام انقلابی باورمیداشتند، به دزدی وجنایت باور نمی داشتند. بیهوده نیست که زمانی امام خمینی گفتند: "بازار ماهنوز طاغوتی است."

پنج حلقه جهنمی: امپریالیسم، سلطنت، سرمایه داری بزرگ وابسته، بزرگ مالکی ونظام ایلخانی، مانند زنجیری نحس وبدشگون، برای دوران طولانی خلق ما را درجاده گرد آلود اسارت دوانده اند.

انقلاب بزرگ و مردمی ما به امپریالیسم ضربه زد، دربار وعمالش و بخش عمده سرمایه داران وابسته را از صحنه راند، ولی نظام بزرگ مالکی و ایلخانی وبازرگانی بزرگ وابسته هنوز باقی است. علیرغم زنهارباش های مکرر در مکرر امام خمینی و پیروان صدیقش، علیرغم خواست جوشان مردم، آب در این عرصه‌ها هنوز در جوی سابق جاری است. در زندگی واقعی توده‌ها، ازجهت حقوق بشری آنها، هنوز تغییرات امیدبخش بنیادی روی نداده است. ودر نتیجه، خطرآن باقی است که در اولین فرصت مساعد، این "تفاله‌ها"، که در واقع تفاله های آمریکا "هستند، جریان رادگرگون سازند اکثریت مطلق مردم میخواهند، نیروهای انقلابی، صرفنظر ازعقاید مسلکی ومذهبی میطلبند، امام خمینی هم باسوز دل آنراتوصیه میکنند. ولی چه کسی است که نمی خواهد؟ چه کسی است که نمی گذارد؟ چرا عرادهٔ انقلاب پیش نمی رود و در واقع شعار لیبرال‌ها (رژیم اقتصادی سنتی بدون خانوادهٔ پهلوی) عملاً حفظ می گردد؟ همان تفاله ـ ها وارباباشان! پس بایداین تفاله ها را هم مانند اربابشان جاروب کرد.

انقلاب دراین مرحله باید از تلاش خونین خود بهره بردارد. مستضعفان باید خون بهای احتماعی شهیدان خودرابدست آورند. اگر این نشود، سرنوشت انقلاب اسلامی ایران مانند مشروطه خواهد شد.

مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

برای بالا رفتن تولید باید به کشاورزان بی زمین زمین بدهیم

● اگر نظام صحیحی درست نکنیم که در آن کسانی که روی زمین کار می کنند مالك زمین باشند، آینده اقتصاد درکوتاه مدت خراب خواهد شد

● عملیات رزمندگان انقلاب درجبههٔ بستان پاسخ به مانور نظامی آمریکا و توطئه های مرتجعین منطقه بود

مجلس شورای اسلامی درهفته گذشته ۴ جلسه علنی داشت. در این جلسات بخش اعظم مواد لایحهٔ "دیوان عدالت اداری" به تصویب رسید ونمایندگان مجلس در سخنان خود توطئه‌های امپریالیسم امریکا و انجام مانورهای نظامی آنرا به شدت محکوم کردند. دراین جلسات همچنین خواسته شد که در واگذاری زمین به کشاورزان بی‌زمین و زحمتکش، که تنها مالکان واقعی این زمین‌ها هستند تسریع شود.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی درهفته گذشته، روز یکشنبه ۸ آذرتشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه هاشم حجازی نماینده ماکو، ضمن محکوم کردن مانور نظامی "ستاره درخشان آمریکا، جنایتکار سلطه گر"، پیروزی‌های نظامی رزمندگان انقلاب درجبهه‌ها را شادباش گفت. وی هم ـ چنین خواستار "تجهیز سپاه پاسداران ماکو به اسلحه سنگین در نوارمرزی برای مقابله با ارتش رهائی بخش (!) و سلطنت طلب‌ها، که درصدد ضربه به نوار مرزی از ماکو تا قطورند" شد.

دست آمریکا در انفجارها و تخریب‌ها

مطلب وحید نمایندهٔ کلیبر، دومین ناطق قبل ازدستور این جلسه، بااشاره به "طرح ذلت بار فهد"، گفت:

"ما تاکنون در مقاطع مختلف انقلابمان تجربه کرده‌ایم که هرگاه از سوی امام امت یک جریان آمریکائی شکست خورده است، دست‌های آمریکا جهت تضعیف روحیه مردم دست به انفجار وتخریب زده است و انتظار ما هم پس ازشکست طرح فهدجزاین نبود:"

سومین ناطق قبل ازدستور، محمد غفاری نماینده مردم سلماس نیز در سخنان خود به طرح فهد اشاره کردواز جمله گفت:

"آمریکای جنایتکار جهت سد ـ کردن راه انقلاب اسلامی درمنطقه، از طرفی دست به مانورهای مضحک زده و ازطرف دیگر خادمان خیانت پیشه خود راما مور تشکیل کنفرانس‌های فرمایشی کرده وآنان که در مقام تفاخرخودشان را خادم الحرمین میخواندند، غلامان حلقه به گوش آمریکا از آب درآمده وجهت حفظ تاج وتخت ننگین خودروی حیثیت وحقوق پایمال شده ملت عرب معامله کرده وطرح ذلت آور فهد را پیش کشیدند، تابدینوسیله دولت غیرقانونی وغاصب اسرائیل رابه رسمیت شناخته و جای پای امپریالیسم غارتگر را در منطقه محکمتر کنند."

وی در پایان سخنان خودخواستار کنترل دقیقتر مرزهای آذربایجان غربی شد.

آخرین ناطق قبل از دستور این جلسه، فوادکریمی نمایندهٔ اهواز بود که، ضمن اعلام این نکته که "پشتوانهٔ طلای کشور افزایش یافته است" و "دولت ازجاهای دیگر منابع درآمدجدیدی برای خودش تامین کرده است"، به مسئله مبرم تولیدکشاورزی اشاره کردوخواستار توجه جدی مجلس به آن شد.

مالك زمین کسی است که روی آن کار می کند

نمایندهٔ اهواز گفت: "کشاورز تازمانی که نداند زمین مال اوست و سود ومنافعش به او میرسد، با رغبت روی این زمین کارنمیکند، واضح است به کشاورزانی که حاضر به کارهستند، اما زمین ندارند، باید زمین بدهیم، تا تولید بالا رود ومشکل اقتصادی ماحل شود. زمین‌های دولتی وزمین‌هائی راکه دراختیار دولت است، به راحتی میتوان دراختیار کشاورزان گذاشت."

وی آنگاه ضمن اشاره به این نکته که "زمین‌های حاصلخیزمحدوداست" و تاکید براینکه "مسئله کشاورزی بایدحل شود"، گفت:

"این یک مسئله جدی است واگر مابه آن توجه نکنیم و نظام صحیحی برای زمین درست نکنیم، تاکسانی که بر روی زمین کار میکنند مالک زمین باشند، کسانی که آماده بکار هستند، زمین در اختیارشان قرارگیرد، نتیجتاً آینده اقتصاد درکوتاه مدت خراب خواهد شدو راه حل آن به وسیلهٔ زمین است."

ناطق همچنین خواستار طرح ـ ریزی برنامه درازمدت درمورد صنعت و اجرای قانون شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش شور دوم "کمیسیون مسکن و شهرسازی" درخصوص لایحهٔ "تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن والحاق یک ماده و ۲ تبصره به قانون مذکور" مطرح شدوپس ازبحث نمایندگان، به تصویب رسید.

پس از سخنان وزیرارشاداسلامی لایحه "دیوان عدالت اداری" مطرح شد وپس از بحث نمایندگان، کلیات آن به تصویب رسید. آنگاه مجلس بحث در مورد جزئیات لایحه را آغاز کرد.

دراین جلسه وزیر دادگستری لایحه یک فوریتی "تشدید مجازات مرتکبین به جرائم موادمخدرواقدامات تامینی و درمانی به منظور مداوا واشتغال بکارمعتادین" را تقدیم مجلس کرد، که پس از سخنان موافق و مخالف، یک فوریتی بودن آن به تصویب رسید.

جلسه علنی بعدی مجلس در هفته گذشته، روز سه‌شنبه ۱۰ آذر تشکیل شد. اولین ناطق قبل ازدستورجلسه، آقامحمدی نماینده مردم همدان بود. وی باتاکید بر نقش ولایت فقیه، از کوشش کسانی که "یا اغفال شده‌اند یا مزدورند" در تضعیف و "توهین به ساحت مقدس مرجعیت" سخن گفت. وی همچنین با اشاره به اینکه امام خمینی از همان ابتدا سه مرحله برای مبارزه تعیین کردند، این مراحل را مبارزه با "شاه، اسرائیل و آمریکا" ذکر کرد. ناطق متذکرشد که دشمن سعی می‌کند "ازتوجه ملت مسلمان منطقه به مسئله اسرائیل بکاهد" و "سعی میکند کاری کندکه همه حمله در منطقه متوجه اسرائیل نشود."

ناطق بعدی قبل ازدستور، شرعی نماینده مردم داراب نیز، ضمن تقدیر ازپیروزی‌های رزمندگان انقلاب در جبهه‌ها، ازجمله گفت:

"باید ازکارماموراني که مستقیما بامردم درتماس هستند، باخبرشد. وزارت کشور باید درجریان عملکرد فرمانداران باشد. گاهی در بعضی از شهرها قوانین من درآوردی اجرا می‌شود ومردم را بی جهت ناراضی میکنند ویاقانون مغرضانه تفسیر میشود. این کار حکومت جمهوری اسلامی را لکه دار می‌سازد."

پاسخ به مانور آمریکا

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، ضمن گرامی‌داشت خاطره مدرس، به پیروزی های عظیم درجبهه‌های جنگ با تجاوز ـ

بقیه در صفحه ۱۴

نخستین گام پیروزی

تن دادن حکومت ریگان به نشستن در پشت میز مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای را باید نخستین گام پیروزی خلق‌ها در مهار کردن دیوانه‌ترین دیوانگان جنگ‌افروز دنیای امپریالیسم دانست. البته این نخستین گام است و تا پیروزی نهائی خلق‌ها در این صحنه نبرد حیاتی هنوز گام‌های مهم دیگری باید برداشته شود. اما اهمیت این گام نخستین در آنست که در یکی از اصول سیاست ریگان، که امتناع از مذاکره تا کسب برتری نظامی امپریالیسم بر دنیای سوسیالیسم است، رخنه افکنده است.

حکومت ریگان، که نماینده هارترین جناح انحصارات امریکائی است، کار خود را با حمله سراسری بر سیاست تشنج‌زدائی و تعهد ادامه مسابقه تسلیحاتی آغاز نمود. این سیاست، که از اواخر دوران زمامداری کارتر پی‌ریزی میشد، پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری امریکا به سیاست رسمی این دولت مبدل گشت. لفافه‌های تبلیغاتی این سیاست هرچه بود، درونمایه آن از یک تلاش سرسام‌آور تازه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای کسب برتری نظامی به منظور تحمیل اراده انحصارات امپریالیستی بر جهان متحول کنونی حکایت میکرد.

دنیای امپریالیسم میخواست با بسیج تمام نیروهای اقتصادی، سیاسی و نظامی خود روند اصلی جهان معاصر را، که گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، متوقف و یا لااقل کند کند. این تلاش که مستلزم صرف میلیاردها هزینهٔ اضافی از جیب زحمتکشان است، همراه با نتایج فاجعه‌انگیزی که سیاست‌های ماجراجویانه جلوگیری از این روند ناگزیر میتواند به بار بیاورد و بخصوص بی‌پروائی و وقاحت سخنگویان دولت ریگان در طرح و اجرای سیاست‌ها و مقاصد نظامی دولت امریکا (تولید بمب نوترونی و اعلام کاربرد آن، نقشهٔ استقرار موشک‌های میان‌برد امریکائی در اروپای غربی، امکان جنگ محدود اتمی، قصد اعزام سپاه واکنش سریع به هر نقطه‌ای از جهان، که "منافع!" امریکا در خطر افتد، تصمیم به منفجر کردن بمب هشدار دهنده هسته‌ای در آسمان اروپا، امکان بروز جنگ هسته‌ای در اروپا بدون آنکه به خاک امریکا کشانده شود) در شرایطی که دنیای سرمایه‌داری یکی از بحرانی‌ترین ادوار تنزل و رکود اقتصادی، رشد تورم و بیکاری را از سر میگذراند، موجی از مبارزه و نفرت در قاره اروپا و امریکا برانگیخت، که در تاریخ سابقه نداشت. میلیونها نفر در این قاره از کارگر تا دانشمند، از دهقان تا روحانی، به خیابان‌ها آمدند و سیاست بازگشت به مسابقه تسلیحاتی و موشک‌نشانی در اروپای غربی را محکوم کردند. مقیاس اعتراض و مبارزه برضد سیاست‌های ماجراجویانه امپریالیسم امریکا از حد انتظار تمام سیاستگران امپریالیستی بیرون بود. دولت‌های امپریالیستی و حتی سرسخت‌ترین سیاستگران آمریکائی نمیتوانند این جنبش عظیم خلق‌ها را نادیده بگیرند و این نیروی بزرگ است که نماینده ریگان را به سر میز مذاکرات کاهش تسلیحات هسته‌ای در ژنو کشانده است.

مذاکرات ژنو، که بین اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا آغاز شده است، یکی از صحنه‌های مبارزه بین دو نظام اجتماعی – اقتصادی جهان: نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی است.

دنیای سرمایه‌داری از همان نخستین روزی که انقلاب سوسیالیستی در روسیه تزاری پیروز شد، نابودکردن نظام سوسیالیستی را سرلوحهٔ تمام سیاست‌های خود قرار داد. اما نظام سوسیالیستی پیوسته رشد کرد، نیرو گرفت و از تمام مصائب و دسایسی که در سر راه پیشرفت آن فراهم کرده بودند، محکم‌تر و استوارتر بیرون آمد.

سالیان دراز دنیای امپریالیسم از نظر نظامی بر دنیای سوسیالیسم برتری داشت. اما این برتری از اوایل سالهای دههٔ هفتم به تدریج از بین رفت و اینک دنیای سوسیالیسم توانسته است قدرت نظامی خود را، بر پایهٔ ترقی مداوم اقتصادی و فنی، به پای دنیای سرمایه‌داری برساند.

حفظ توازن نیروهای نظامی بین دو سیستم سنگ‌پایه سیاست اتحاد شوروی است. اتحاد شوروی به دنیای سرمایه‌داری پیشنهاد میکند که از خیال محال کسب برتری نظامی بر دنیای سوسیالیسم دست بردارد، زیرا اگر دنیای سرمایه‌داری نتوانسته است ۱۵–۲۰ سال پیش به این برتری دست یابد، اکنون که دنیای سوسیالیسم از نیروی صنعتی و فنی و اقتصادی به مراتب بالاتری برخوردار است، دستیابی به این هدف غیرممکن است و بنابراین بهتر است طرفین موافقت کنند که این توازن را هر چه ممکن است در سطح پائین‌تری نگاه دارند، به نحوی که امنیت هیچ یک از طرفین به مخاطره نیفتد.

تفسیر وقایع مهم جهان

این پیشنهاد در شرایطی که جنگ ناگزیر منجر به یک جنگ هسته‌ای خواهد شد و جامعهٔ بشری را به نابودی خواهد کشاند، یگانه پیشنهاد معقول و منطقی است. اما امپریالیسم امریکا حاضر به قبول چنین راه‌حلی نیست، زیرا انحصارات امپریالیستی تنها با تکیه به زور نظامی میتوانند سیاست‌های غارتگرانهٔ خود را از پیش ببرند.

حکومت ریگان اعلام کرده بود که شرط آغاز مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای آنست که اتحاد شوروی "رفتار" خود را در کشورهای "جهان سوم" "تغییر دهد"، یا به عبارت دیگر، از پشتیبانی از جنبش‌های آزادیبخش ملی در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین دست بردارد. بدیهی است که اتحاد شوروی نمی‌توانست این شرط آنها را نه رانیز بپذیرد.

مطبوعات آمریکا، بدنبال سیاستمداران آن کشور، با افسانه‌پردازی دربارهٔ برتری استراتژیکی "پیمان ورشو" بر "پیمان ناتو" و تعداد موشک‌ها و قدرت آنها و جمع و تفریق و جدول‌بندی انواع تسلیحات دو طرف، می‌خواهند توده‌های مردم خود و مردم اروپای غربی را متقاعد سازند که به سیاست ماجراجویانه مسابقه تسلیحاتی، که تنها به سود انحصارات غارتگر بین‌المللی است، تن در دهند. آنها سالهاست از "خطر شوروی" دم میزنند، اما مردم اروپای غربی با تظاهرات چند میلیونی خود نشان دادند که به این "خطر" باور ندارند. رهبران جنبش ضد جنگ در اروپای غربی اعلام داشتند که به مبارزهٔ خود تا دستیابی به تامین صلح در قاره اروپا، ادامه خواهند داد، زیرا آنچه جهان را تهدید میکند خطر واقعی امپریالیسم است، نه خطر واهی شوروی.

اتحاد شوروی موضع خود و کشورهای عضو "پیمان ورشو" را در مورد کاهش تسلیحات هسته‌ای بارها، از جمله از زبان لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی، در دیدارش از آلمان فدرال شرح داده است. رئوس سیاست کشورهای سوسیالیستی را در این مورد میتوان چنین خلاصه کرد:

– دنیای سوسیالیسم خواهان کسب برتری نظامی بر دنیای امپریالیسم نیست، اما به دنیای امپریالیسم نیز اجازه نخواهد داد که بر آن برتری نظامی بیابد.

– دنیای سوسیالیسم به کشورهای "جهان سوم" برای دفع تجاوز امپریالیستی کمک خواهد کرد و مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای را به هیچ شرطی از این قبیل موکول نمیکند.

– "پیمان ورشو" آماده است که تسلیحات هسته‌ای خود را در اروپا تا آخرین سطح تقلیل دهد، حتی اروپا را قاره غیراتمی اعلام کند، بشرط آنکه "پیمان ناتو" نیز چنین تعهدی را بعهده بگیرد.

– اتحاد شوروی آماده است که برای تامین پیشرفت در مذاکرات، تا زمانی که مذاکرات به نتیجه نهائی برسد، از استقرار سلاح‌های هسته‌ای میان‌برد جدید، در اروپا و نوسازی سلاح‌های موجود خودداری کند، به شرط آنکه طرف مقابل نیز چنین تعهدی بکند. اگر این شرط پذیرفته شود اتحاد شوروی آماده است که برای کمک به پیشرفت مذاکرات، بخشی از موشک‌های میان‌برد هسته‌ای خود، مستقر در قسمت اروپائی اتحاد شوروی، را برچیند.

– اتحاد شوروی هنگام بحث از توازن نیروهای هسته‌ای در اروپا نه تنها امریکا، بلکه مجموع کشورهای امپریالیستی از جمله فرانسه و انگلستان و مجموع وسایلی را که می‌توانند سلاح‌های هسته‌ای حمل کنند (هواپیما، زیردریائی، موشک‌های خط مقدم و غیره) در نظر میگیرد.

کوشش اتحاد شوروی برای حفظ توازن نیروهای نظامی (بطور عمده سلاح‌های هسته‌ای بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی تنها بدلیل تامین امنیت خود و سایر کشورهای سوسیالیستی نیست. حفظ این توازن از نظر جلوگیری از مداخله مسلحانهٔ نیروهای امپریالیستی علیه کشورهای جهان سوم" و یا بدیگر سخن، جلوگیری از صدور ضدانقلاب حائز کمال اهمیت است، بویژه در حال حاضر که امپریالیسم امریکا مداخلهٔ نظامی در سراسر جهان را برای حفظ "منافع حیاتی!" خود، سیاست رسمی دولتی ریگان اعلام نموده است.



از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر است

از کوبا تا لیبی، از اتیوپی تا یمن دمکراتیک، از افغانستان تا کامبوج، از آنگولا تا ایران... به هرجا نظر بیافکنیم، دست امپریالیسم امریکا و متحدان و دست نشاندگانش درکار توطئه و دسیسه علیه نظام‌های مردمی و جنبش‌های انقلابی است. از ایران که بگذریم لیبی و کوبا، بدلیل موضع‌گیری قاطع خود علیه امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی بیدریغ آنان از جنبش‌های انقلابی، در مرکز شدیدترین توطئه‌های امپریالیستی قرار گرفته‌اند. ماه‌هاست که تبلیغات لجام‌گسیخته علیه لیبی و کوبا در مطبوعات آمریکا قطع نمیشود.

لیبی را متهم میکنند که برای کشتن ریگان یک گروه تروریست استخدام کرده و به امریکا فرستاده است ولذا باید برای خاتمه دادن به "توطئه‌های" معمر قدافی رژیم او را سرنگون کرد!

هفته پیش محمد مهدی رئیس کمیته روابط اعراب و امریکا، که مقر آن در نیویورک است، طی تلگرامی به قذافی، او را از یک توطئه "سیا" برضد دولت کنونی لیبی مطلع ساخت. در این توطئه حتی اعزام تفنگداران دریایی امریکا به لیبی برای سرنگون کردن رژیم کنونی آن کشور در نظر گرفته شده است.

در مورد کوبا نیز "سیا" طرحهایی از این قبیل فراهم کرده است

چه چیز خشم و غضب امپریالیست‌های آمریکائی را علیه این دو کشور کوچک برانگیخته است؟ سرسختی و پایداری آنها در برابر امپریالیسم، و نمونه آنها برای خلق‌های اسیر این دو قاره. کوبا چون مشعلی فروزان راه آینده را به توده‌های اسیر امریکای لاتین نشان میدهد و بقدر وسع خود به آنها در مبارزه بخاطر سازندگی جامعهٔ نوین کمک میکند. در جهان کنونی، نمونه‌ها بیش از هر زمان دیگر مردم را به قیام علیه غارتگران و ستمگران برمی‌انگیزانند.

امپریالیست‌های امریکائی کوبا و لیبی را "اقمار" شوروی در افریقا و آمریکای لاتین می‌نامند و تمام جنبش‌های انقلابی دو قاره را نیز اثر "تحریکات" آنان وانمود میکنند. هدف از این لجن پراکنی و اتهامات بازداشتن این دو کشور انقلابی از کمک به برادران ستمدیدهٔ خود در افریقا و آمریکای لاتین است.

کمک کوبا به نیکاراگوئه در ایجاد زمینهٔ مادی و اقتصادی برای سازندگی جامعه غیرسرمایه‌داری در این کشور، عقل از سر توطئه‌گران "سیا" ربوده است. مجله آمریکائی "تایم" مینویسد:

"سیا" در یک گزارش محرمانه دولتی نتایج این کمک و تاثیر آنرا در سایر کشورهای منطقه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که باید هرچه زودتر به رژیم فیدل کاسترو پایان داد. وزارت امور خارجه امریکا نسخه‌هائی از این گزارش را به تمام نمایندگی‌های سیاسی خود در کشورهای امریکای لاتین "ناتو" و حتی واتیکان فرستاده است.

بدینسان ایالات متحده می خواهد پشتیبانی کشورهای مرتجع امریکای لاتین را برای مداخلات خود در کوبا جلب کند. غول امپریالیسم امریکا هرروز همسایه کوچک خود را تهدید میکند. در پایگاه‌های نظامی جنوب ایالات متحده آمریکا و حوزه دریای کارائیب آماده‌باش جنگی اعلام شده است. در ناحیهٔ جزایر باهاما و پرتوریکو مانورهای نظامی با ماموریت‌های تهاجمی انجام میگیرد. باندهای ضدانقلابی برای پیاده‌شدن در خاک کوبا، تمرین میکنند. کوبا را به محاصرهٔ دریائی تهدید میکنند. اما کوبای انقلابی، به رهبری فیدل کاسترو، آماده مقابله با تمام این توطئه‌هاست و به وظیفهٔ انقلابی خود در کمک به مبارزان ضدامپریالیستی ادامه میدهد. ولیبی نیز.

هفته پیش گروهی از راهزنان حرفه ای که جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی آنها را اجیر و مجهز کرده بود، در روز روشن به سیشل یکی از کشورهای کوچک افریقائی حمله کردند، تا حکومت انقلابی آن را سرنگون کنند. لیبی بلافاصله اعلام کرد که آماده است بخشی از نیروهای نظامی خود را برای دفاع از استقلال و تمامیت سیشل در اختیار دولت آن کشور قرار دهد. قبلا نیز معمر قذافی در نطق خود، هنگام مراسم رژه نیروهای لیبیائی، که از چاد بازگشته بودند، اعلام داشت که لیبی تصمیم گرفته است برای کمک‌رسانی به کشورهائی که در معرض تهدید امپریالیسم و صهیونیسم قرار می‌گیرند ارتش ویژه‌ای تشکیل دهد.

کوبا و لیبی بقدر وسع خود به خلق‌های دیگر در مبارزه بخاطر حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خودشان بی هیچ چشم‌داشتی کمک میکنند. اگر تمام خلق‌ها سیاست کمک متقابل در برابر تجاوزات امپریالیستی را درپیش گیرند، میتوان فاتحه این نظام جهنمی را خواند. همبستگی بین خلق‌های ستمدیده در برابر دسایس امپریالیسم و ایستادگی در برابر آن میتواند بزرگترین ضربه را بر پیکر غارتگران بین‌المللی فرود آورد. سرمایه یک نیروی بین‌المللی است. ایستادگی در برابر آن نیز تنها از طریق همبستگی بین‌المللی امکان–

بقیه در صفحه ۱۱

رژیم ضیاءالحق ـ جانشین رژیم شاه در منطقه

نام رسمی: "جمهوری اسلامی پاکستان"
(Islamic Republic Of Pakistan)

سرزمین و سکنه: پاکستان کشوری است واقع درشمال باختری شبه قاره هند.

وسعت: ۸۰۳۹۴۰ کیلومترمربع،

جمعیت: ۷۵/۲ میلیون نفر. تراکم جمعیت ۹۴ نفر در کیلومترمربع (۱۳۵۶)،

پایتخت: اسلام آباد (۲۵۱۰۰۰ نفر ـ ۱۳۵۴)،

زبانهای رسمی: اردو، انگلیسی،

پول: روپیه پاکستان = ۱۰۰ پیسا، ۱ دلار = ۹/۳۷۳ روپیه (۲۴ آبان ۶۰)

تقسیم اداری: پاکستان به استانهای زیر تقسیم می شود:

بلوچستان (۲/۵ میلیون نفر)، استان شمال باختری (۱۱/۵ میلیون نفر)، پنجاب (۳۹/۹ میلیون نفر)، سند (۱۴/۹ میلیون نفر) ومنطقه پایتخت.

مهمترین شهرها: کراچی (۳/۶ میلیون نفر)، لاهور (۲/۲ میلیون نفر)، فیصل آباد (۸۲۲۰۰۰ نفر) و حیدرآباد (۶۲۰۰۰۰ نفر). ۷۸٪ مردم پاکستان روستانشین هستند.

مهمترین ملیت‌های پاکستان عبارتند از: پنجابی‌ها، سندیها، پاتانها و بلوچها. خاستگاه این ملیت‌ها خلق‌های هندی شمالی و فارس ـ ترک هستند. پاکستانی‌ها به ۲۴ زبان سخن می‌گویند: فزون بر اردو و انگلیسی، می‌توان از پنجابی، سندی، پشتو و بلوچی نام برد. ۹۷٪ مردم پاکستان مسلمان (اکثریت سنی) هستند.

اقتصاد: پاکستان کشوری است کشاورزی باصنعت رشدیابنده. درسال ۱۳۵۸، ترکیب فرآورده ناویژه اجتماعی چنین بود: کشاورزی: ۳۴٪، صنعت: ۱۵٪، ساختمان: ۴/۸٪ و بازرگانی، ترابری وخدمات: ۴۵٪

پس از استقلال پاکستان در سال ۱۳۲۶ دگرگونی های ساختاری دراقتصاد پاکستان پدیدارشد، که مهم ترین ویژگی های آن عبارت بودار: شتاب وگسترش روند احداث صنایع، بهبود شرائط تولید در کشاورزی و توسعه گام بگام زیرساختار. دولت بوتو ۹ سال پیش یک رشته اصلاحات اجتماعی ـ اقتصادی را در صنعت واقتصاد آغاز کرد، که هدف آنها تسریع رشد نیروهای مولد بود.

امروزه در پاکستان شکل های اقتصادی گوناگون درکنار یکدیگر دیده می شوند: اقتصاد طبیعی، خرده تولید کالایی، بهره‌کشی نیمه فئودالی، اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی و بخش دولتی.

تحول سرمایه‌داری در پاکستان در دوران استعمار بریتانیا شروع شد و در زمان حکومت ائتلافی کلان بورژوازی ـ بزرگ مالکان پیش از ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) سرعت یافت. در آن هنگام، روند گردآبی سرمایه در ۲۲ شرکت خانوادگی به آفرینش گرایش‌های انحصاری انجامید. سیاست دولت بوتو تقویت بخش دولتی بود و بدین منظور به ملی کردن ۳۲ واحد بزرگ در صنایع سنگین، ماشین سازی و انرژی، بانکهای خصوصی داخلی، بندرها، توزیع فرآورده‌های نفتی وبخشی از بازرگانی خارجی اقدام ورزید.

قانون اساسی ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) پاکستان جلوگیری از گردآبی ثروت و وسائل تولید و توزیع را در دست عده‌ای محدود و به زبان همگان یکی از اصول بنیادی سیاست دولت پاکستان اعلام می‌دارد. همین قانون اساسی خواهان اصلاحات ارضی وکاهش زمین‌های خصوصی، آریستوکراسی فئودال می‌شود.

پس از کودتای تابستان ۱۳۵۶ (ژوئیه ۱۹۷۷)، دولت به تشویق سرمایه‌داری خصوصی همت گماشت.

درپاکستان ۳۰ سال است (از ۱۹۵۱) که اقتصاد "برنامه ریزی" می‌شود. برنامه پنجم اقتصادی، که در ۱۰ تیر ۱۳۵۷ (۱ ژوئیه ۱۹۷۸) آغاز گشت، در ۹ تیر ۱۳۶۲ (۳۰ ژوئن ۱۹۸۳) پایان می‌یابد.

بر پایه این برنامه، ۲۱۰ میلیارد روپیه پاکستان سرمایه‌گذاری خواهد شد، که ۱۴۸ میلیارد روپیه در بخش دولتی و ۶۲ میلیارد روپیه در بخش خصوصی خواهد بود. ۷۲٪ این سرمایه‌گذاری از منابع ملی و ۲۴٪ از منابع خارجی تامین خواهد شد. این برنامه درصنعت رشد سالانه ۱۰٪ ودرکشاورزی ۶٪ را پیش بینی می‌کند. بدهکاری پاکستان، بعلت دریافت اعتبارات هنگفت ازخارج، بسیار چشمگیر است. این کشور درسالهای ۱۳۵۶/۵۷ مجبور شدکه ۳۸٪ درآمدهای صادراتی خود را بابت بازپرداخت این دیون مصرف کند. درسال‌های نامبرده بدهکاری پاکستان به خارج برابر با ۶/۷ میلیارد دلار ایالات متحده آمریکا بود.

علاوه بر رشد سریع جمعیت (سالانه نزدیک به ۲/۵٪) مهمترین علت دشواریهای اقتصادی پاکستان مخارج هنگفت تسلیحاتی است.

درسال ۱۳۵۵ شماره شاغلان در پاکستان ۲۱/۰۳ میلیون بود: ۱۱/۳۳ میلیون نفر در کشاورزی، ۳/۳۳ میلیون نفر درصنعت، معادن و گستره انرژی، ۲/۲۹ میلیون نفر دربازرگانی و هتل‌داری، ۸۶۶۰۰۰ نفر در ساختمان و یک میلیون نفر در ترابری.

جدول زیرین روند افزایش فرآورده ناویژه اجتماعی پاکستان را در سال های گذشته نشان می‌دهد:

فرآورده‌های ناویژه اجتماعی (میلیارد روپیه پاکستان)

۱۹۶۰	۱۵/۹
۱۹۷۴	۱۱۱/۱
۱۹۷۵	۱۳۰/۴
۱۹۷۷	۱۴۶/۹
۱۹۷۸	۱۶۸/۵

رشد اقتصادی پاکستان در سال ۱۳۵۸ برابر با ۲/۵٪، یعنی نیم درصد کمتر از رشد جمعیت این کشور در این سال بود.

صنعت: صنعت پاکستان نمی‌تواند نیازمندی‌های بازار داخلی را تامین سازد. این کشور درحدود ۱۰٪ مواد غذایی، ۷۵٪ ماشین‌آلات و ۶۵٪ کود شیمیایی موردنیاز خود را وارد می‌کند. صنایع سبک پاکستان نسبتا رشد یافته‌است. مهم ترین رشته صنعتی پاکستان یعنی رشته نساجی، درحدود ۱۵۰ کارخانه را دربرمیگیرد. ازدیگر موسسات صنعتی پاکستان، ازجمله، می توان از کارخانه‌های قند و روغن کشی، دو فولاد سازی کوچک، کارخانه‌های شیمیایی، دوکارخانه ماشین‌آلات سنگین و چندواحد تولید ماشین‌های حمل ونقل وکشاورزی نام برد. دراینجا باید بویژه از یک کارخانه فولاد سازی نزدیک کراچی یاد کرد، که دارای ظرفیت سالیانه ۲ میلیون تن است و ۸ سال پیش (۱۹۷۳) بکمک اتحاد شوروی احداث شد مهمترین مراکز صنعتی پاکستان عبارتست از: کراچی، لاهور، فیصل آباد، مولتان وپیشاور

ظرفیت نیروگاه‌های پاکستان در حدود ۲۰۰۰ مگاوات است، که ۳٪ آن درنیروگاه اتمی کراچی تولید می شود.

جدول زیرین تولید مهم ترین مواد خام رادرپاکستان (به‌هزارتن) نشان می‌دهد:

تولید مهمترین مواد خام به‌هزارتن

سال	۱۹۵۱	۱۹۷۴/۷۵	۱۹۷۶/۷۷
زغال‌سنگ	۵۱۶	۱۱۲۹	۱۳۴۹
کرم	—	۱۳	۲۳
نمک	—	۳۷۵	۳۶۰
نفت	۱۸۰	۴۳۲	۳۴۸
گاز (میلیون مترمکعب)	...	۴۵۹۶	۵۰۴۰
سیمان	۵۰۶	۳۱۴۵	۳۱۹۶
انرژی برق (میلیون کیلو‌وات‌ساعت)	۲۲۲۰	۹۷۷۲	۱۰۸۷۶

— صفر
... آمارموجودنیست.

درجدول زیرین تولید مهمترین فرآورده‌های صنعتی پاکستان (به هزار تن) آمده است:

مهمترین فرآورده‌های صنعتی (به هزارتن)

سال	۱۹۵۰	۷۰	۷۳	۷۶/۷۷	۷۷/۷۸
نخ	۱۴	۳۳۲	۴۵۵	۲۸۱	۳۹۱
پارچه‌نخی (میلیون مترمربع)	...	...	۴۰۸	۲۹۷	...
کود	...	۲۸۳	۶۲۷	۸۹۱	...
قندوشکر	۱۶	۶۰۰	۴۳۳	۷۶۳	۸۶۰



کشاورزی: تنها ۳۸٪ اراضی پاکستان قابل کشت است، ۴/۶٪ زمین‌ها پوشیده ازجنگل و بقیه بیابان است.

جدول زیرین تولید مهمترین فرآورده‌های گیاهی پاکستان را (به‌هزارتن) نشان می‌دهد:

تولید مهمترین فرآورده‌های گیاهی (به‌هزارتن)

	۱۹۵۲/۵۳	۷۰	۷۲/۷۳	۷۵/۷۶	۷۷/۷۸
گندم	۲۴۷۷	۷۱۷۹	۷۳۲۵	۸۵۵۴	۸۸۰۰
برنج	...	۲۳۴۶	۲۲۹۳	۲۵۷۶	۲۸۵۸
ذرت	...	۷۱۷	۷۶۸	۷۶۴	۸۱۸
جو	...	...	۱۳۷	۱۲۸	۱۱۲
پنبه	۳۱۹	۵۲۹	۶۰۹۱	۵۰۵	۵۷۰
نیشکر	...	۲۵۹۵۲	۱۹۶۳۲	۲۵۱۴۳	۲۸۹۷۲

در جدول زیرین شماره دام‌های پاکستان (به‌میلیون) آمده‌است:

دام (به‌میلیون)

سال	۱۹۶۰	۷۵	۷۶	۷۷
گاو	...	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۴/۴
گوسفند	۶/۱	۱۸/۶	۱۹/۱	۱۹/۷
بز	۱۰/۰	۱۹/۱	۲۲/۸	۲۲/۷
مرغ		۳۴/۰	۳۴/۵	۳۵/۵
الاغ	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۹
شتر	۴۰۰	۶۵۲	۶۵۴	۶۵۶

نه سال پیش (مارس ۱۹۷۲) اصلاحات جدیدارضی در پاکستان آغاز، ولی به زودی با پایداری سرسختانه آریستوکراسی ده روبرو شد.

بازرگانی خارجی: صادرات پاکستان نخ ومنسوجات پنبه‌ای، چرم، فرش، برنج و برخی لوازم ورزشی، و واردات آن غلات، نفت، فولاد، ماشین‌آلات، وسائل نقلیه، کاغذوچای رادربرمی‌گیرد.

جدول زیرین حجم واردات وصادرات پاکستان را درسالهای گذشته نشان می‌دهد:

حجم بازرگانی خارجی (به میلیارد روپیه)

سال	۱۹۷۲/۷۳	۷۶/۷۷	۷۷/۷۸
صادرات	۸/۵۵۱	۱۱/۴۳۶	۱۳/۰۱۶
واردات	۸/۳۹۸	۲۳/۰۱۲	۲۶/۰۱

مهمترین شریکان بازرگانی خارجی پاکستان، ایالات متحده آمریکا، "جامعه اقتصادی اروپا" و ژاپن هستند که اعطای اعتبار را به پاکستان مشروط به فروش کالاهای خود به این کشور می‌کنند.

ذخیره‌های ارزی پاکستان از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ به ۱۲۰ میلیون دلار در سپتامبر ۱۹۷۹ کاهش یافت. تراز بازرگانی خارجی پاکستان سالهاست، که منفی است. کسری سالیانه تراز بازرگانی ازسرنگونی بوتو تا کنون پیوسته بیشتر شده‌است و درسال ۱۹۸۰ به ۲۴۹۰ میلیون دلار رسید. بدهکاری رژیم پاکستان به خارج، درحدود ۱۰ میلیارد دلار در سال گذشته به اوج خود رسید. در سال ۱۹۸۰ تنهابهره و باز پرداخت این دیون ۸۰۰ میلیون دلار بود.

"صندوق بین‌المللی پول"، که در آن "دوستان" آمریکائی ضیاءالحق تسلط دارند، قرار است در سه سال آینده ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار در اختیار رژیم پاکستان بگذارد. این اعتبار، که عجالتا پاکستان را از "خطر ورشکستگی" نجات داده، بزرگترین مبلغی است که تا کنون "صندوق بین‌المللی پول" در اختیار یک کشور رشدیابنده قرار داده‌است.

وضع زحمتکشان: میانگین درآمد سالانه پاکستانی‌ها بسیارنازل است (درسال ۱۹۷۷ برابر با ۱۹۰ دلار) وتورم وگرانی و بیکاری زحمتکشان پاکستان رابازندگی توانفرسا روبرو ساخته‌است. سه‌چهارم روستانشینان زیر مرز فقر زندگی می‌کنند. پاکستان یکی ازفقیرترین کشورهای جهان به‌شمار میرود.

جدول زیرین نمایشگر افزایش هزینه زندگی مردم پاکستان در سال‌های گذشته است:

هزینه زندگی (۱۰۰ = ۱۹۶۹/۷۰)

۱۹۷۲/۷۳	۱۹۷۳/۷۴	۱۹۷۶/۷۷
۱۲۱/۴	۱۵۷/۸	۲۴۲/۹

به‌ادعای وزارت اقتصاد پاکستان، نرخ تورم درپاکستان در سال ۱۹۷۹ تنها برابر با ۸/۲ درصد بود. اما کارشناسان اقتصادی از نرخ تورم میان ۳۰ـ ۲۰ درصد نام می‌برند.

یکی دیگر از شاخص‌های تورم درپاکستان افزایش پول درگردش از ۷/۰۹ میلیارد روپیه درسال ۱۹۷۰ به ۱۰/۸۷ میلیارد روپیه درسال ۱۹۷۳ و ۱۱/۸۳ میلیارد روپیه درسال ۱۹۷۵ بود.

جدول زیرین بودجه دولت پاکستان را درسالهای گذشته نشان می‌دهد:

بودجه (به‌میلیارد روپیه)

سال	۱۹۶۰/۶۱	۷۳/۷۴	۷۸/۷۹
درآمد	۲/۱۲۲	۸/۹۴۹	۲۸/۵۹۱
هزینه	۱/۸۹۴	۸/۸۶۷	۲۷/۶۷۰

درحالیکه ۸۵ درصد بودجه پاکستان در راه مصارف غیر مولد (ازجمله ۴۰ درصد برای هزینه‌های نظامی) بکار برده می‌شود، تنها ۱۵ درصد آن به‌برنامه‌های اقتصادی ـ اجتماعی اختصاص می‌یابد.

یک‌سوم سکنه فعال پاکستان بیکاریانیمه‌بیکارند. هرساله درحدود ۱۰۰۰۰۰ پاکستانی کشور خودرا درجستجوی کار ترک میکنند و بیشترآنها به‌کشورهای عربی صادرکننده نفت روی‌می‌آورند. حدسزده می‌شودکه در حدود ۱ میلیون زحمتکش پاکستانی درخارج، به ویژه درعربستان سعودی، باشند.

بهداری: میانگین طول عمر در پاکستان برابربا ۳۳ سال است. برپایه آمار ۱۳۵۲ مرگ و میر کودکان ۱۳۰ درهزار است. درسال ۱۳۵۴ درپاکستان ۱۷۹۲۹ پزشک و ۷۰۳ دندان پزشک انجام وظیفه می‌کردند. درهمین سال ظرفیت ۱۳۴۵ بیمارستان پاکستان برابر با ۳۳۹۴۸ تختخواب بود.

آموزش و پرورش. در سال تحصیلی ۱۳۵۶/۵۷ در پاکستان در حدود ۴۵۰۰۰ دبستان و ۵۸۰۰ دبیرستان وجود داشت، که

بقیه‌درصفحه ۱۲

کودتای نافرجام امپریالیسم آمریکا وآفریقای جنوبی درسیشل

روز ۶آذرماه ۶۰،نیروهای مسلح "سی شل" یک‌کودتای نظامی را،که از سوی امپریالیسم آمریکا ورژیم نژاد - پرست آفریقای جنوبی سازمان یافته بود ،سرکوب‌کردند .

کودتا بایورش یکصد سفیدپوست آفریقای‌جنوبی وآمریکائی ،برای‌تصرف فرودگاه‌سی شل آغازشد ،که بارویاروئی جانبازانه‌ٔ نیروهای مسلح "سی‌شل"،که بیست ساعت بطول انجامید ،سرکوب شد ودگربار آرامش به "بهشت روی زمین" - با،هفتادهزار جمعیت و ۴۰۵ کیلومتر مربع وسعت - بازگشت .شماری ازمزدوران‌کودتاگر دستگیر شدند ، تعدادی‌به‌جنگل‌های اطراف فرودگاه پناه‌بردند وتنی چند نیز با ربودن یک‌هواپیمای بوئینگ ۷۰۷هندی، که در فرودگاه بود ،راهی آفریقای‌جنوبی شدند .

این‌کودتای نافرجام ،نخستین تلاش‌برای سرنگونی‌حکومت‌انقلابی آلبررنه ریاست‌جمهور، رهبروبنیان - گذار "جبهه پیشروی خلق سی شل" نبود .

۵ماه‌ژوئن۱۹۷۷ (۱۵ خرداد ۱۳۵۶) ،فرانس آلبررنه بنیانگذار "حزب متحد خلق سی‌شل" (سال بنیانگذاری ۱۹۶۴-) بعد از دست - یابی به‌قدرت‌به "جبهه‌پیشرو سی‌شل" تغییر نام یافت ،حزب انقلابی ضد - امپریالیست وهوادار برپایی نظام سوسیالیستی ،که‌به‌پشتوانه‌آراءاکثریت مردم ،دربرابر تنهاحزب رقیب ، "حزب دمکراتیک‌سی‌شل"، مدافع منافع بزرگ‌مالکان‌و کلان‌سرمایه‌داران‌وطرف - دارسیادت وسرپرستی بریتانیا بر سی‌شل ،به‌پیروزی درخشانی دست یافت‌بیدرنگ یک برنامه دگرگونی‌های ژرف اقتصادی - اجتماعی ، در راه تامین استقلال کشور و بهروزی توده - های زحمتکش پیشروی نهاد . سیاست خلقی وضدامپریالیستی آلبررنه پایگاه توده‌ای "حزب‌متحدخلق سی‌شل" را گسترش داد .آلبررنه، در دور بعدی انتخابات (ژوئن ۱۹۷۹) دگربار به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد .

نخستین اقدامات حکومت انقلابی در راستای دمکراتیزه کردن بنیادی نظام آموزشی استعماری ، با آشوبکاری‌های نیروهای واپسگر ،کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان روبروشد ولی سرانجام در سیزده ماه اکتبر ۱۹۷۹ ،توطئه فروپاشی نظام‌دمکراتیک نوین‌سرکوب‌گردید .درپیامد آن ،توده های مردم باشرکت دربزرگترین‌راه - پیمایی تاریخی خود در ویکتوریا ، پایتخت سی‌شل ،توطئه ضدانقلاب را محکوم کردند وبرنامه وسیاست "جبهه پیشرو خلق سی‌شل" برهبری آلبر رنه راستودند .

رهبران "جبهه "در پاسخ به پشتیبانی شایسته‌ٔتوده‌های مردم ، به خاطربازگشت‌ناپذیرساختن‌دگرگونی‌ها ودستاوردهای سترگ حکومت نوین ، تاکیدکردندکه‌بایدهرچه‌زودتر وظایفی راکه‌در بیانیه‌ٔ جبهه‌ٔبنام "**پیش‌بسوی سوسیالیسم**" ،اعلام شده‌بود ،باپی - گیری دنبال‌شود .

دیری نپائید که نخستین کنگره‌ٔ "جبهه" در روزهای‌نهم و یازدهم آوریل ۱۹۸۰ برگزارشد ،و به این مناسبت انتشار دگرباره "مردم" ،ارگان مرکزی "جبهه" ،پس ازیکسال، آغاز گردید .کنگره وفاداری خویش را به برنامه وسمتگیری سوسیالیستی "جبهه" اعلام کرد .

اینک "جبهه‌پیشرو خلق سی‌شل" در پیشاپیش خلق سی‌شل ، در راه استقلال، آزادی، درراه رشد غیر - سرمایه‌داری وسوسیالیسم ،علیه‌ارتجاع وامپریالیسم‌پیکارمی‌کند .

خلق سی‌شل باچیرگی‌بر توطئه - های‌ضدانقلابی امپریالیسم و ارتجاع داخلی ،با امید و اطمینان به‌آینده‌ٔ پیروزمند خود مینگرد .

متحدان بنی‌صدر- سرمایه‌داری لیبرال ایران(۷)

حمله به‌کمیته‌های انقلاب،دفاع از ساواکی‌ها

یادآوری

درشماره‌گذشته‌نشان دادیم که‌لیبرال‌ها چگونه‌با اعدام سران رژیم منفور پهلوی مخالفت‌می - کردندومی‌کوشیدندحتی هویدا را نجات‌دهند .اکنون ادامه‌ٔ بررسی :

لیبرال‌های‌دولت موقت به این کوشش‌ها رنگ "حقوق بشر" ،رقت قلب ترحم ،عفو و . . .می‌زدند .اما واقعیت این بود که آنهامخالف درهم کوبیدن بنیادی رژیم سابق ونظام اقتصادی‌آن بودند .بی‌جهت نبودکه‌همگی لیبرال - هایکدل‌ویکزبان‌برنهادهای‌انقلابی دادگاه‌های انقلاب ،کمیته‌ها، و سپاه پاسداران ،که قلب دشمن راهدف‌گرفته بودند، می‌تاختند .گاه با قیافه حق‌به جانب وگاه به شکل حمله مستقیم :

" . . .کمیته‌های‌انقلاب‌به‌تدریج منحل و وظایفشان وکارهایی‌که‌برعهده دارند وبسیاری ازآن‌کارهانبایدانجام بشود ، بتدریج به‌دولت‌محول‌خواهد شد. . . " (سخنان‌دکتریزدی - ۱۹ اسفند ۵۷ - کیهان)

و: " . . .می‌دانم به شما توهین - ها. . . شده. . .تفنگ به دست‌ها و ژ - ۳ بدست‌هابه‌نام‌کمیته‌های‌انقلاب به‌نام‌کمیته‌های امام آمده هیاهو راه انداختند ،شما را تهدید کردند. . . " (پیام مهندس بازرگان، ۱۳شهریور۵۸ کیهان)

و باز هم مهندس بازرگان :

" . . .کمیته‌ها وگروه‌های‌افراطی نه تنها مانع راه دولت ،بلکه خطر عظیم برای‌امنیت وآسایش و بقاوحیات مملکت وبرای انقلاب هستند. . . " (۱۰اسفند ۵۷ - کیهان)

اشاره به "خودسری کمیته‌ها، گروه‌ها ،پاسداران ،بعضی‌از روحانیت" درنطق‌های مهندس بازرگان، کم نیست ،اصلاترجیع بندنطق‌های رئیس دولت لیبرالی ، کمیته‌های انقلاب بودند :

" . . .همه‌می‌پرسندو می‌ترسند اگرکمیته‌ها وپاسدارها وافرادی که‌بنام کمیته و پاسدار عمل می‌کنند واسلحه هم که دارند ،این‌وضع اگر ادامه پیدا کند ،عاقبت این‌ملک وملت و مردم و ازجمله دولت چه خواهد شد. . . " (مهندس بازرگان، ۵ اردیبهشت ۵۸ کیهان)

و بازهم : " . . .اگر مقصوداز انقلابی عمل کردن ، زدن و ریختن و کشتن و پا روی همه اصول و نظام و سیستم گذاشتن باشد . . .انقلابی نیستم . . . " (مهندس بازرگان، ۱۰ شهریور ۵۸ - اطلاعات)

ونزیه فراری‌ازاین‌سخنان‌نتیجه‌ٔ صریح می‌گرفت :

" . . .روحانیون‌بایدبه‌برچیدن کمیته‌ها کمک کنند. . . " (۲۱خرداد ۵۸ - کیهان)

هدف از برچیدن کمیته‌های انقلاب چه بود ؟ بگذارید از زبان دولتمردان لیبرال بشنویم :

اماساواک پامی‌گرفت...

" . . .به‌تصمیم دولت موقت کمیته‌ای تشکیل‌شده‌است که زیرنظرمن ازاین‌پس ازاسناد ومدارک ساواک حفاظت خواهدکرد وکمیته در حال حاضر کارش راشروع‌کرده است. . . " (دکتریزدی، ۲۸ اسفند ۵۷ ،اطلاعات)

ویا: " . . .امیرانتظام . . . تصمیم به‌تشکیل سازمان اطلاعاتی جدید را زیر نظرنخست‌وزیری اعلام داشت. . . " (۱۸ فروردین ۵۸ - اطلاعات)

ممکن است بگویند این فقط یک سازمان‌اطلاعاتی بوده‌است‌برای‌امنیت



سه، سه‌بارغلط کردیدکه انقلاب‌کردید!

کشور ،برای‌مقابله باجاسوسان‌خارجی ، وماسئوال می‌کنیم :امنیت‌کشور از کدامین سو در خطر بود ؟ و بازسئوال می‌کنیم : با بینش دولت موقت این سازمان‌اطلاعاتی به‌کدام راه می‌رفت ؟ جز به راه" . . .تسلیم شدن به دستگاه اداری سابق وکارکردن باهمان عناصر ساواکی گذشته که‌هنوزهم ادامه دارد. . . " (ازاستعفانامه‌دکترسامی وزیر بهداری دولت موقت، ۷ آبان ۵۸ - کیهان)

وپاکسازی فراموش‌می‌شد...

با این منطق ،طبیعی‌است که با پاکسازی عوامل وابسته به رژیم‌گذشته هم مخالفت شود :

" . . .همین آقای رئیس بانک ملی از روز اول به این آقای مهندس (بازرگان) گفتند این سوابق را دارد نرفت‌زیربار ،عوض نکردتاجناب‌ایشان فرصت را مغتنم شمردند و از ایران رفت. . . " (بنی‌صدر، ۲۴شهریور ۵۸ - کیهان)

ویا: " . . .کارگران‌و کارمندان شریف صنعت نفت تقاضای پاکسازی دارند ،درحالیکه آقای نزیه به‌جابه‌جا کردن کارمندان اکتفا کرده است ،در صورتی که می‌بایستی تمام عوامل ضد - انقلاب درصنعت‌نفت. . .تصفیه شوند. . . " (نظرآیت‌اللهاشراقی در موردطرز کارحسن‌نزیه، ۳ مهر ۵۸ - کیهان)

و درهمان جا : " . . .ما بارهابه طور مستدل نقش تخریبی عناصر وابسته به رژیم سابق وساواکی هایی (را) که‌هنوز مصدرامورهستند ، گوشزد کرده‌ایم وآقای نزیه حاضر به‌تصفیه آنها نشده‌اند ، با وجودیکه اسامی ساواکی‌های شرکت نفت در اختیار می‌باشد ،ولی‌آقای‌نزیه از افشای آنها خودداری‌می‌کند. . . " (سخنگوی انجمن اسلامی شرکت ملی نفت)

وازاین‌هم بیشتر : "عناصری که . . .می‌بایستی‌تصفیه‌شوند. . . ارتقاء مقام پیداکرده‌اند " (انتقادانجمن - های‌اسلامی‌کارکنان‌نفت‌ازاظهارات نخست‌وزیر)

ویا : " . . .بازنشسته‌کردن‌جمعی افسران اشتباه بود. . . " (وزیر دفاع دولت‌موقت ،۱۲فروردین۵۸ - کیهان)

رئیس دولت موقت‌هم معتقدبود " . . .تصفیه کردن ،زدن وگرفتن. . . من اسم آن را گذاشتم یک عمل ارتجاعی. . . " (مهندس‌بازرگان، ۱۶ تیر۵۸ - کیهان)

وبالاخره کاربه‌جائی رسیدکه **امام‌خمینی** رسماً دستور تصفیه‌اداره‌ها را از عوامل‌رژیم سابق‌دادندوتاکید کردند :

" . . .گاهی‌می‌شنوم که دربعضی ازادارات‌قدری‌کم‌کاری‌هست و بیکاری هست و این موجب تعجب من‌است . اگر این‌ها از رژیم سابق‌هستند ،باید تصفیه‌شوند. . . " (۱۲مهر۵۸- کیهان)

امادولت موقت‌چه‌کرد ؟ هیچ ! این‌دولت‌بورژوایی‌حتی درسطح‌مدیران نیزتصفیه‌جدی‌نکرد .وچیزی نگذشت‌که ازنفوذ عوامل‌ساواک درورازت‌بازرگانی پرده‌برداشته‌شد .براساس اطلاعیه‌دفتر نخست‌وزیری : " . . .این‌شبکه طبق مدارک‌رسمی‌بوسیله عوامل و عناصر ساواک منحله و افراد وابسته به‌سازمان - های استعمار غربی و گروه های ضدانقلابی‌در وزارت بازرگانی مشغول فعالیت‌بوده‌است . هدف این شبکه به دست‌گرفتن‌کنترل‌امورمربوط به خرید ، حمل ،تخلیه‌وتوزیع کالاوارزاق‌عمومی‌از کشورهای خارج وضربه زدن به‌جامعه‌ٔ انقلابی ایران درلحظات حساس بوده است. . . " (۵ آبان۵۸- کیهان)

رضاصدر، وزیربازرگانی دولت موقت ،نیز ضمن مصاحبه‌ای اعلام کرد که :

" . . .پس‌ازانتخاب‌عبدالحسین نیک‌خلق و با گذشت ۶ ماه‌دریافتیم‌که نامبرده ازعوامل‌ساواک منحله‌بوده وبا کمک‌دوستان‌خود. . .دست به‌یک رشته اقدامات غیرقانونی‌زد ،که‌یکی از آنها سوءاستفاده ۷۰ میلیون‌ریالی در دو مرحله‌است. . . " (۵آبان۵۸- کیهان)

یعنی‌دولتی‌که هنوز سرکارنیامده سازمان اطلاعاتی درست‌کرد ،تا به‌اصطلاح‌ازنقشه‌های ضدانقلاب باخبر شود ، دولتی‌که اسنادساواک هم در اختیارش بود ،یکی‌ازعناصر ساواک‌رابر راس پست مهمی مانندمعاونت‌وزارت بازرگانی‌گمارد و تازه ۶ ماه‌بعد ، وقتی مامور مربوطه کلی به جیب زده تازه آقایان اعلام کردند. " بله ! من آنم که. . . " .

تازه نیک‌خلق راچه‌کسی معرفی کرده‌بود ؟ مگرنه‌اینکه اوقبل ازتصدی پست معاونت‌وزارت‌بازرگانی ،مشاور وزیرکشاورزی (یعنی محمدعلی‌ایزدی) بود و به توصیه وی بر سر کار گذاشته شده‌بود ؟ و باز مگرنه‌اینکه‌یک معاون ایزدی، معاون چندوزیر دوران‌طاغوت بود ومعاون دیگرش استاندارفارس در زمان حکومت‌نظامی‌ازهاری؟!

- چرادوربرویم ؟مگراسنادوابستگی ایزدی‌ها بعدا ازجاسوسخانه‌آمریکا در نیامد ؟ وخیلی‌های دیگر :

" . . .خودمهندس می‌گویدمن آدم تجربی هستم وغیرازاین‌اصلا قبول ندارم. . . " (سخنان بنی‌صدربه نقل ازمهندس بازرگان، ۲۴ شهریور ۵۸ - کیهان)

نخست‌وزیردولت‌موقت داشت ضدانقلابیون راتجربه می‌کرد ! یعنی مهندس بازرگان‌تاشخصا به یک نمونه ساواکی یاجاسوس‌آمریکا بر نمی‌خورد ، آن را باورنمی‌کرد ، ولواینکه‌این‌شخص خدمتگزار طاغوت بوده‌باشد ،یانام‌این شخص در لیست ساواک باشد ، یا در اسنادجاسوسخانه آمریکا ! والا چطور ممکن‌است در دوران دولت موقت "کارگران وکارمندان شرکت‌های تابع و وابسته سازمان‌گسترش و نوسازی‌صنایع کشور" بنویسند :

" . . .ماشاهدابقاء وجابجایی بسیاری از مدیران طاغوتی گذشته بوده‌ایم و خواست‌هامان نسبت به‌بر کناری‌این‌افراد وکوتاه‌کردن‌دست‌آنان ازصنایع اساسی‌مملکت به‌جایی‌نرسیده است. . . " (۳آبان۵۸ - مردم)

ویا "کارکنان شرکت‌های تحت نظارت هیات‌سرپرستی‌اموال هژبر یزدانی" بنویسند :

" . . . در راس هیات سرپرستی شخصی‌گمارده شده‌است که خودیکی‌از سرمایه‌داران بزرگ گذشته می‌باشدو اخیرا اموال وکارخانجات وی جزو ۵۱ سرمایه‌داردیگرازسوی‌دولت‌ملی اعلام شده‌واینک‌همین‌شخص ،همراه باعده - ای که‌اطلاعی از اداره امور این‌شرکتها ندارند ،سرمایه‌ٔعظیمی‌ازبیت‌المال را درشرف نابودی قرارداده‌اند. . . " (۱۶مهر۵۸ - بامداد)

آنوقت رئیس‌دولت‌موقت به این مسئله‌حیاتی اینطوربرخوردکند :

" . . .افراد رامتهم میکنند و یا عکس آقا وخانمی رانشان‌می‌دهند که دست به‌سینه به‌دنبال شاه یا ملکه بوده ویا سرسپرده‌بوده ، یا ازساواک حقوق‌می‌گرفته ،یا با فلان ساواکی‌شیرو قهوه‌خورده‌است .البته بسیاری از این اتهامات، شایعات نادرست است ، اما خیلی‌هایش هم صد درصدحقیقت و واقعیت دارد . اما یک مفسر ،یک‌قاضی یا یک معلم کاری جز اطاعت نمی - توانسته‌است‌انجام بدهد .بایداطاعت می‌کرد. . . " (مهندس بازرگان، ۵ اردیبهشت ۵۸ ،اطلاعات)

آیانصیری‌اطاعت‌نمی‌کرد ؟ آیا حتی شاه‌اطاعت‌نمی‌کرد ؟ آیااین‌ارباب آمریکا نبود ،که‌به‌نوکرهایش درایران دستورکارمی‌داد ؟ آیا این نوکران رنگارنگ چاره‌ای‌داشتند ؟!

* * *

بر بنیاد همین سیاست دولت لیبرالی‌بودکه اغلب مقامات حساس کشور بدست جاسوسان ،دوستان و هواداران‌آمریکاوعمال‌ضدانقلاب‌افتاد

درنتیجه‌تا امروز ۲۱ نفر ازسران دولت لیبرالی بجرم‌جاسوسی برای آمریکاو فعالیت ضدانقلابی یابه‌زندان افتاده‌اند یاگریخته‌اند (به‌اتحادمردم شماره۱۰۱ مراجعه‌کنید)

(ادامه‌دارد)

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

اعلامیه سازمان جوان تودهٔ ایران به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو:

گرامی باد خاطرهٔ تابناک شهیدان دانشجو!

● دانشگاه، این سنگر استوار مبارزهٔ ضد امپریالیستی باید گشوده شود!



مصطفی بزرگ‌نیا



احمدقندچی



آذرشریعت‌رضوی

۱۶ آذر، در تاریخ پر افتخار میهن‌ما به‌نام "روزدانشجو" ثبت شده‌است. این روز مظهر مبارزهٔ متحد دانشجویان انقلابی میهن ما علیه امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، وبه‌خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی است.

۲۸سال پیش، در ۱۶آذر سال ۱۳۳۲، رژیم ددمنش شاه ـ آمریکا، که باکودتای امپریالیستی ۲۸مرداد ۳۲، جنبش انقلابی مردم مارابخون‌کشیده بود، مزدوران خودرا به دانشگاه‌تهران گسیل داشت، تابازور سرنیزه‌از شرکت دانشجویان درتظاهرات‌حق‌طلبانه و پردامنهٔ مردم علیه تجدید روابط دیپلماتیک با امپریالیسم انگلستان و دعوت ریچارد نیکسون، معاون وقت رئیس جمهور آمریکا، جلوگیری کند. این هجوم ننگین، به‌شهادت ۳دانشجوی مبارز، **مصطفی بزرگ‌نیا** (توده‌ای) **مهدی شریعت‌رضوی** (توده‌ای) و **احمد قندچی** (مصدقی) انجامید.

هرچند رژیم شاه‌ـ آمریکا موفق شدکه باکشتار دانشجویان‌ازحرکت‌ضدامپریالیستی آنان‌در روز ۱۶ آذرجلوگیری کند، اما از خون سوران سه‌شهیدی که‌سنگ‌فرش‌های دانشکدهٔ فنی رارنگین ساخت، شعله‌ای برخاست‌که‌سالیان‌سال زبانه‌کشید. "**۱۶آذر**" از سوی مردم ودانشجویان انقلابی "**روز دانشجو**" نام‌گرفت‌و هرساله، زیر شعار "**اتحاد ـ مبارزه ـ پیروزی**"، به‌روز تظاهرات و اعتصابات گستردهٔ دانشجویان در داخل وخارج کشور علیه سلطهٔ سیاه امپریالیسم‌امریکا ودیکتاتوری دست‌نشاندهٔ آن برمیهن‌ما بدل‌شد.

"۱۶آذر" نشان‌دادکه مبارزه علیه امپریالیسم، به سرکردگی‌آمریکای جنایتکار، در اعماق جنبش‌مردمی و دانشجویی میهن ماریشه‌دارد و هیچ ترفندی نمی‌تواند درعزم راسخ آنان به‌مبارزهٔ بنیادین و پیگیر علیه امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، وعمال داخلی آن خللی وارد آورد.

"۱۶آذر"، که در آن خون مبارزانی باعقاید گوناگون سیاسی و مسلکی، درهم‌آمیخت، نشان داد که مردم میهن‌ما، صرفنظرازعقایدسیاسی‌و مسلکی، درصفی واحد ویگانه‌می‌رزمند و هیچ‌مرزبندی مصنوعی نمی‌تواننددراین جبهه‌متحد جدایی‌بیندازد.

"**۱۶آذر**" نشان‌داد که دانشجویان‌انقلابی، صرفنظرازعقایدسیاسی ومسلکی، به‌عنوان فرزندان صدیق و راستین مردم، همواره در جبهه خلق قراردارند ونیرو وتوان‌خودرا درخدمت میهن‌انقلابی وسعادت زحمتکشان قرار می‌دهند.

امسال، ۱۶ آذر، "روز دانشجو" درشرایطی فرامی‌رسدکه انقلاب‌شکوهمند ضدامپریالیستی و مردمی ایران، در روند تحکیم وژرفش‌خود، باتوطئه‌های گستردهٔ جبههٔ متحد ضدانقلاب، به‌سر کردگی آمریکای‌جنایتکار، مواجه است. جنگ‌تجاوزکارانهٔ آمریکائی ـ صدامی بخشی‌از میهن مارابه ویرانی کشانده وبرپیکر اقتصاد بیمار به ارث رسیده از رژیم گذشته لطمات‌جدی‌وارد ساخته‌است. عمال وکارگزاران سیا و انتلیجنس سرویس و موساد وضدانقلاب داخلی با دامن زدن به تروریسم‌کور، جبهه جدیدی‌را علیه انقلاب‌گشوده‌انده "تروریست‌های اقتصادی" باتمام‌نیروی مربی‌ونامرئی خودبه غارت ثروت های مردم‌ادامه‌می‌دهند و در روند اجرای دگرگونی‌های بنیادین اقتصادی و اجتماعی بسود زحمتکشان شهر و روستا کارشکنی می‌کنند.

درچنین شرایطی، دانشجویان انقلابی ومیهن‌دوست وظیفه دارندکه، وفاداربه‌سنت‌های ضدامپریالیستی و مردمی جنبش دانشجویی، درعرصه‌های گوناگون نبرد علیه دشمنان‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، و ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد شرکت کنند و با تمام‌نیروی خویش از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران دفاع نمایند. مسئولین امر نیز وظیفه‌دارند که‌از این چشمهٔ جوشان شور و فعالیت انقلابی تمام و کمال بهره‌جویند. عدم بهره‌گیری از بخشی از نیروی دانشجویان‌انقلابی، به‌دلیل تفاوت‌های مسلکی و دیگر معیارهای تنگ‌نظرانه، ضربه‌ای‌است‌بر روند تثبیت، تحکیم وگسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران وخطایی است جبران‌ناپذیر.

متاسفانه دراین شرایط‌حساس، که بیش ازهرزمان دیگر به‌بهره‌گیری‌از نیروی دانشجو و متخصص برای‌بازسازی میهن‌انقلابی وترمیم ویرانی‌ها وبابسامانی‌های‌اقتصادی نیاز است، دانشگاه‌ها و مدارس عالی‌کشورتعطیل اند. این‌تعطیلی، که قریب‌به‌یک‌سال‌و نیم پیش به‌نام "انقلاب‌فرهنگی" آغاز شد، بلاتکلیفی بخش‌قابل‌توجهی از دانشجویان، هزاران جوان‌دیپلمه و نگرانی هزاران‌خانواده وتوقف چرخ‌های آموزش‌عالی کشوررا به بارآورده است.

ضروریات انقلاب و نیازهای رشد وتوسعهٔ جمهوری جوان اسلامی ایران‌می‌طلبد که مراکز آموزش عالی کشورگشوده‌شوند و فعالیت خلاق خود را ازسرگیرند. درپاسخ به‌این‌نیازمبرم **امام‌خمینی** رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در پیام اخیر خود گفتند:

"**شورای فرهنگی کوشش‌کنند که با کمک مستضعفان و دانشمندان، دانشگاه‌ها باز و به‌کارخودادامه‌دهند. وبرعالمان‌دانشمند است که به دعوت شورا دراین امرحیاتی لبیک گویند.**"

بجاست که مسئولین و دست‌اندرکاران "انقلاب‌فرهنگی" دراجرای این‌رهنمودارزندهٔ امام بکوشند و دانشگاه، این‌سنگر استوارمبارزه ضدامپریالیستی‌ومردمی، را هرچه‌سریع‌تر بگشایند.

* گرامی باد خاطرهٔ تابناک شهیدان دانشجو!

* استوار باد پیوند دانشجویان مبارز با مردم انقلابی ایران!

سازمان جوانان‌تودهٔ‌ایران
۱۳۶۰/۹/۹

نامه سرگشاده کانون صنفی فرهنگیان

بسمه تعالی
نامهٔ سرگشادهٔ کانون صنفی فرهنگیان بدفتر امام خمینی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر آموزش و پرورش

اخراج وبرکناری فرهنگیان متعهدومدافع جمهوری اسلامی ایران به‌زیان انقلاب است. انقلاب عظیم اسلامی مردم‌ایران، به رهبری قاطعانه امام خمینی و بامجاهدت توده‌های میلیونی مردم وباخون دهها هزار شهید، مجروح‌و معلول، توانست رژیم‌آزادی کش، وابسته وضدمردمی طاغوت را درهم شکند و دستاوردهای بزرگی به‌همراه‌آورد. معلمین زحمتکش این سرزمین، که زیر ستم طاغوت بودند وهمواره حقوق مادی‌ومعنوی شان‌پایمال میگردید، باتمام توانشان دراین انقلاب‌شرکت کردند وبرای حفظ‌آن نیزازجان مایه نهادند و از آن‌جاکه‌انقلاب‌اسلامی ایران از پیروزی مقدماتی خود تا کنون باهزاران دسیسه ساخته وپرداخته امپریالیسم‌جهانی بسرکردگی امریکا مواجه‌بوده‌است، فرهنگیان مانند بسیاری از مردم زحمتکش این مرز وبوم درتمام مدت بعد از انقلاب‌تاکنون، هشیارانه وفداکارانه‌کمبودها راتحمل‌نموده‌اندوخواست‌های حقه‌خویش را مطرح‌نساخته‌اند، برای آنکه انقلاب به ثمر نشیند وضدانقلاب ناکام بماند. آنان‌دربرابر اشتباهات، ندانم‌کاری‌ها، کارشکنی‌ها وفشارهای‌نابجای‌برخی‌مسئولین، شکیبائی‌نموده‌اند، چراکه، به‌گفته **امام‌خمینی**، بتوانند‌استقلال‌تازه‌یافته‌کشور را حفظ نمایند.

تجارب سه‌ساله انقلاب ما ازسوئی مردم رادرمقابله‌باامپریالیسم ودشمنان‌انقلاب‌اسلامی ایران راسخ‌تر ودفاع‌از انقلاب‌راجانانه‌ترساخت وازدیگرسو، مسئولین متعهد ومدافعان‌راستین انقلاب را یاری نمودکه‌اشتباهات، ندانم‌کاری‌ها وبی‌تجربگی‌ها رابه تدریج تصحیح نمایند ومشکلات عظیم را از پیش پای‌بردارند وخطوط سازش باامپریالیسم و برخی خطوط انحرافی‌را از آینه‌انقلاب بزدایند وفرصت‌های مناسبی برای ارائه خدمت به‌مردم محروم ومستظرمیهنمان بیابند، ودرچنین فرصت‌هائی وهربار که خطری دیگر از سرانقلابمان می‌گذرد وانقلاب دریک هماوردی سهمگین پیروزمند درمی‌آید، امام‌خمینی هشیارانه هشدار می‌دهند:

"...انصافا از اول انقلاب تا حالا، آنکه کارخودش را صد درصد صحیح انجام داد، ملت بود... حالانوبت آقایان‌است... مردم بجای برنامه‌دادن‌عمل میخواهند، هیچ دیگرشماها عذرندارید. ماهیچکدام دیگرعذر نداریم. در طول این مدت هی عذرهائی بود و واقعا هم عذر بود. مردم دین‌خودشان رابه جمهوری‌اسلامی تا کنون اداکردند، به تکلیف خودشان مردم عمل کردند. اشکال، درماهاست بایدماجواب مردم رابدهیم."

وبازجای‌تاسف‌است که این رهنمود گرانقدر امام درآموزش وپرورش کمتر به کار بسته شده‌است. بطوریکه باگذشت قریب سه سال از انقلاب اسلامی میهنمان، هنوزدربرخی اززمینه‌های اساسی درآموزش‌و پرورش مشکلاتی که‌قابل‌حل‌بودند، همچنان حل نشده باقی مانده‌اند، وبدبختانه مشکلات جدیدی نیز به آنها افزوده شده‌است.

بسیاری از این مشکلات ناشی ازخراب‌کاری‌عناصرمشکوک ضدانقلاب‌و وابسته به رژیم طاغوت ویامعلول ندانم‌کاری، انحصار طلبی وتنگ‌نظری‌عده‌ای ازمسئولین بوده‌است. مهم‌ترین این مشکلات عبارت بوده‌انداز:

- عدم تغییر بنیادی نظام‌آموزش‌وپرورش.
- بی‌برنامگی یاعدم برنامه‌ریزی صحیح براساس‌موازین‌علمی ـ اخلاقی وانسانی.
- عدم تمرکز وچندگانگی ارگان های تصمیم‌گیرنده
- جلوگیری ازفعالیت‌های‌سیاسی‌سازنده درمدارس
- گسترش جو تفرقه ودشمنی در محیط آموزش وپرورش
- خودمحوری‌وعدم توجه‌به‌اصول‌شورائی
- عدم ثبت نام واخراج‌برخی‌ازدانش‌آموزان‌بدلایل‌سیاسی وعقیدتی
- استفاده از جوان‌های بی‌تجربه درامور حساس تربیتی وتصمیم‌گیری
- ادامه‌کاربرخی‌ازعناصر وابسته‌به‌رژیم سابق
- اخراج‌وبرکناری معلمین وفرهنگیان متعهد به انقلاب و......

از میان موارد ذکرشده، امروز بیش‌از همه‌اخراج وبرکناری فرهنگیان زحمتکش و متعهد به انقلاب یکی ازموارد ناسالمی است که‌انقلاب را میفرساید ومعلمین را دلسرد میکند. صدهامعلم متعهد به‌جمهوری اسلامی ایران، ازابتدای پیروزی انقلاب و به ویژه ظرف چند ماه‌اخیر، برخلاف نص‌صریح‌قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران ازمحیط کارشان رانده‌شدند، بدون آنکه‌دلیل مشخص ومقنعی برای اخراج به‌آنهاارائه شود، یاحتی حکم‌و ابلاغی به‌برخی از آنها داده‌شود. اسف‌انگیز است که اغلب معلمینی برکنارشده‌اند که دانش‌آموزانشان آنها را جزو بهترین معلمان می‌شناسند واسف‌بارتر اینکه کسانی‌که‌ازبنیاد مخالف جمهوری اسلامی‌ایران‌هستند، در بسیاری موارد ابقاء شده‌اند وحتی با وقاحت نظرات ضدانقلابی خودرا به‌نوعی درکلاس‌ها مطرح‌میکنند.

اندکی تعمق درمحیط‌کنونی مدارس، حاکی از حضور جوناسالم بی‌اعتمادی میان افراد وگسترش جو دشمنی میان‌کارکنان‌قدیمی ونوجوانانی است که‌بعنوان‌مسئولین امور تربیتی و پرورشی به‌مدارس راه می یابند باید پرهیز نمود از رفتارهایی که‌به این بی‌اعتمادی ها و دشمنی‌ها، دامن‌زنند و جوی مسموم را در مدارس بیافرینند.

پرسش‌ما از مسئولین جمهوری اسلامی ایران‌وبویژه مسئولین آموزش‌وپرورش‌این‌است که:

چگونه‌شیوه‌ای وتوسط‌کدام‌خط فکری وسیاسی اعمال گردیده که معلمین انقلابی و حامی‌جمهوری اسلامی ایران، امکان دفاع از انقلاب رانمی‌یابند وبه‌عکس، ضدانقلابیون وقیحانه‌اینجا وآنجاترکتازی می‌نمایند؟

چه‌روشی اتخاذگردیده که‌مدارس رابه سکوت‌انتقادآمیز کشانده وچه کسانی شاد ـ مانند ازاینکه آنهمه شور و شوق‌انقلابی و روحیه‌سیاسی، که‌حتی‌بی‌تفاوت‌ها را به‌شرکت درسرنوشت‌انقلا بشان فرامیخواند، مبدل به سردی و بی‌تفاوتی شده‌است؟

چه‌ملاکی برای برکناری‌یاابقاء فرهنگیان موجوداست؟

متاسفانه اینگونه‌که‌پیداست امروزملاک بسیاری ازبرکناری‌هاداشتن نظرات متفاوت و اعتقاد به‌مکاتب فکری گوناگون‌است.

آیا مسئولین‌جمهوری اسلامی‌ایران‌نمی‌خواهندبپذیرند که‌عقایدونظرات متفاوت‌بی‌شماری میان‌میلیون‌هاتن‌از مردم میهن ما موجود است وحتی مسلمانان نیز برداشت‌های بسیار متفاوت از اسلام دارند؟ و آیا امکان دارد وبه‌صواب است‌کداینهمه‌افکارمتنوع وروحیات‌وخلقیات متفاوت رابه زور و تهدید اخراج وبیکاری، دچارشباهت‌های کاذب ساخت؟

اگر ملاک اخراج، اعتقاد به مکاتب متفاوت وعضویت با هواداری از سازمان‌ها و احزاب‌وگروه‌هاست پس کاربردماده۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که‌میگوید: "تفتیش‌عقاید ممنوع است‌وهیچکس رانمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه‌قرارداد،" درکجاست؟

وقتی معتقدان به‌مکاتب متفاوت‌فکری و سیاسی از کار برکنار میشوند وحتی از ادامه تحصیلات محروم میگردند، پس معنای مادهٔ ۲۶ قانون‌اساسی‌که‌میگوید:

"احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های‌سیاسی وصنفی وانجمن‌های‌اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت‌ملی، موازین اسلامی واساس جمهوری اسلامی رانقض‌نکنند. هیچکس رانمیتوان‌ازشرکت‌درآنها منع کردیابه شرکت دریکی از آنهامجبور ساخت" چیست؟ وکاربردآن درچه مواردی است؟ ودولت در مورد ماده ۲۸ قانون اساسی‌که‌میگوید:

"هرکس حق‌داردشغلی راکه‌بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح‌عمومی‌وحقوق دیگران نیست، برگزیند دولت موظف‌است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه‌افراد امکان اشتغال به‌کار وشرایط مساوی

بقیه‌درصفحهٔ ۱۱

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین ۵

رخنه‌جویی صهیونیستها در سرزمین فلسطین، زیر چتر حمایت امپریالیسم بریتانیا

پس از چیرگی بریتانیا بر فلسطین، دولت استعمارگر بریتانیا بر کلیهٔ پایگاه‌های بنیادی اقتصاد و اهرم‌های سیاسی فلسطین دست‌یافت. ترابری و بازرگانی داخلی‌وخارجی درچنگ‌امپریالیسم بریتانیا متمرکز گردید. عضویت فلسطین در گروه استرلینگ‌بروابستگی اقتصادی آن به‌بریتانیا افزود. ازسال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) بدینسو، امپریالیسم آمریکا نیز در تکاپوی رخنه در فلسطین بود. انحصارگران آمریکایی **"شرکت‌اقتصادی‌فلسطین"** را برای رویاروبی با سرمایه‌های بریتانیایی برپاکردند.

ازسوی دیگر، انگلیسی‌ها به پشتوانهٔ **"اعلامیه‌بالفور"** و سند سرپرستی، بادستیازی به‌کلیه‌وسایل، در راه گسترش و تحکیم سرمایه‌های یهودتلاش‌می‌ورزیدندو‌به موازات‌آن سرگرم کوچاندن‌بی‌دریغ یهودیان‌بودند.

ماده‌چهارم سندسرپرستی تصریح‌میکردکه برای برداشتن گام‌های ضرور در راه پایه‌گذاری **"سرزمین ملی‌یهود"** در فلسطین، باید یک **"نمایندگی یهودی"** گشوده‌شود. **"سازمان صهیونیسم‌جهانی"** تبلیغات گستردهٔ جهان‌گیری را در میان یهودیان، برای کشاندن‌آنها به‌سرزمین فلسطین، آغاز کرد و گروه ویژه‌ای رابرای آموزش‌دادن به یهودیان نورسیده سازمان‌داد. **"نمایندگی یهودی"** دست‌به‌پی‌ریزی **"جنبش مهاجران‌جوان"** زد و **"انجمن بانوان‌جوان امریکا"** عهده‌دارگردآوری‌کمک‌مالی برای "نمایندگی یهودی" گردید.

دولت بریتانیا اعلام داشت که‌برای مهاجران یهود شناسنامهٔ‌فلسطینی‌صادرمی‌کند. براین‌بنیان، به‌گروه‌های صهیونیستی امتیازهای گوناگونی واگذار شد. برای نمونه، **"شرکت برق فلسطین"** امتیازبرپایی یک‌نیروگاه‌برق بر رود اردن را دریافت کرد صهیونیست‌ها در **"شرکت‌پتاس‌فلسطین"** سرمایه‌گذاری‌کردند. تراست‌های **"اسکان‌یهودیان‌در فلسطین"** وابسته به بانک برادران روتچیلد ودیگر بانک‌ها، توانستند بر زمین‌های‌بارورو حاصلخیز گسترده‌ای از خاک فلسطین چنگ اندازند. برای پیشگیری از داد و ستد زمین وجلوگیری از فروش دگربارهٔ‌زمین‌های‌غصب‌شده‌به‌عرب‌ها، "نمایندگی یهودی" "صندوق ملی یهودیان" را برای خرید زمین، با پول گردآمده از یهودیانی که ساکن فلسطین نبودند، بنیان‌نهاد. زمین‌های‌خریداری‌شده باپول "صندوق‌ملی‌یهودیان" قابل فروش نبود بلکه آن‌زمین‌ها برای مدت ۳۵ تا ۴۹ سال‌به مهاجران‌یهود اجاره داده‌میشد.

دراین‌بین، بانک‌هانقش پراهمیتی‌ایفاء می‌نمودند، شرکت **"تنوفا"** داد و ستد فرآورده‌های‌کشاورزی یهودیان رابدست گرفت. مقام‌های‌مالی "نمایندگی‌یهودی" پرداخت وام به سازمان‌های کشاورزی، صنعتی‌وبازرگانی یهودیان‌را آغاز کردند. کارگزاران بریتانیایی به‌سازمان‌های صهیونیستی‌امتیازهای‌بیشتری بخشیدند. فزون‌بر **"نمایندگی‌یهودی"**، گروهی به‌نام **"آسیوات‌گانیوهاریم"** (مجلس‌نمایندگان) پدید آمد که با کمیسربلندپایه انگلیسی رایزنی و گفتگو می‌کرد. انجمنی دیگر به نام "شورای ملی یهودیان" بر پاشد که وظیفهٔ آن‌گردآوری مالیات از یهودیان در برابر خدمات‌شهری، نگهداری آموزشگاه‌ها و جزآن بود.

"سازمان‌صهیونیسم‌جهانی" ارتشی‌نیمه مخفی بنام **"هاگانا"** (۱) (دفاع) به منظور پراکندن تخم وحشت بین اعراب و فراری دادن کشاورزان عرب‌سازمان‌داد.

دومین "بین‌الملل "یهودی، فعالیت‌های پردامنه‌ای را برای کوچاندن یهودیان صهیونیست به فلسطین آغاز کرد. برای تشویق به‌کوچ یهودیان اروپا و آمریکا به‌سرزمین‌فلسطین، کمیته‌هایی به نام "کمیتهٔ صهیونیست ـ سوسیالیست کمک" تشکیل‌شد. وابستگان داخلی صهیونیستها نیز، همنوا با **"هستدروت"**، برای شعله‌ور ساختن آتش شوونیسم کور شعار "زمین، کار، زبان" راترویج وتبلیغ میکردند.

مهاجرت واسکان یهودیان باپشتیبانی بی‌دریغ بریتانیا همه‌ساله افزایش می‌یافت. درفاصلهٔ سالهای ۱۳۱۱–۱۲۹۸ (۱۹۳۲ – ۱۹۱۹)، یکصد و نوزده هزار و چهار صد تن یهودی به فلسطین مهاجرت کردند. در این بین، سازمان‌های صهیونیستی نیز با تمام امکانات سرگرم پیش‌بردن سیاست‌زمین‌خواری ودست‌اندازی بر زمینها و راندن کشتگران تهی‌دست وتامین همپیوندی‌تنگاتنگ‌بابزرگ‌مالکان‌بودند.

درفاصلهٔ‌سالهای ۱۳۰۷ – ۱۲۹۸ (۱۹۲۸– ۱۹۱۹) تنها اراضی متعلق به **صندوق‌ملی یهودیان"** به‌حدود ۱۹۳۰۰۰ دونم (۲) رسید. بایددرنظرداشت‌که "صندوق ملی‌یهودیان" تنهایکی از ده‌ها سازمان زمین‌خواربود. فزون‌بر آن، **"انجمن اسکان یهودیان در فلسطین"** درسال۱۳۰۶ (۱۹۲۷) زمین‌هایی به وسعت ۴۲۹هزاردونم دراختیار داشت. در هرحال، وسعت کل زمین های متعلق به صهیونیست‌ها ۱۰۰۲۰۰۰ دونم از بارآورترین زمین‌های فلسطین‌بود.

سخنان هرتسل بیان گویای سیاست یهودیان صهیونیست درآن دوران‌بود:

"زمین‌شخصی واقع شده در گستره‌های متعلق به‌ما را باید رفته رفته‌ازدست‌مالکانش بدرآورد. پس ازیافتن‌کار برای ساکنان‌تهی‌دست در کشورهای مقصد، آنهاباید ازمرزها بیرون‌رانده‌شوند. در کشورما، ازدادن‌کاربه آنها بایدخودداری گردد. در مورد بزرگ‌مالکان‌باید گفت که‌آنها در نهایت به ما خواهند پیوست."

در دههٔ ۱۳۰۹–۱۲۹۹ (۳۰ – ۱۹۲۰) نزدیک به‌نیمی از زمین‌های بارآور و قابل کشت مالکیت مشاع داشت. از اینرو، برای برداشتن این مانع از برابر سازمان‌های زمین خوارصهیونیستی، قانونی مبنی بر **آزادی کشاورزان در جداشدن از ملک مشاع و کار بر روی قطعه زمین‌خود**، ازسوی بریتانیا صادر گردید. اجرای این‌قانون‌سرنوشت دردناکی برای بسیاری از کشاورزان به‌بارآورد، زیرا که قطعهٔ‌زمین‌کوچک‌آنها، بعداز مدت کوتاهی یا بدست‌سازمان‌های‌زمین‌خوارصهیونیستی‌می‌افتاد ویانصیب بزرگ‌مالکان عرب میشد.

پس ازآن، کارگزاران بریتانیایی برای تسهیل‌کار زمین‌خواران‌درسال۱۳۱۷ (۱۹۳۸) نیزقانونی باسرشت غارتگرانه به تصویب رساندند. بر پایه این قانون، هر قطعه زمین فلسطین را، که "منافع عمومی" ایجاب‌میکند، می‌توان‌به‌زور از کشاورزان خرید. دراین‌مسیر هر خطه از خاک فلسطین به‌دستاویز محل ساختمان پایگاه، مسیر راه‌آهن و... مصادره میشد.

سیاست‌امپریالیسم بریتانیاوصهیونیست‌ها زندگی بیابانگردان عرب را نیز دستخوش تباهی ساخت. سازمان‌های صهیونیستی، به پشتیبانی امپریالیسم بریتانیا، بخشهای‌بسیار وسیعی ازچراگاه‌های سرکردگان قبایل را خریداری کردند. دست‌اندازی صهیونیست‌ها براین‌زمین‌ها بار محرومیت و نکبت دامداران فلسطینی را بیشترکرد، تاآنجا که آنها ناگزیر به‌کوچ از سرزمین آبایی‌خویش‌به‌اردن‌خاوری، سوریه‌ویاشبه‌جزیره‌عرب‌شدند.

استعمارگران‌بریتانیایی برای جلب‌هوا‌داری‌بزرگ‌مالکان‌عرب‌ورفع نگرانی‌آنها‌ازاسکان شتابان‌یهودیان، به یک رشته‌اقدامات‌به سود آنها دست یازیدند.

ازسوی دیگر، در روند گذار تدریجی‌از اقتصاد طبیعی به اقتصاد پولی، بزرگ مالکان عرب، کشاورزان کم‌زمین و بی زمین‌رازیریوغ ستم وبهره‌کشی شدید قرارمیدادندوبروسعت زمین‌های خویش می‌افزودند. با تکامل اقتصاد پولی و راه‌یافتن مناسبات سرمایه‌داری به روستاها، هر روز همپیوندی بزرگ‌مالکان عرب با صهیونیست‌ها بیشتر می‌شد وزمین‌های‌بارآور وگسترده‌تری به صهیونیست‌هاواگذارمی‌گردید. هرسالی که سپری می‌شد، دست‌یغماگر صهیونیست‌ها بر گسترهٔ‌فراختری از زمین‌های کشاورزی چنگ می‌افکند و شمار فزاینده‌ای را اسیر بیکاری و راهی شهرها می‌ساخت.

تحت تاثیر مجموعهٔ این‌اوضاع‌واحوال، قشربندی نوینی درحال شکل‌بندی وتکوین‌بود. توده‌های زحمتکش و تنگدست‌مهاجر یهود، که باهزار امید ونوید به "سرزمین‌موعود" روی آورشده‌بودند وا ینک از بیکاری وبی‌عدالتی‌های فردی‌واجتماعی صهیونیست‌ها و هم‌پیوندان امپریالیست‌آنها به تنگ آمده‌بودند، همدوش باتوده‌های کارگر و زحمتکش عرب در پیکار علیه‌صهیونیست‌ها واستعمارگران‌بریتانیا شرکت‌می‌کردند. در این‌پویه، هم‌پای گسترش ستم‌طبقاتی در سرزمین فلسطین، نهال‌اتحاد ومبارزهٔ بالندهٔ‌زحمتکشان عرب و یهود رشد چشمگیرتری می‌یافت.

(ادامه‌دارد)



پایداری

چه‌بسا، تورا توان‌آن است که،
مرا به‌زنجیرکشی
وکتاب و سیگارم رااز‌من‌دریغ داری
چه‌بسا، توراتوان‌آن‌است که‌دهانم رااز‌خاک‌بیانباری
ولی شعر، قلبم‌را، مانند‌خون، طعام‌خواهدداد
شعرنمک‌است‌برای‌نان
واشک است برای چشم.
من، شعرم را، در سلول زندانم
ـ درطویله‌و حمام
ـ در زیر تازیانه‌وزنجیر
ـ دست در دستبند
واگویه‌می‌کنم
برشاخسارهای قلب‌من، یک‌میلیون پرندهٔ خوش‌آواز
آشیان‌گرفته‌اند
که‌سرودآزادی رانغمه‌می‌کنند.

محمود درویش

(۱)

هاگانا: (به‌زبان عبری: دفاع)، ارتش سری یهودکه پس از پایان جنگ‌جهانی اول درسرزمین‌فلسطین تشکیل شد. در این‌زمان‌اعلامیهٔ بالفور (۲نوامبر ۱۹۱۷) صادر شده‌بود ومردم فلسطین‌به‌سختی علیه آن اعتراض‌کرده‌بودند. مقصود ازتشکیل ارتش هاگانا، نگهبانی از مهاجران یهودی در برابر حملهٔ اعراب‌بود.

پس از ماه مه ۱۹۳۹، به دنبال پایان کنفرانس سنت جیمز و صدور کتاب سفید، انگلستان در راه مهاجرت‌یهودیان‌به‌فلسطین واسکان وتوسعه سیاسی‌ایشان محدودیت‌هایی فراهم آوردوارتش هاگانا نبرد سختی را علیه عمال‌حکومت انگلیس آغاز کرد. اما با آغاز جنگ‌جهانی دوم نیروی ۶۰هزارنفری هاگانا به‌پشتیبانی انگلیس برخاست و در افریقا، کرانه‌های مدیترانه واروپادرزیرپرچم‌انگلستان به‌نبردپرداخت. شرکت درجنگ جهانی دوم برای‌یهودیان ارزش حیاتی‌داشت‌وفرماندهان وخلبانان‌یهودی، برای جنگ آیندهٔ خود با اعراب، تجربیات‌فراوان‌ازآن‌به‌دست‌آوردند.

پس از پایان جنگ، هاگانا مهاجرت یهودیان را به فلسطین تسهیل کردو درجنگ ۱۹۴۸ابتکار جنگ علیه فلسطینی‌ها و ارتش‌های عربی را دردست گرفت.

هاگانا پس ازاستقرار دولت اسرائیل، به‌نام "ارتش دفاع ملی" تجدیدسازمان یافت ودر قتل عام‌های کشاورزان‌فلسطینی‌شرکت جست.

(۲)

"دونم" برابر با $919\frac{1}{3}$ مترمربع است.

باتحکیم وتقویت صف متحد نیروهای مردمی وضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!

دولتی کردن بازرگانی خارجی

یعنی حذف بازرگانان وابسته و واسطه‌ها



با تصویب کلیات لایحهٔ دولتی کردن بازرگانی خارجی درمجلس‌شورای اسلامی ، اینک مجلس آماده بحث درباره مواد لایحه‌است .

تصویب اصل دولتی کردن بازرگانی خارجی بخودی‌خودگامی است بزرگ بسودزحمتکشان . البته‌هنوز متن لایحه درمعرض قضاوت‌افکار عمومی قرارنگرفته‌است ، تا ما هم بنوبه خود بتوانیم دربارهٔ جزئیات لایحه‌اظهار نظرکنیم . این‌امکان درجریان بحث نمایندگان مجلس درباره مواد لایحه فراهم خواهدشد . ولی‌آنچه از سخنان نمایندگان‌مجلس و دفاع وزیربازرگانی هنگام‌بحث درباره‌کلیات‌لایحه ، برمی‌آید ، از وجود نقائص جدی‌در لایحه حکایت می‌کند ، که مهمتر از همه بازگذاشتن‌دست سرمایه‌داران‌بزرگ در واردات‌کالازیرپوشش "تعاونیها" ست .

وزیربازرگانی بخش خصوصی‌را به سه بخش تقسیم کرد . بخش‌اول "مستضعفین‌بخش خصوصی" ، که با سرمایه‌های قلیل خود تعاونی های توزیع تشکیل‌خواهندداد . بخش دوم "بخش خصوصی‌متعهد" ، یعنی‌آنهایی که امکانات بیشتری دارند وتا زمانی که دولت نتواند تمام واردات را در دست گیرد ، "تعاونی های واردات" تشکیل‌خواهند داد ، وبخش سوم ، که‌در تولید سرمایه‌گذاری خواهندکرد . باآن که وزیر بازرگانی "تعاونی‌های‌واردات" راویژهٔ‌دوران‌گذار وضرورت دولتی کردن تدریجی‌بازرگانی‌خارجی اعلام کرد ، معذالک این‌نگرانی بجاست که بازرگانان وابسته ازطریق این "تعاونی ـ ها" حتی‌الامکان‌سیادت خود را بر بازار داخلی‌حفظ کنند ، همچنان‌که در دوسال‌اخیرازطریق "مراکزتهیه وتوزیع کالا" حفظ کرده‌اند و به گرانی وتورم دامن‌زده‌اند .

مروری برگذشته

عامل اصلی گرانی ، چنانکه بدیهی‌است ، کمبودکالاوفزونی‌تقاضابر عرضه‌است . علت کمبود کالادرشرایط مشخص پس از پیروزی‌انقلاب نیزروشن است . سیاست اقتصادی درهای‌باز ، که دهها‌سال ازسوی نظام طاغوتی‌دنبال شد ، اقتصادایران را بزائدهٔ واقعی اقتصادامپریالیسم تبدیل‌نمود . درجه وابستگی کشور به‌امپریالیسم در زمینهٔ اقتصادی چنان شدید بودکه وقتی‌پس ازپیروزی‌انقلاب قرارشدبه‌وابستگی ها پایان داده‌شود ، اقتصاد ایران قدرت ایستادن‌برپاهای خود نداشت ، صنایع مونتاژ نه فقط بدلیل‌مونتاژبودن ، بلکه حتی‌ازنظرمواداولیه‌هم‌وابسته به کشور ـ های امپریالیستی‌بود ، زیراکشاورزی بی‌رمق ارثیه‌طاغوت ، توانائی تامین خوراک مردم‌راهم‌نداشت ، تاچه رسد به‌تهیه‌موادخام و اولیه صنایع کشور . نتیجه آن شد که باپیروزی انقلاب صنایع داخلی درچنبرمشکلات گوناگون وازجمله‌فقدان‌قطعات ویدکی‌ها ، کمبود مواداولیه ، کارشکنی‌مدیران وابستهٔ طاغوتی وغیره گرفتار آمدونتوانست‌در حجم‌لازم تولیدکند . چنین‌بودکه‌تقاضا برعرضه پیشی‌گرفت .

محاصرهٔ‌اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم‌آمریکا ومتحدانش ، طیف دشواریها را گسترش داد ، زیراسیاست خائنانه طاغوت در وابسته ساختن کشور به‌چندبازارامپریالیستی ، نظیر آمریکای‌جهانخوار ، اروپای‌غربی‌و ژاپن این‌نتیجه را به‌بارآوردکه‌وقتی‌امپریا‌لیسم تصمیم به ازپادرآوردن انقلاب ایران ، ازجمله‌بوسیله‌محاصره‌اقتصادی آن‌گرفت ، دستهای خائن‌سرمایه‌داران وابسته نیزبحرکت درآمدندوباتشبث به هزاران‌کید ومن ، کمبود را تشدید کردندوقیمتها را به عرش رساندند .

اگر لیبرال‌های سازشکار وارث پیروزی‌انقلاب نشده‌بودند ، تا روابط اقتصادی ومالی‌دوران طاغوت رادست نخورده باقی‌نگاهدارند ، انقلاب می‌توانست از آغاز ، باتوسل به‌اقدامات قاطع درزمینه‌شالوده‌ریزی‌صنایع ملی وتبدیل بازرگانی‌خارجی وابسته به بازرگانی دولتی ، محو فئودالیسم و زمینداری بزرگ گامهای‌اساسی برای جراحی اقتصاد بیمار بردارد ، که متاسفانه چنین نشد ونفوذ لیبرالهای مکلا ومعمم در دستگاه‌های دولتی و نهادهای‌انقلابی به‌آنجاکشیدکه‌امروز پس از سه سال‌ازپیروزی‌انقلاب ، هنوز مستضعفان‌درپنجهٔ بهره‌کشی سرمایه‌داران مستکبر بخود می‌پیچندوپیامد های ناگزیر وگریز پذیرانقلاب‌راآنان باید بر دوش کشند و فریاد بر درد **امام‌خمینی** که :

"شمابایدبرای‌این پا برهنه‌ها و مستضعفین کارکنید"

تا امروزبدون پژواک‌بماند .

بدیهی‌است‌که‌نخستین‌گام‌برای مبارزه با گرانی آنست که چندان‌کالا به بازار عرضه شود ، که‌سطح تقاضای منطقی‌شهروندان‌رابپوشاند . برای‌این کاردولت باید قبل ازهرچیز ، بابرنامه ـ ریزی‌های‌درازمدت و کوتاه مدت وهمچنین بابرنامه‌های ضربتی ، تولید صنعتی‌وکشاورزی‌را سروسامان‌بخشد . دربخش صنعتی باید به قطع ایادی سرمایه‌داران وابسته ، به تهیه مواد خام واولیه از کشورهائی که خواهان بازرگانی‌بی‌قیدوشرط سیاسی با ما هستند ، به‌تبدیل تدریجی صنایع مونتاژ به‌صنایع مستقل اقدام نمود و دربخش کشاورزی ، اجرای اصلاحات ارضی انقلابی بمعنای‌قطع سلطه فئودال‌ها وزمینداران‌بزرگ ، واگذاری زمین به دهقانان ، ایجادکشاورزی مدرن ، با استفاده از آخرین‌پیشرفت ـ های دانش وتکنیک ، بعنوان پیش شرط یک کشاورزی درحد معقول‌خودکفا ضروراست .

دولتی‌کردن بازرگانی خارجی نیازانقلاب است

اعتلاءٔ تولید داخلی به یک‌تولید خودکفا به زمان نیاز دارد . و کار یک روز و دو روز نیست تا آن زمان ما نیازمندآنیم که‌بخشی از بازار مصرف خود را ازمنابع خارجی‌تامین‌کنیم در سه‌ساله پس ازپیروزی‌انقلاب ، امپریا‌لیسم وکارگزاران‌آن ، دراین‌هردوعرصه به‌انواع‌کارشکنی‌هادست‌زده‌اند هم از حرکت چرخ تولیدبسوی تولید مستقل وملی جلوگیری کرده‌اند وهم با حفظ سمتگیری ناسالم در بازرگانی‌خارجی ایران‌وانواع سودجوئی‌ها وسوءاستفاده ـ ها در این‌عرصه ، عنصرگرانفروشی‌را برگرانی‌افزوده‌اند .

دراین سه‌سال که تولید داخلی به علل اجتناب‌ناپذیرو اجتناب‌پذیر دچار اختلال‌شده‌وعلاوه بر آنکه در ذات خود ، یعنی به علت وابسته بودن ، قدرت رویاروبی با بازار تقاضا رانداشته‌وبه‌دلیل‌عوارض‌متعددی‌که‌از سوی "**تروریستهای اقتصادی**" گریبانگیرش شده ، ازسطح تقاضای معقول‌جامعه بسی عقب مانده‌است ، سرمایه‌داری وابسته دربخش بازرگانی شرایط‌رامساعد یافته و با سوءاستفاده از اوضاع نابسامان ، بر نابسامانی‌ها دامن‌زده‌وبه‌بهای‌قراردادن مردم‌درزیر منگنه‌گرانی‌وکمبود ، سودهای کلان به جیب ریخته‌است . این‌سوءاستفاده هم درعرصه‌صادرات‌و واردات کالا وهم‌در شبکه‌توزیع بوده‌است .

درعرصهٔ‌صادرات‌برخی از تجار وابسته ، ازجمله‌بازیاده‌روی درصادرات فرش ، که‌همواره یکی‌ازاقلام عمده‌کالا ـ های صادراتی ایران بوده است ، توانستند مقادیرمهمی‌ارزدرحساب‌های بانکی‌خود درخارج ازکشور پس انداز کنندوبازارسیاه‌ارز را در داخل رونق بخشند ، نرخ دلارقاچاق را به ۳۰ تومان برسانند ، دلار را در ایران بفروشند ودرخارج ازحسابهای بانکی ـ شان حواله‌دهند .

درآستانه‌انقلاب صادرات‌غیر‌نفتی کشور ازحدود ۶۰۰ میلیون دلار درسال تجاوز نمی‌کرد . درسالهای‌پس ازانقلاب ، به‌علت‌صدور بی‌رویه فرش ازسوی بازرگانان‌بزرگ ، این رقم به دو تا سه برابررسیدواکنون فقط زمان کوتاهی‌است که دولت جلوی صدور بی‌رویه فرش راگرفته‌است .

برخی‌ازبازرگانان ضدانقلابی‌به بهانه‌صدورکالا به همه گونه‌تقلب‌دست زدندوبه‌خارج‌کردن انواع کالاهای قیمتی‌وتجملی‌وعتیقه مبادرت‌ورزیدند .

آن‌بخش ازسرمایه‌داران‌وابسته که در رشته واردات کالا شاغل‌اند توانستند باجعل‌ویاتقلب‌در فاکتور ، یعنی ازطریق‌زدوبندوپرداخت حق و حساب به طرف معامله‌خود در بازار خارجی بهای جنس وارداتی را چند برابربهای واقعی‌آن وانمودسازند و از این راه‌مبالغی ارز ، درحسابهای بانکی خود درخارج ذخیره نمایند .

شبکهٔ‌توزیع کالا ، که‌طی دوسال پس ازانقلاب کلا و دریکساله اخیر ، به جز چندقلم کالای‌سهمیه‌بندی‌شده ، دردست‌بازرگانان‌وابسته بوده ، به تمام معنا عرصه چپاول آنان‌بوده‌است .

به‌گفته مقامات رسمی ، در سال ۵۹ کل واردات کشور مبلغ ۱۵ میلیارد دلاربوده ، که‌۱۰/۵ میلیارددلار ، یعنی بیش از دوسوم آن ، سهم بخش‌خصوصی بوده‌است . باتوجه به نرخ‌های‌سرسام‌آور ، بخش‌خصوصی ، یعنی‌تجار عمده واردکننده ، چندبرابربهای‌کالاهایی که وارد بازار داخلی‌کرده‌اند ، سود برده‌اند . علاوه برآنکه برخی‌از آنان بی‌آنکه کالائی واردکنند و یا در ازاء واردات یک کالای بنجل از خارج ، که حتی ارزش ترخیص از گمرک را هم نداشته ، موفق شده‌اند اعتبارات ارزی هنگفتی دریافت دارندوبحساب خود در خارج واریز نمایند .

ایجاد "مراکز تهیه‌وتوزیع کالا" ، که بعنوان گامهای‌اولیه ، در راه دولتی کردن‌بازرگانی خارجی از طرف‌وزیر لیبرال وقت رضا صدر وانمودشد ، نتوانسته است مشکلات واردات‌وتوزیع کالاهایی‌را ، که‌ازطریق این‌مراکزبخارج سفارش داده‌می‌شود ، حل‌کند ، زیرا وجود بازرگانان بزرگ دراین‌مراکز هم مانع ازجریان‌سالم دولتی کردن بازرگانی خارجی شده و هم آنان توانسته‌اند درلوای این‌مراکز ، به‌زندگی انگل‌وار خود ادامه دهند .

بازرگانی‌سالم‌دولتی بدان معنا است که میان تولیدکننده ومصرف کننده ، میان واردات کالا ومصرف آن واسطه‌ای وجودنداشته‌باشد ، تابا سود ـ جوئی‌خود ، نرخ کالارا ، بچند برابر برساند . درحالیکه کالاهائی که از طریق "مراکزتهیه‌وتوزیع "به‌کشور وارد می‌شود ، هم‌بوسیله سفارش‌دهنده کالا یعنی‌بازرگانان بزرگ وهم درشبکه‌پیچ درپیچ توزیع ، بهای آن به چند برابر می‌رسد . نمونهٔ‌گویای‌آن‌آهن‌است که‌از جمله‌کالاهای وارداتی "مراکزتهیه و توزیع "است ، وتوزیع آن‌بدست دو تعاونی‌آهن‌فروشان است ، که به گفته حجت‌الاسلام عباسی ، سود بعضی از واردکنندگان‌وتوزیع کنندگان‌به‌تنهایی ۲۰۰ میلیون‌تومان بوده‌است‌وهم‌اکنون بهای یک کیلوآهن به‌۲۰ تومان‌رسیده‌و باهزاردشواری بدست‌مصرف کننده می‌رسد .

این مراکز درقالب‌کنونی‌شان ، که‌مرکزنفوذ سرمایه‌داران وابسته‌اند ، نه‌کاملا قادر به جلوگیری از تقلب سفارش دهندگان بزرگ‌کالا ، هستندونه قادر به اجبار آنان به فروش کالا ـ های وارداتی خود به نرخهای تعیین شده .

"سرپرست" سازمان حمایت از مصرف‌کننده "درتائید نابسامانی های توزیع کالاهای این‌مراکز می‌گوید :

"کانال‌های توزیع کالاهای وارداتی دقیقا مشخص نیست . حتی ۳۰ درصدی که دولت برای ورود کالا می‌گیرد ، به‌لحاظ محدودیت‌هائی که وجود دارد ، قابل جذب‌دربازارنیست و واردکننده برخلاف‌تعهداتی که‌دارد کالاراصددرصدبدلخواه‌خود واز طریق واسطه‌ها بدست مصرف‌کننده‌می‌رساند".

او‌می‌افزاید :

"بارهادیده‌شده که نرخ های تعیین‌شده در بازاراجرانمی‌شود" . (کیهان ـ ۴ مهر ۶۰)

بافعلیت یافتن‌لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی و قرارگرفتن‌آن در دستور کار مجلس ، امیدزحمتکشان آن‌است که سرانجام ، هم‌واردات کالاو هم شبکه توزیع ازقالب کنونی‌اش ، که دهها‌هزاردلال و واسطه وبنکدار را در هزارلای خود جا داده‌است ، از دست سرمایه‌داران‌بزرگ و واسطه‌ها خارج و دربخش توزیع دولتی ، تعاونی و خصوصی‌متمرکز گردد . متاسفانه وزیر بازرگانی در دفاع از لایحه‌مطروحه در مجلس شورای اسلامی ، درباره‌تعاونی‌هائی‌سخن‌گفت مرکب ازسرمایه‌داران ، که بایدتازمانی که دولت نمی‌تواند تمام واردات را برعهده‌بگیرد ، آنان عهده دار این وظیفه‌گردند .

این "**تعاونی‌های‌واردات**" درواقع نوعی‌ازهمان "مراکزتهیه‌وتوزیع " کالا‌است ، که‌بدست وزیر لیبرال رضاصدر بوجودآمد و عده‌ای ازبازرگانان‌بزرگ‌تا کنون‌گرداننده و اداره‌کننده‌آن‌بوده‌اند وبه‌همین‌جهت این‌مراکز نتوانسته‌اند منشاءاثربخشی درتقلیل قیمتها‌باشند . بازرگانان بزرگ باشرکت خود در این مراکز توانستندسلطهٔ خود رابر بازار واردات‌کالاحفظ کنندو درآینده نیز بخشی‌دیگرازآنان‌می‌خواهند زیر نام "تعاونی‌های واردات" به سیادت غارتگرانه خود ادامه دهند .

دراینجاتوجه به دونکته مهم ، ضرور است : نخست آنکه دولتی کردن بازرگانی خارجی‌اولا بدان معناست‌که دست‌بازرگانان بزرگ از مراکزتصمیم ـ گیری کوتاه شود ، زیرا وجود این‌قشر سودجو ، چنانکه تجربه دو سال اخیر نشان داده‌است ، مانع ازآنست‌که دولتی کردن‌بازرگانی خارجی بمعنای‌واقعی‌خود تحقق‌یابد . ثانیااگردولت‌نتواندکنترل جدی‌خودرابرتوزیع داخلی‌اعمال‌کند ، از دولتی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی‌سودی‌عاید مصرف‌کننده‌بویژه‌درزمینه‌قیمتهانخواهد شد ، زیرابازرگانان‌وابسته‌نشان داده‌اند که‌حاضربه‌تبعیت ازنرخهای دولتی‌و قناعت به‌سود معقول‌نیستند . بر این اساس هم واردات کالا وهم توزیع کالا بایدقطعاو حتما از دست سرمایه‌داران بزرگ خارج شود ، زیرا اینان پایگاه داخلی‌امپریالیسم وکارگزار آگاه آن در خرابکاری و کارشکنی هستند . اینان هدفی‌جزغارت‌مردم وتکمیل‌محاصره اقتصادی‌امپریالیسم ندارند و در کار از پا در آوردن اقتصادکشورهستند .

ضرورت ایجاد بخشهای دولتی وتعاونی توزیع

قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی‌و تعاونی‌و خصوصی اقتصادصراحت دارد . این سه بخش را بایددر شبکه‌توزیع نیز پیاده کرد . بخش‌دولتی توزیع میتواند از طریق ایجاد فروشگاه‌های دولتی زنجیره‌ای ، که عرضه‌کنندهٔ کالا به بهای عادلانه باشند ، به‌وجود آید .

بخش تعاونی‌با تشکیل‌تعاونیهای‌مصرف درهرکارخانه ، هرکارگاه ، هرموسسه ، هر نهادانقلابی و درهرمحل با مشارکت مردم بوجودمی‌آید . تشکیل تعاونی‌های کارگری وکارمندی ، تعاونی‌های تهیه و توزیع کالا از سوی اصناف ، تعاونیهای مصرف درسطح‌روستاها میتوانند مصرف‌کنندگان رامستقیما به‌مراکز تولیدوتهیه کالاپیوند دهندوواسطه‌هاراحذف‌کنند .

متاسفانه در دوران‌پس‌ازانقلاب ازنام "تعاونی "سوءاستفاده بسیار شده است . شهید دکتر بهشتی در تعریف تعاونی‌های مصرف میگوید :"**آزادکردن مصرف‌کننده از واسطه‌های غیرضروری**" بنابراین تعریف ، تعاونی‌هابایدبدست خود مصرف‌کنندگان تشکیل شوند ، نه چنانکه در دوران اخیر شاهد بوده‌ایم بدست‌سرمایه‌دارانی که‌تعاونی‌ها را پوشش‌غارت خویش قرار داده‌اند .

یکی ازمسئولان مرکز تهیه‌وتوزیع مواد غذائی درمصاحبه با روزنامهٔ اطلاعات میگوید :

" . . . حالاعده‌ای فکرمی‌کنند که دولت نظراتش‌راجع به‌شرکتهای‌تعاونی مساعد است وچند نفر تاجر رفته‌اند شرکت‌های تعاونی تشکیل داده‌اند و می‌آیند اینجا جنس میگیرند که به‌این صورت نمیشود . شرکت‌های‌تعاونی باید اکثریت‌آن‌صنف راپوشانده‌باشد ، عمل‌کرد گذشته‌اش خوب‌باشد ، آئین‌نامه توزیع داشته‌باشد . " (اطلاعات ـ یکم آذر ۶۰)

نخستین ومهمترین هدف تشکیل تعاونی‌های مصرف ، حذف واسطه‌ها و مشارکت هرچه‌فعال‌تر مردم‌است . اگر سرمایه‌داران و واسطه‌ها خود هیئت مؤسس‌تعاونی‌ها شوند ، تعاونی‌ها را از اهداف خود دورکرده‌ایم ، زیرا این سرمایه‌داران واین واسطه‌ها همان دست‌هائی هستند که حتی کالاهای سهمیه‌بندی شده را بطور قاچاق به بهای چندبرابر ، در بازار مصرف به فروش میرسانند ، به‌همین جهت است‌که وزارت‌بازرگانی اخیرا به‌کسانی که‌بدون احرازصلاحیت‌ودرجهت تامین منافع فردی ویاگروهی خود "تعاونی" تشکیل میدهند ، اخطارکرده‌است .

بدیهی است‌که‌حضوربخش‌دولتی وتعاونی‌درشبکه توزیع به‌هیچ‌روبه‌معنای حذف واحدهای خرده‌فروشی نیست ـ آنگونه که ضدانقلاب تبلیغ میکند ـ بلکه درنتیجه‌حضورشرکت‌های دولتی توزیع کالا وتعاونی‌های مردمی ، رابطه نوینی میان این‌واحدها ومراکز توزیع و تهیه کالا ، میان این واحدهاومصرف‌کنندگان برقرارخواهد شد .

واحدهای خرده‌فروشی با تشکیل تعاونی‌های تهیه وتوزیع کالا ، به‌بهای عادلانه کالا تهیه‌می‌کنند وبه بهای عادلانه کالا می‌فروشند . درنتیجه‌هم آنهاسودمعقول ومتعادل‌خواهندداشت وهم مردم از گزند گرانی‌وحشتناک و تعدی‌فروشندگان درامان‌خواهندبود .

شالوده‌ریزی بازرگانی خارجی سالم جز باحذف بازرگانان وابسته و محتکران و واسطه‌ها ممکن نیست . زیر هرنام‌وتحت هر پوششی که این قشر طفیلی‌وحریص‌خودراپنهان‌کند ، باهداف دولتی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی آسیب خواهدرساندوآنرامسخ‌خواهدکرد .

ده سال از پایه‌گذاری
امارات متحدهٔ عربی
می‌گذرد
(۱۱ آذر ۱۳۵۰/۲ دسامبر ۱۹۷۱)

نام‌رسمی: "امارات‌متحده‌عربی / دولت الامارات‌العربیه‌المتحده."

سرزمین وسکنه: این کشور، که در شبه‌جزیره‌عرب در خلیج فارس‌قرار دارد، از هفت شیخ‌نشین ابوظبی (با جمعیت ۸۵۰۰۰نفر)، دوبی (۷۵۰۰۰ هزارنفر)، الشارجه (۵۵۰۰۰ نفر)، عجمان، ام‌القوین، الفجیره، وراس‌الخیمه تشکیل میشود.

وسعت: ۸۳۶۰۰ کیلومترمربع (از جمله‌ابوظبی ۸۰۰۰۰کیلومترمربع).

جمعیت: ۲۳۶۰۰۰نفر

تراکم‌جمعیت: ۲/۸ نفر در کیلومتر مربع (۱۳۵۵)

پایتخت: ابوظبی.

زبان‌رسمی: عربی.

پول: درهم (امارات متحده عربی)/ UD ، UAE ، DH /یک درهم = ۱۰۰ فلس.

اکثریت مردم "امارات متحدهٔ عربی" عرب هستند، اما در سه شیخ نشین نخست عده زیادی خارجی (پاکستانی، هندی، ایرانی، بریتانیایی‌وآمریکایی) هم زندگی میکنند.

مذهب: اسلام (تسنن)

اقتصاد: گرچه "امارات متحده عربی" هنوز، از نظر اقتصادی، یکی‌از واپس‌مانده‌ترین‌کشورهای جهان‌به‌شمار می‌رود، استخراج‌فزاینده نفت و در آمد بدست‌آمده از آن‌هرچه‌بیشترتحول اقتصادی آنرا تعیین میکند. ذخیره‌های نفتی "امارات‌متحده‌عرب" در حدود ۳/۶میلیاردتن (۱۳۵۶) تخمین زده‌می‌شود. صادرات نفت "امارات متحده‌عربی" از ۲/۶میلیارد دینار‌در سال ۱۹۷۰ به‌۳۶/۹ میلیارد دینار در سال ۱۹۷۷ رسید.

کشاورزی، ماهیگیری وصیدصدف مهم‌ترین رشته‌های‌اقتصادی سه شیخ‌نشین آخر به‌شمارمی‌رود. مهم‌ترین‌فرآورده‌های‌کشاورزی این شیخ‌نشین ها عبارتست از: خرما، خربزه، گندم، ارزن، سبزیجات و تنباکو.

ابوظبی بزرگترین ونفت‌خیزترین شیخ‌نشین "امارات‌متحده‌عربی" است. ذخیره‌های نفت‌ابوظبی درحدود ۳/۳ میلیاردتن تخمین زده‌میشود (۱۳۵۵) بیش از ۹۰ درصد درآمد این شیخ نشین از بخش نفت می‌آید. دولت ابوظبی هفت‌سال پیش (۱۹۷۴) باشرکت‌های "ابوظبی‌مرین‌اریاز" (ABU DHABI MARINE AREAS – ADMA) و "اوبوظبی‌پترولیوم کامپانی" (ABU DHABI PETROLEUM COMPANY– ADPC) قراردادهای جدیدی‌بست و سهم خود رااز ۲۵به ۶۰ درصد افزایش داد. در هردوشرکت بریتانیایی‌ها، آمریکائی‌ها، فرانسویها وژاپنی‌ها سهام‌دارند

مهم‌ترین‌شریکان‌بازرگانی‌خارجی ابوظبی عبارتند از بریتانیا، ایالات متحدهٔ آمریکا، شیخ‌نشین‌دوبی، فرانسه‌و جمهوری فدرال آلمان.

دوبی مرکز بازرگانی این منطقه است وعلاوه بر نفت، ماهی‌خشک، خرما محصولات‌کشاورزی، فرآورده های نساجی ولوازم خانگی صادر می‌کند.

مهم‌ترین‌شریکان بازرگانی خارجی دوبی ژاپن، ایالات‌متحدهٔ آمریکا، بریتانیا، سوئیس، هنگ‌کنگ، جمهوری فدرال آلمان، هند وایران هستند.

تولید نفت در دوبی درسال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای کسب کرده‌است ذخیره‌های‌نفتی دوبی درحدود ۲۲۹ میلیون‌تن تخمین زده‌می‌شود (۱۹۷۷). درشرکت‌های "دوبی‌مرین‌اریاز" (DUBAI MARINE AREAS) و"دوبی پترولیوم کامپانی" (DUBAI PETROLEUM COMPANY) بریتانیا، آمریکا، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان و ژاپن‌سهم‌دارند. علاوه برنفت، دوسال پیش (۱۹۷۹) یک‌کارخانهٔ آلومینیوم باظرفیت سالیانه ۱۳۵۰۰۰ تن در دوبی شروع به‌کارکرد.

درشیخ نشین الشارحه نه سال پیش (۱۹۷۲) نفت کشف شد. دیگر شیخ‌نشین‌های "امارات‌متحده عربی"، بعلت کمی جمعیت و نداشت نفت، از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.

جدول زیر تولید نفت‌را درسال‌های گذشته درسه شیخ‌نشین عمدهٔ "امارات‌متحده عربی" نشان‌می‌دهد:

تولیدنفت (به‌میلیون‌تن)

سال	ابوظبی	دوبی	الشارحه
۱۹۶۸	۲۴/۰	–	–
۱۹۷۰	۳۷/۷	۴/۳	–
۱۹۷۳	۶۲/۵	۱۱/۰	–
۱۹۷۵	۶۷/۵	۱۲/۷	۱/۸
۱۹۷۶	۷۷/۷	۱۵/۷	۱/۸
۱۹۷۷	۷۹/۳	۱۶/۰	۱/۴

نه سال است (ازسال ۱۹۷۲)که آموزش همگانی در "امارات متحدهٔ عربی" اجباری‌است. دراین کشور ۱۱۵ مدرسه، ۷۵۹۷۰ دانش‌آموز و ۵۴۵۵ معلم وجود دارد (۱۹۷۶). شمارهٔ پزشکان "امارات‌متحدهٔ عربی" برابر با ۱۰۳۷ است.

حاکمیت: سرزمین‌کنونی "امارات متحده‌عربی" تادهسال پیش تحت‌الحمایه بریتانیا بود. در روز ۱۱ آذر ۱۳۵۰ (۲ دسامبر ۱۹۷۱) شیخ‌نشین‌های‌ابوظبی، دوبی، الشرجه، عجمان، القوین و الفجیره "امارات‌متحده‌عربی" را تشکیل دادند و در همانروز هم به استقلال سیاسی دست یافتند. شیخ‌نشین راس‌الخیمه در روز ۲۰ دی ۱۳۵۰ (۲۳ دسامبر ۱۹۷۱) به شش شیخ‌نشین دیگر پیوست. شیخ‌نشین‌های هفت‌گانه در چارچوب "امارات" ازاستقلال داخلی برخوردارند.

در "امارات‌متحده‌عربی" حزب سیاسی یا سازمان اجتماعی وجود ندارد.

"امارات‌متحدهٔ عربی" در "سازمان ملل‌متحد" و "جامعه عرب" عضویت دارد، ولی علیرغم اعلام پشتیبانی ازحقوق حقه خلق‌فلسطین‌و محکوم‌کردن "کمپ‌دیوید"، چه‌در این زمینه و چه در زمینه‌های دیگر سیاست خارجی، بطورعمده دارای مشی‌وابسته به‌امپریالیسم وارتجاع منطقه است.

برخی رویدادهای تاریخی

سده‌های ۱۸–۱۷: تلاش بریتانیا برای رخنه‌گری در سرزمین کنونی "امارات‌متحده‌عربی" ومقاومت سرسختانه‌شیخ‌نشین ها. ناوگان بریتانیا‌متحمل‌تلفات‌زیادی‌میشود. (وجه‌تسمیه "کرانه‌دزدان‌دریایی").

۱۸۰۶ – ۱۹۰۹: ماموریت‌های تنبیهی مکرر بریتانیا

۱۸۲۰ و ۱۸۳۴: بریتانیا باتحمیل قراردادهایی شیخ‌نشین‌ها را به‌حیطهٔ وابستگی خود می‌کشاند.

۱۹۵۲: تشکیل "شورای حکمرانان" به‌ریاست بریتانیا.

۱۹۶۵: گسترش جنبش ضد بریتانیایی.

۲ دسامبر ۱۹۷۱: پایه‌گذاری "امارات‌متحده‌عربی".

چرا مناسبات...

بقیه‌ازصفحه۳

جداگانه، و در راستای گسترش سرمایه‌داری در پهنا، بطور عمده از راه توسعهٔ بیش ازپیش سلطه استعماری ونیمه‌استعماری مشتی‌قدرتهای سرمایه‌داری‌برکشورها و اراضی‌تازه دیگر. بدین ترتیب، بازار جهانی سرمایه‌داری، درجریان گسترش‌طولانی‌خود مراحل‌چندی را می‌پیماید که، هریک‌ازآنها، با میزان‌بالاتری‌از بین‌المللی‌شدن تولید اجتماعی و تشدید وابستگی ها مشخص می‌شود.

مرحله‌نهائی تشکل‌فراگیراین‌بازارمستقیما با دورهٔ‌گذارسرمایه‌داری به آخرین‌مرحله‌خود امپریالیسم ارتباط دارد. لنین، که‌دقیق‌ترین تحلیل‌علمی امپریالیسم را داده‌است، می‌نویسد:

"درمرحله معینی از گسترش مبادله، در مرحلهٔ‌معینی‌از رشدتولیدبزرگ، بویژه درآن مرحله‌که‌تقریبا درسرحدسده‌های۱۹ و۲۰به‌آن رسیدیم، مبادله‌چنان بین‌المللی‌شدن مناسبات‌اقتصادی‌رابوجودآوردوتولیدبزرگ‌به قدری بزرگ شد، که‌انحصارشروع به تعویض رقابت‌آزادنمود".

روندطولانی تشکل‌سیستم سرمایه داری اقتصادجهانی، که در قرن۱۶ آغازشد، اوایل قرن ۲۰ سرانجام‌یافت. پیوند سرمایه صنعتی باسرمایه بانکی‌و برقراری سلطه‌انحصاری سرمایه‌مالی در اقتصادیات وسیاست‌جهانی به آنجاکشیدکه، در دوران‌امپریالیسم، سیستم سرمایه‌داری اقتصادجهانی‌کاملا به دومجموعه متخاصم، دوگروه‌عمده‌کشورها مبدل شد: کشورهای‌صنعتی رشدیافته‌سرمایه‌داری وعدهٔ بسیاری‌کشورهای‌مستعمره و وابسته‌کشاورزی و مولد مواد خام. درعین‌حال‌تضادهای درونی گروه رشدیافته‌صنعتی‌سخت‌شدت‌یافت و در مبارزه بخاطر بازار فروش محصولات‌و کاربرد سرمایه بروز کرد. صدورسرمایه‌یکی‌از مهمترین جنبه‌های سیستم سرمایه‌داری‌اقتصادجهانی شد وزنجیر وابستگی‌اقتصادی رامحکم‌تر کرد. دونوع‌انحصارباکمال‌وضوح‌پدیدآمد: انحصار سرمایه‌مالی‌درکشورهای‌رشدیافته سرمایه‌داری وانحصارسلطهٔ‌این‌چندکشوربرهمه‌بقیهٔ جهان. درعین‌حال تلفیق شکل‌های‌تولید پیش از سرمایه‌داری باشکل‌هاوشیوه‌های امپریالیستی استثمار، تضادهای سیستم سرمایه‌داری اقتصاد جهانی راعمیق‌ترکردوبه‌تشدید بیشترناموزونی گسترش بخش‌های مختلف این سیستم، یعنی کشورها و نواحی مختلف منجرشد. همهٔ این عوامل‌ناگزیر بحران‌عمومی سرمایه‌داری را در پی‌داشت.

تفسیر وقایع...

بقیه‌ازصفحه۵

پذیراست. به همین دلیل نیز کشورهای امپریالیستی، در عین حال که‌اتحاد خود را مستحکم میکنند، برای تفرقه‌افکنی در صفوف ملت‌ها، جداکردن‌آنهاازیکدیگروایجاد شکاف ونفاق بین آنان ودنیای سوسیالیسم تمام نیروی خودرا بکار میبرند.

بهترین‌نمونه این سیاست امپریالیستی رامیتوان درمنطقهٔ‌خاورمیانه ونزدیک مشاهده کرد. درحالیکه امپریالیست‌های‌امریکائی و صهیونیست‌های اسرائیلی هر روز به یکدیگر نزدیک‌ترمیشوند، در میان‌کشورهای‌عرب‌منطقه چنان‌تفرقه‌افکنده‌اندکه نمی‌توانند برسر هیچ مسئله‌ای دربرابر دشمن مشترکشان به توافق برسند.

پیمان استراتژیك آمریکای و اسرائیل

خبرگزاری‌هااطلاع دادند که در روزدهم آذره۶یک پیمان نظامی بین امریکا واسرائیل به‌امضارسیده‌است. این‌پیمان نظامی، به زعم طرفین امضاءکننده‌قرارداد، برای‌مقابله‌با "خطر شوروی" بسته‌شده‌است.

امپریالیست‌های امریکائی‌وصهیونیست‌های اسرائیلی عقیده‌دارندکه‌میتوانند باپیش کشیدن "خطرشوروی" حکومت‌های مرتجع منطقه رابه‌شرکت در یک اقدام جمعی برای رویاروئی با موج انقلابی، که در منطقه برخاسته‌است، وادار سازند. امید آنان قبل از همه به مصرو عربستان‌سعودی است. مصر وعربستان‌سعودی میتوانند درچارچوب کلی سیاست امپریالیسم امریکا، که هسته نظامی آنرا پیمان استراتژیک امریکاواسرائیل تشکیل‌میدهد، هریک برحسب مورد واقتضا نقش متفاوتی بعهده بگیرند ودر عین‌حال قیافه عربی واسلامی وحتی ضد – اسرائیلی خودرا حفظ کنند. پیمان‌استراتژیک امریکاواسرائیل شمشیری است دربالای سر فرمانروایان‌مرتجع عرب، که اگر بخواهند احیانا نافرمانی کنند، بیرحمانه بر پیکر شان فرود خواهد آمد. در برابر آنان یک‌راه باز گذارده میشودو آن فعالیت درزمینه رویاروئی با "خطر شوروی"، یابعبارت دیگر، جنبش‌های انقلابی است، که‌امپریالیست‌های امریکائی تمام آنها رادراصطلاح "خطرشوروی" خلاصه میکنند.

بایدگفت که سران مرتجع عرب، بویژه ملوک سعودی، درانجام وظیفه خودشان در دفع این "خطر" کمترین قصوری نمیکنند. عربستان‌سعودی، درعین حال‌که چشم دیدن "برادران" عرب‌لیبائی و سوری‌خودرابدلیل موضع‌گیری ضدامپریالیستی آنان ندارد، بهترین روابط‌را با رژیم امریکائی ضیاءالحق برقرارکرده‌است. یک هیئت بلندپایه‌عربستان سعودی‌به‌پاکستان‌رفته‌است. ریاست‌این‌هیئت راسلطان‌بن‌عبدالعزیز، وزیردفاع آن کشوربه عهده‌دارد. هیئت عربستان‌سعودی نیز در پاکستان راجع به "خطر شوروی" مذاکره‌میکند رئیس جمهور ترکیه نیز به‌این منظور به‌اسلام آباد رفته‌بود وبه‌نوشته روزنامه‌ها در پی مذاکرات دودیکتاتور، "توافقهای‌نظامی مهمی نیز صورت‌گرفت.

شارون باهیگ، هیگ بافهد، کنعان‌اورن باضیاءالحق، ضیاءالحق باسلطان بن‌عبدالعزیز... همه وهمه‌با هم از "خطر شوروی" صحبت‌میکنند.

اگر "خطرشوروی" خطر موهومی است‌که امپریالیسم وصهیونیسم وارتجاع در سراسر جهان مقاصد غارتگرانه خودرا در پشت آن می‌پوشانند، خطر انقلاب در منطقه یک خطر واقعی برای دنیای سرمایه‌داری‌است.

خلق مبارز ماسرفراز است که اکنون‌در کانون جنبش انقلابی منطقه قرار گرفته‌است‌و باخون فرزندانش آینده خود را میسازد وبه آزادی تمام خلق‌های‌برادر منطقه‌کمک میکند. به‌همین دلیل نیز ایران‌انقلابی، مانند کوبا ولیبی، ازهرسو در معرض توطئه، تهمت، دسیسه و تجاوز قرار دارد.

نامهٔ سرگشاده...

بقیه‌ازصفحه۸

رابرای احراز مشاغل ایجادنماید. "چه‌اقدام موثر وعملی رواداشته‌است و میدارد؟

چه‌دست‌هائی درکاراست که با وجود آنکه‌امام‌امسال را سال حاکمیت قانون‌نامیده‌اند، درصددند که قانون‌اساسی‌جمهوری‌اسلامی ایران‌را، که‌یکی ازدستاوردهای‌پرارزش‌انقلاب اسلامی ایران‌است، ازاعتبار بیندازند؟

اخراج‌فرهنگیان‌متعهدو مدافع جمهوری اسلامی ایران ودیگر اقدامات دشمن شاد کن عوارض نابهنجاری در بردارد، ازآن جمله:

– به‌بیکاری وبی‌خانمانی خانواده ها دامن‌میزند ونگرانی نسبت‌به آینده وتامین زندگی را افزایش‌میدهد.

– افراد رابخاطر حفظ شغل وبیم‌اخراج بااخلاق ناسالم دوروئی وریاکاری وظاهرسازی پرورش میدهد.

– خوراک تبلیغاتی دشمنان، علیه‌انقلاب اسلامی ایران‌میگردد.

– قانون‌اساسی‌جمهوری اسلامی‌ایران را بی‌محتوا وبی‌اعتبار می‌سازد.

– معلمین و دانش‌آموزان رابه‌بی‌تفاوتی می‌کشاند، عاشقان انقلاب را غیرفعال وضد – انقلاب رافعال میکند.

– آموزش وپرورش را به‌ابتذال میکشاند.

– جو تفرقه ودشمنی را افزایش‌میدهد.

– صف ضدانقلاب‌و هواداران‌انقلاب را مخدوش مینماید.

ودرنهایت موجب گسترش نارضایتی و فرسایش انقلاب میگردد.

بجاست یکبار دیگر این‌سخنان‌هشدار‌دهنده‌امام‌خمینی را در شرایطحساس کنونی یادآور شویم که:

"...قشرهای ملت باهر مسلکی که دارند وباهر فکر سیاسی یامذهبی که‌دارند، لازم‌است‌وحدت‌خود راحفظ نموده و علیه جنایات بیشماردولت امریکا، موضعی خصمانه گرفته وبه‌فکر اشکال‌تراشی وتفرقه‌اندازی که به سود دشمنان کشور ماست‌نباشند..."

"کانون صنفی فرهنگیان" از مسئولین جمهوری‌اسلامی ایران، بویژه مسئولین‌آموزش وپرورش، میخواهدکه بخاطر پیروزی نهائی این‌انقلاب، که‌خون‌بهای دهها‌هزارشهیداست وبرای تعمیق وگسترش آن، در زمینهٔ آموزش و پرورش اقدامات‌عاجل زیر را معمول‌دارند:

۱– کلیه وابستگان‌به‌رژیم‌طاغوت، ساواکی وضدانقلاب هرچه‌سریعتر ازمحیط آموزش‌و پرورش برکنارشوند.

۲– ملاک پاکسازی وبازسازی، تنهاوتنها برپایه‌تعهدنسبت‌به‌سرنوشت‌انقلاب‌و جمهوری اسلامی‌ایران، قرارگیرد.

۳– دست افراد ناباب، ناآگاه و مغرض وتنگ‌نظر ازامر بسیار حیاتی پاکسازی وبازسازی کوتاه‌شود واین‌امردرسراسرکشوربه‌صورت یکنواخت‌وباملاک‌ها ومعیارهای‌قانونی‌وانقلابی انجام‌گیرد.

۴– سازمان یامرکزی برای رسیدگی به شکایات فرهنگیان به‌ناحق برکنارشده‌بوجود آید وازآنها اعاده حق وحیثیت به‌عمل‌آید.

۵– دلیل وعلت‌دقیق ومشخص برکناری را به‌هنگام‌برکناری به فردابلاغ نمایند.

وبه‌رهنمودهای مسئولین متعهدجمهوری اسلامی‌ایران، ازجمله رئیس‌جمهور حجت – الاسلام‌خامنه‌ای، توجه‌نمایندکه:

"برکشف‌و بکارگیری تمام استعدادهای انسانی درهمه میدان‌ها، ازتکنیک‌تاهنر" تاکید میورزند و میگویند:

"بایستی امنیت اجتماعی، قضایی و امنیت کامل محیط‌زندگی و محیط‌کار را برای همه‌فراهم‌کنیم. همه‌کسانی‌که‌وفاداربه‌جمهوری اسلامی‌هستند ونظام جمهوری اسلامی راقبول دارند، باهر اندیشه و تفکر بتوانندآزادانه زندگی کنند و کسی به آنهاتعرض نکند..."

"کانون صنفی فرهنگیان" باردیگر تاکید میکندکه، سخن‌بر سرحفظ وگسترش‌انقلاب‌است انقلاب را دریابید.

مرگ بردشمنان انقلاب اسلامی ایران

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری سازش‌ناپذیر امام‌خمینی

کانون صنفی فرهنگیان

۶۰/۸/۲۰

بمناسبت تأسیس جمهوری خلق بنین (۹ آذر ـ ۲۰ نوامبر)

بنین

در راه سازندگی اجتماعی و تعمیق حاکمیت مردمی پیش می‌رود

نام‌رسمی: "رپوبلیک پوپولر دوبنین" (جمهوری‌خلق‌بنین)

وسعت: ۱۱۲۶۲۲کیلومترمربع

سکنه: ۳۴۷۰۰۰۰نفر (۱۳۵۸) رشد سالیانه

جمعیت: ۲/۸٪. مهمترین **گروه‌های قومی** بنین عبارتند از قبیله‌های: "فون" (۲۸درصد) "یوروبا" (۹)، "آدجاس" (۹)، "باری‌باس" (۷). بیش از ۴۵٪ سکنه را خلق‌های "پول"، "آئی‌زو" و "سومبا" تشکیل می‌دهند. در این منطقه، رویهمرفته، ۶۰قبیله گروه "سودان" زندگی می‌کنند. درحدود ۱/۵٪ سکنهٔ بنین اروپائی هستند.

مذهب: ۶۸٪ مردم بنین به مذاهب طبیعی اعتقاد دارند، ۱۷٪ مسیحی و ۱۵٪ مسلمان هستند.

پایتخت: "پورتونووو" (۱۰۴۰۰۰ نفر ۱۳۵۴)، مرکزاداری و مقردولت: "کوتونو" (۲۰۰۰۰۰نفر، ۱۳۵۸)، دیگرشهرهای مهم بنین عبارتست از "آبومه" (۴۰۰۰۰ نفر)، "پاراکو" (۳۵۰۰۰ نفر) و "کیداه" (۲۵۰۰۰ نفر).

زبان‌رسمی: فرانسه. فزون بر این در محاورات به زبانهای گروه‌های "سودان" و "گینه" و "فولبه" نیز سخن گفته‌می‌شود.

پول: ۱ فرانک "ث.اف.آ." = ۱۰۰ سانتیم، ۱دلار ایالات متحده= ۲۷۷/۳۸ فرانک "ث.اف.آ."

حاکمیت: نه سال است که‌دولتی‌مترقی به رهبری پرزیدنت **ماتیوکرکو**، بربنین‌حکومت می‌کند. بنین، ازنظر اداری به ۶ استان ("آتاکورا"، "آتلانتیک"، "بورگو"، "مونو"، "کمه" و "زو") و ۸۴ شهرستان تقسیم می‌شود.

حزب: تنهاحزب بنین "حزب انقلاب خلقی‌بنین" (پارتی‌دولارولوسیون پوپولردو بنین) است، که شش سال پیش تاسیس‌یافت. سمت‌گیری این حزب سوسیالیسم مبتنی بر مارکسیسم ـ لنینیسم است.

تاریخ: کاوش های باستان شناسی نشان می‌دهد، که‌درخاک بنین از دیرزمان‌انسان ها ساکن بوده‌اند. نخستین حکومت در این سرزمین در سده‌های چهاردهم/پانزدهم میلادی استقراریافت. درسال ۸۵۰ (۱۴۷۱)، برای اولین بار، دریانوردان پرتغالی بساحل بنین پای گذاشتندو به تجارت گستردهٔ برده پرداختند، که در سده‌های هفده وهیجده به اوج خود رسید.

درسال ۱۲۸۵ (۱۹۰۴)، فرانسه‌سراسر سرزمین موسوم به "داهومه" راضمیمه‌مستعمرات "آفریقای باختری فرانسه" (آفریک‌اوکسیدانتال فرانسز) کرد. پیش ازاین، باید ازدو جنگ خونین‌خلقهای‌پادشاهی "دان‌هومه" به رهبری گِلِله (۶۸-۱۸۵۸-۸۹/۱۲۳۷) و فرزندش، به‌آنزین (۷۲-۱۸۸۹-۹۴/۱۲۶۸) علیه استعمارگران نام‌برد. استعمارگران‌بعدها نیز چندین شورش "باری‌با" و "سومبا" را در هم شکستند.

اشکال جدیدمقاومت ملی، که پس از جنگ اول‌جهانی پدیدآمد، بعدازجنگ دوم جهانی به‌اوج خودرسید. اماتضادهای‌قبیله ـ ای درآن دوران سدی درراه‌این‌جنبش مقاومت بود. نخستین سازمان ملی بنین "اتحادیه مترقی داهومه" بود، که سی‌وپنج سال‌پیش تشکیل شدو چندی بعدبه "حزب جمهوریخواه بنین" (پارتی‌رپوبلیکن‌دوداهومه) تغییر نام یافت. داهومه در دهم مرداد ۱۳۳۹ (۱ اوت ۱۹۶۰) به‌استقلال نایل‌شد. درسالهای ۵۱ ـ ۱۳۳۹ (۷۲-۱۹۶۰) رقابت برسرقدرت میان گروه‌های‌گوناگون‌به‌سیزده‌کودتای موفق و نافرجام انجامید. در۴آبان ۱۳۵۱ (۲۶اکتبر ۱۹۷۲) نظامیان چپ، به رهبری ماتیوکرکو زمام‌امور را بدست گرفتند و "داهومه" را در جادهٔ ترقی راهبر شدند. اوایل آذر ۱۳۵۱، داهومه به "جمهوری خلق بنین" تغییر نام یافت. بدین ترتیب، نخستین گام در راه پیدایش ملتی‌واحد برداشته شد: سرزمین پیشین "دانهومه"، که وجه تسمیه "داهومه" بود، تنها $\frac{1}{5}$ مساحت بنین راتشکیل‌میدهد

دربهار ۱۳۵۵، نخستین‌کنگره‌فوق‌العاده "حزب‌انقلاب خلقی‌بنین" تصمیم‌گرفت، که این‌کشور را بر پایهٔ مارکسیسم ـ لنینیسم، به سوی‌جامعه‌ای سوسیالیستی رهبری‌کند.

اقتصاد: بیست ویکسال پیش حکومت‌نوپای "داهومه" میراث‌شومی‌راازدوران استعمار بعهده‌گرفت. اقتصاد این کشورتنهاازکشاورزی عقب افتاده تشکیل می‌شد. اکنون نیز ۹۰ درصد شاغلان در روستاهازندگی‌وکارمی‌کنند درجنوب بنین نخل‌های‌روغنی و در شمال بادام‌زمینی‌کاشته‌میشوددیگرمحصولات‌کشاورزی بنین‌عبارتست‌ازپنبه، قهوه‌ونیشکر. ۱۲۰سال‌پس از دستیابی به‌استقلال سیاسی ودر دوران حکومت رژیم وابسته به‌امپریالیسم، سرمایهٔ خارجی همچنان دربنین سیادت می‌کرد. در این‌سالها، بنین‌کماکان، از نظر اقتصادی وابسته به امپریالیسم بود. بازتاب این وابستگی دربیکاری گسترده، تورم بیدادگری وفقر فزاینده مردم، بویژه روستائیان، دیده می‌شد.

ازسال ۱۳۵۱ تاکنون، دولت مترقی بنین به رهبری ماتیوکرکو می‌کوشدتااستقلال بنین را درگستره‌اقتصادی‌نیز تحکیم بخشد. بدین‌منظور، برنامه‌های گوناگونی به‌مرحلهٔ اجراگذاشته شد مانندبرنامه‌های ۹آذر ۱۳۵۱ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۲) و ۹آذر ۱۳۵۱ (۳۰نوامبر ۱۹۷۴)، برنامه‌نخستین کنگره فوق‌العادهٔ "حزب انقلاب خلقی‌بنین" دربهار ۱۳۵۵. درهمه این برنامه‌ها بازسازی کشاورزی از اولویتی خاص برخوردار وهدف آن بود که بنین از نظر مهمترین‌اقلام خواربار خود کفا شود. تاکنون‌کشت‌ذرت، سیب‌زمینی، چغندرقند و نیشکر ۶۰۰هزارهکتار گسترش یافته‌است. از سوی دیگر، دولت به اجرای اصلاحات ارضی وتشکیل تعاونی‌های کشاورزی‌دست زد.

سرمایهٔ خارجی‌همواره می‌کوشدتابیاری ارتجاع داخلی‌ازتوسعهٔ‌اقتصادی بنین‌جلو ـ گیری کندو دراین راه از سابوتاژ اقتصادی، احتکار مواد غذائی و فرارسرمایه بهره می‌ـ جوید. امادولت توانسته است، علیرغم همهٔ این خرابکاری‌ها، به پیروزی‌های چشمگیری دست یابد.

برای‌نمونه، دربرنامه ۶۰-۱۳۵۷ (۸۱ ـ ۱۹۷۸) ۲۴۳/۹۰میلیارد "ث.اف.آ" سرمایه‌ـ گذاری‌شد. مهمترین‌پروژه‌های‌این‌برنامه عبارت بودندازکارخانهٔ‌سیمان "اونیگ‌بولو" (درنزدیکی "ساوه" باظرفیت‌سالیانه ۵۰۰هزارتن)، کارخانهٔ قندسازی "ساوه" وگسترش راه‌آهن از "پاراکو" (بنین) تا "نیامه" (نیژر). "جمهوری خلق بنین"، در پنجمین سالگرد خودتوانست به پیروزیهای قابل‌ملاحظه‌ای ببالد: مساحت زمین زیرکشت ۱۰٪ افزایش یافت، بنین از نظر تولید مهم‌ترین اقلام خواربار خودکفا شد، بطوریکه اکنون حتی اینگونه کالاها رابه دیگر کشورها، ازجمله نیجریه، صادرمی‌کندو برنامه‌های اقتصادی‌باموفقیت صددرصدایفا گردید. بنین درسالهای گذشته مبالغ هنگفتی نیزدربهداری وآموزش وپرورش سرمایه گذاری کرده‌است.

اوضاع کنونی

درهم شکستن تجاوز امپریالیستی در زمستان ۱۳۵۷ پیروزی بزرگی درزمینه تحکیم وحدت ملی به شمارمی‌رفت‌ونمایانگرپشتیبانی وسیع خلق بنین از دولت کنونی‌بود.

افزایش توان‌اقتصادی بنین سبب شدکه دردیماه ۱۳۵۸، دستمزدها، کمک هزینه‌های تحصیلی وبازنشستگی‌ها دربنین ۲۰٪ افزایش یابد. درانتخابات پارلمانی (۱۳۵۸) و انتخابات‌ریاست جمهوری (۱۳۵۹)، مردم بنین اعتمادعمیق خود رابه سیاست "حزب انقلابی‌خلق بنین" نشان‌دادند. در زمینهٔ سیاست خارجی، بنین غیرمتعهد است و در عین‌حال باکشورهای سوسیالیستی مناسباتی نزدیک دارد. بنین، همخوان بامبارزه فعالانه علیه امپریالیسم، نواستعمار، نژادپرستی و آپارتید، ازهدف‌های "سازمان‌وحدت‌آفریقا" هواداری می‌کند.

به‌گفتهٔ کرکو، رئیس جمهوری‌خلق‌بنین مهمترین وظیفهٔ مردم این کشور درگسترهٔ سیاست داخلی، تشکیل "جبههٔ‌ملی‌وسیع از کارگران ودهقانان وهمهٔ طبقات و قشرهای میهن‌دوست وانقلابی" است.

وظیفه‌سنگین سندیکاها

سال پیش نخستین‌کنگره "فدراسیون ملی‌سندیکاها در **"کوتونو"** برگزارشد. مهمترین مسئله موردبحث این‌کنگره شرکت‌هرچه‌بیشتر طبقهٔ‌کارگر بنین درانقلاب ملی ـ دمکراتیک بود. سرهنگ **ماتیوکرکو** صدرکمیته‌مرکزی "حزب انقلاب خلقی‌بنین" و رئیس جمهوراین‌کشور درسخنرانی خود در برابر نمایندگان کنگره نامبرده نقش رهبری طبقهٔ‌کارگر وحزب را در دگرگونسازی‌های‌انقلابی تاکیدکرد. وی خاطر نشان ساخت که‌سندیکاهای‌کارگری، به عنوان سازمان طبقاتی‌کارگران وظیفهٔ‌سنگینی در زمینهٔ‌بسیج‌همهٔ‌زحمتکشان‌درصنعت‌وکشاورزی بعهده دارند.

مجلس ملی‌بنین، که در دیماه سال پیش آغاز بکار کرد، به بررسی تدابیرجدی برای تشکیل نهادهای حاکمیت انقلابی‌بر پایه مؤاد قانون اساسی بنین همت ورزید. تشکیل مجلس ملی گام مهمی‌در راه‌تحکیم نظام دمکراتیک خلق به‌شمارمی‌رود. به‌گفتهٔ **ویلون‌گزوروِمن**، نایب رئیس مجلس ملی، دسیسه‌های دامنه‌دارضدانقلاب داخلی و خارجی و بسیج ناکافی تودهٔ‌مردم همچنان‌سد بزرگی در راه پیشرفت های سریع محسوب می‌گردد. وی ازسوی دیگر، تاکیدکردکه امسال درهمه‌شهرها ودهات استان‌های‌شش‌گانه‌کشور نهادهای‌محلی‌حاکمیت‌خلق برپاخواهد شد. به‌گفته **ویلون‌گزوروِمن** "حزب‌انقلاب‌خلقی‌بنین" پیشنهادهایی در این زمینه‌به‌مجلس‌ملی‌ارائه داشته‌است. کمیته‌مرکزی "حزب‌انقلابی‌خلقی بنین" در آخرین‌اجلاس خود به بررسی لایحه‌های قانونی دربارهٔ نهادهای‌محلی حاکمیت‌خلق پرداخت. پرزیدنت **ماتیوکرکو** نمایندگان مجلس ملی را فراخواند، تا هر چه بیشتر در راه بسیج تودهٔ مردم درمبارزه‌علیه ارتجاع کوشش ورزند. وی همچنین از مردم خواست تا "حزب انقلاب خلقی بنین" را در حل سریع مسائل کشور یاری بخشند.

پیروزی‌های بزرگ بنین زیررهبری "حزب انقلابی خلق بنین"

"حزب انقلاب خلقی بنین" می‌تواندبه خودببالدکه از تاسیس حزب و پایه‌گذاری جمهوری تاکنون، پیروزی‌های بزرگی نصیب مردم بنین‌شده‌است. درنخستین‌برنامه‌توسعه اقتصادی کشور در سال‌های ۵۹ ـ ۱۳۵۶ مردم بنین به دستاوردهای چشمگیری‌درگستره‌ایجاد صنعت ومراکز کشاورزی ـ صنعتی نایل‌گردیدند درکارزار افزایش تولیدکشاورزی پیروزی‌های محسوسی‌بدست آمدوتعاونی‌های کشاورزی و سازمان‌های همیاری دهقانان تاسیس یافت. دولت‌بنین، درعین خریداری فرآورده های کشاورزی‌دهقانان به قیمت‌های ثابت، کود ـ های شیمیایی و مواد ضدآفات را به بهایی بس‌ارزان‌دراختیارآنهاقرارداده‌است. دولت بنین، فزون براین، سالیانه، با ۸۰۰ میلیون فرانک ابزار کار، به کمک دهقانان‌شتافته‌است پرزیدنت **کرکو**، چندی پیش در سخنرانی خطاب به ساکنان استان بورگو اظهارداشت‌که برای تامین خودکفایی بنین درزمینهٔ‌تولید مواد غذائی، هنوزمسائل‌فراوانی‌بایدحل‌شود. به‌گفته وی، دراین‌گستره، چیرگی براقتصاد تک فرآورده‌ای (بنین‌هنوز به صدور دانه و روغن نخل وابسته است) و کمبود نیروی کار از مسائل عمده به‌شمارمی‌رود. در روستاهای بنین، دهقانان درمهم ترین‌بخشهای‌کشاورزی کارتعاونی ومکانیزه را آغاز کرده‌اند، در واقع این‌تنها راه افزایش تولید کشاورزی بوده‌است

دراین‌روزها، دربنین به‌مسائل بارآوری، کارآئی، وانضباط‌کار توجه خاصی مبذول‌میشود صدرکمیته مرکزی "حزب‌انقلابی‌خلق بنین" و اعضای هیئت سیاسی‌حزبی ودولت در سراسر کشور به توضیح شعار "انقلاب یعنی تولید" در پیوندنزدیک باشرایط مشخص محلی مشغول هستند.

ازسوی دیگر "حزب‌انقلاب خلقی‌بنین" همه‌توان‌خودرابرای‌مرحله دمکراتیک انقلاب خلقی‌بسیج‌می‌کند. دریکی‌ازنشست‌های‌کمیته مرکزی، که‌چندی پیش به‌مسائل‌تکامل حزب پرداخت، ضرورت آفرینش حزبی‌طرازنوین و مشارکت‌همگام زحمتکشان‌درساختمان جامعهٔ نوین موردتاکیدقرارگرفت.

رژیم ضیاءالحق ...

بقیه‌ازصفحه۶

درآنهابه‌ترتیب ۵/۸ و ۲/۱میلیون دانش‌آموز تحصیل می‌کردند. در ۱۵ دانشگاه پاکستان ۳۴۰۰۰۰دانشجو به تحصیل اشتغال دارند. بزرگترین دانشگاه‌های پاکستان در شهر های کراچی، لاهور و پیشاور واقع‌است. با این‌همه ۸۰٪مردم پاکستان‌بیسوادند.

حاکمیت: برپایهٔ‌قانون اساسی ۲۳ مرداد ۱۳۵۲ (۱۴ اوت ۱۹۷۳) پاکستان یک جمهوری فدرال است. طبق این قانون اساسی، رئیس‌حکومت رئیس جمهور است، که وظایف‌خود را تنها در توافق بانخست وزیرانجام می ـ دهد. قوهٔ‌اجرائی بدست دولت است وپارلمان از دومجلس نمایندگان و سنا (برپایهٔ فدرالی) تشکیل می‌شود آخرین انتخابات پارلمانی، که قرار بود درتاریخ ۲۶آبان ۱۳۵۸ (۱۷نوامبر ۱۹۷۹) صورت گیرد، بعلت تظاهرات اعتراض‌آمیز و وسیع مردم علیه‌محافل حاکم برای مدت‌نامعلومی‌به تعویق افتاد. پس ازکودتای نظامی‌ضیاءالحق بیشتر مواد دمکراتیک قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد. ضیاءالحق از ۲۸ شهریور ۱۳۵۷ (۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸) تا کنون ریاست جمهوری و ریاست دولت رابعهده دارد.

(ادامه‌دارد)

بیانیه‌حزب ...

بقیه‌ازصفحه۱۵

دورترومنفردترمیشود. نفرت‌درمیان‌نیروهای‌ارتش ازاین‌جنگ تجاوز ـ کارانه وابلهانه افزایش می‌یابدو آنها به‌اشکال گوناگون، از محکوم کردن‌جنگ ـ برغم خطری که ازطرف دستگاه‌های ترور و اختناق "قادسیه" آنها راتهدیدمی‌کند ـ گرفته تا خودداری‌از رفتن‌به جبهه وشرکت درجنگ، احساسات خود را ابرازمی‌دارد.

رژیم به‌پایان عمرخودنزدیک‌می‌شودو برما است که بامتحد کردن‌صفوف خویش در یک جبههٔ‌واحدملی وگسترده، که‌کلیه‌نیروهای ضدامپریالیستی، ضدصهیونیستی وضدارتجاعی را در بر گیرد و مبارزه را دراشکال‌گوناگون و قبل از همه درشکل مسلحانه‌اش جهت سرنگونی رژیم تشدید نماید، سقوط‌آنراتسریع کنیم.

کلیه‌کوشش ها برای متوقف ساختن کشتار وسرنگونی‌آدمکشان باید متحد شود.

حزب‌کمونیست عراق
اکتبر ۱۹۸۱



ضوابط و مقررات نباید ناقض قانون اساسی باشند

چندی پیش در روزنامه‌ها "مقررات جدید پایان تحصیلات دانشجویان سراسر کشور"، از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی انتشار یافت.

این مقررات برتعهد و باور به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی تاکید دارد، که مطلبی است درست و پذیرفتنی. این مقررات، همکاری با ساواک، وابستگی موثر به رژیم گذشته، قیام علیه جمهوری اسلامی ایران، عضویت در سازمان‌های جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اعمال زور مسلحانه، قاچاق اسلحه، تبلیغ به‌منظور تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتشاء و اختلاس و سرقت وجعل و اعمال خلاف اخلاق و عفت عمومی وجرائمی نظیر آن را از موارد عدم پذیرش استاد و دانشجو در دوران انتقال، برشمرده است، که علی‌الاصول مورد موافقت نیروهای انقلابی است.

اما متاسفانه این مقررات از مرزبندی میان انقلاب وضدانقلاب و خط کشی میان بی‌باوران بضوابط اخلاق جامعه وباورمندان بدان تجاوز کرده، واعتقاد به بینش‌های اجتماعی وفلسفی غیراسلامی را از موارد عدم پذیرش استاد و دانشجو در دانشگاه دانسته، که‌جای بحث جدی دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف می‌داردکه وسائل تحصیلات عالی را تاسرحد خودکفائی کشور، بطور رایگان گسترش دهد. درقانون اساسی هیچ اشاره‌ای به‌این که دانشجویان دوره‌تحصیلات عالی باید دارای عقاید معین سیاسی وفلسفی ومذهبی باشند، نشده‌است. بنابراین، این بند از ماده ۱۱ مقررات، که افراددارای عقاید معین سیاسی وفلسفی ومذهبی راصالح برای تحصیل در دوران انتقال و ورود به دانشگاه نمی‌شناسد، نقض صریح قانون اساسی است. وقتی قانون‌اساسی وجود احزاب، جمعیت‌هاو انجمن‌های صنفی وسیاسی را، مادام‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رانقض‌نکرده‌اند، برسمیت شناخته وبرای آنها حق زیست و فعالیت قائل است، چگونه میتوان به دلیل عضویت دراین یا آن حزب سیاسی ویابدلیل اعتقادات معین سیاسی، فلسفی‌ومذهبی، این یاآن فرد را از حق تحصیلات عالی محروم کرد؟ وقتی قانون اساسی، آزادی انتخاب شغل را پذیرفته و تصریح میکندکه:

"هرکسی حق دارد، شغلی را که بدان مایل است ومخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند" ودولت موظف شده‌تا "امکان اشتغال به‌کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید"، دیگر نمی‌توان دعوی داشت که این یاآن داوطلب شغل استادی، بدلیل داشتن بینش معین سیاسی و فلسفی و مذهبی، صلاحیت احراز این شغل را ندارد، هرچندکه‌مومن به انقلاب اسلامی ایران ونظام جمهوری اسلامی ایران باشد.

تجربهٔ دوسال‌ونیم پس ازانقلاب بارها به‌ثبوت رسانده است که‌مرزبندی میان مذهبی و غیرمذهبی، مسلمان و غیرمسلمان ازنظر حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران وتداوم انقلاب، مرز-بندی نادرستی است، که به‌انقلاب صدمه خواهدزد. تکیه‌بیش‌ازحد براین معیارهاست که رخنه‌کلاهی‌ها رادرصفوف حزب جمهوری اسلامی وکشمیری‌ها را تا دبیری شورای امنیت دولت انقلاب وفخارزاده‌ها را تافرد مورداعتماد در دادستانی کل انقلاب میسرساخته‌است. زیرا پرواضح است کدا این معیار بیس از همه وسل ار همه جاسوس‌ها وفرصت‌طلب‌ها وضدانقلابی-ها سودخواهند برد وباگذاشتن ریش و در دست‌گرفتن تسبیح‌و تظاهر به‌دینداری خودرا درصفوف انقلاب جاخواهند زد وسر به زنگاه نیش زهرآگین خود را بر پیکر انقلاب فرو خواهند برد.

در هر انقلاب اصیل باید صف افراد برحسب ایمان‌وباورشان به انقلاب از هم جدا شود، نه‌برحسب رنگ‌ونژاد ومذهب‌وجنس وزبان، که‌به‌هیچ‌رو نمیتواند دلیل‌امتیاز یک گروه‌برگروه و یا گروه‌های دیگر شمرده شود. این‌معیار، که صحت واستحکام خودرا در همه‌انقلاب‌های اصیل به‌ثبوت رسانده، باید موردپذیرش انقلاب بزرگ مانیزباشد.

لحظه‌ای فکر کنیدکه بااجرای‌مقررات جدید، ازصدهاهزارجوان‌امکان‌ادامه‌تحصیل سلب‌شودوآنهادرخیابان‌هارهاگردند. این خیل سرگردان، که باتوجه به قانون‌بازسازی امکان اشتغال هم‌ندارد، زیرا برای‌استخدام دولتی هم باید مسلمان مکتبی بود، باید به کجاپناه‌ببرد، چگونه‌امرارمعاش‌کندوچه‌آینده‌ای درپیشروی‌دارد؟ این‌برخوردغیرعادلانه اثرات‌زیانباری‌درخانواده‌هانیزخواهدداشت وآنهارانسبت به‌زندگی فرزندان خودشدیداً بیمناک خواهد ساخت.

نه‌فقط در "مقررات جدید پایان تحصیلات دانشجویان"، بلکه در "ضوابط گزینش برای دورهٔ پیش دانشگاهی" نیز مطالبی گنجانده‌شده، که‌به‌هیچ‌رو ملهم از قانون‌اساسی نیست‌و درآن انحصار طلبی آشکار حتی درموردحق آموزش، که حقی همگانی‌است، به‌چشم میخورد.

در "ضوابط گزینش برای دورهٔ پیش‌دانشگاهی" گفته‌شده‌است که:

"دانش‌آموزان دورهٔ پیش دانشگاهی ازمیان‌قبول‌شدگان سال سوم دبیرستان‌توسط یک‌امتحان ورودی برگزیده می‌شوند. دراین امتحان‌توانائی داوطلب در زمینه‌های تخصصی، عمومی ومعارف اسلامی سنجیده میشود."

قانون‌اساسی همزیستی ادیان‌گوناگون‌را درسرزمین‌ایران به‌رسمیت‌شناخته و حقوق معتقدان به‌ادیان غیراسلامی‌را پذیرفته‌است. بنابراین اصل نمیتوان از یک دانش‌آموز مسیحی یا یهودی ویا زرتشتی‌اطلاع ازمعارف اسلامی را متوقع بود وآنرا پیش‌شرط ورود او به دورهٔ پیش دانشگاهی یادوران‌انتقال به دانشگاه قرارداد.

قانون‌اساسی تاکیدکرده‌است که دولت جمهوری‌اسلامی‌ایران ومسلمانان‌موظفند... حقوق‌انسانی افرادغیرمسلمان را رعایت‌کنند مادام که آنان برضداسلام وجمهوری اسلامی ایران‌توطئه‌نکرده‌اند. یکی از مهمترین وجوه حقوق هرانسان، حق او به‌آموزش تابالاترین سطوح‌است، که با این معاذیر نمیتوان ازاو دریغ داشت.

درسالی که به‌گفته‌امام‌خمینی "سال قانون" است، مسئولین‌مملکتی‌باید با دقت و وسواس، مراقب احرای قوانین، بویژه قانون اساسی باشند وتخطی از آنرا مجاز نشمارند. وضع قوانین‌ومقرراتی که‌ناقض‌قانون مادراست، آنهم‌ازسوی‌حاکمیت‌موجب عدم‌اعتماد وعدم امنیت درجامعه‌خواهدشد، که به‌سود انقلاب نیست.



"آینده" آمد

شاهرودی رفت!



در نیمروز چهارم آذرماه امسال، قلب شاعری حساس وانساندوست از طپش‌ایستاد. اسماعیل شاهرودی، معروف به "آینده" یکی‌از نخستین یاران‌نیما ورهروان شیوهٔ نیمائی، پس از سال‌هازندگی پر تلاش هنری، روی‌در نقاب خاک‌کشید.

"آینده" درسال ۱۳۰۴ شمسی دردامغان چشم به‌دنیاگشود. اوتحصیلات‌ابتدائی خودرا درهمین‌شهر و متوسطه را درشاهرود به‌پایان رساند و پس از آن درجستجوی کار و ادامهٔ تحصیلات‌به تهران آمد. در این شهر مدتی آموزگار وکارمند ادارات فرهنگی بودودرضمن در دانشکدهٔ‌هنرهای زیبا، رشتهٔ‌نقاشی را تحصیل میکرد.

شاهرودی پس از دریافت لیسانس، به سمت دبیر دبیرستان‌های تهران، مشغول کار شدو بعدها بکاردر لغت‌نامهٔ دهخداپرداخت ولغات هنری "فرهنگ معین" را مدون‌ساخت. اوپس از انجام‌این کار، مدتی تدریس در دانشگاه "علیگر" هند را به‌عهده داشت و سپس در کمیسیون ملی یونسکو در ایران به‌کار پرداخت. ازشاهرودی کتاب‌های شعر بانام‌های "آخرین نبرد" درسال ۱۳۳۰، "آینده" در سال ۱۳۴۲، "برگزیده شعرهای اسماعیل شاهرودی" درسال ۱۳۴۸و "هرسوی راه" و "آی میقات نشین" منتشر شده‌است. "م‌ومی درسا" نیز یکی دیگر از مجموعه شعرهای "آینده" است.

نخستین مجموعهٔ‌شعر "آینده" باعنوان "آخرین‌نبرد" بامقدمه مشروحی‌ازنیمایوشیج منتشرشد. این مقدمه، که‌درسومین‌مجموعه‌شعر "آینده" نیز به‌طورکامل‌چاپ‌شده، ۲۴ صفحه کتاب را اشغال کرده‌است. نیما، پس ازبررسی همه‌جانبه‌شعر "آینده"، درآخرمقدمه نوشته‌بود:

"عزیز من، من شمارا دوست‌دارم برای اینکه میخواهید هدف معینی را داشته‌باشید، شمارا برخیلی از همسال‌های شما ترجیح‌می‌دهم. شما رادر طرز زندگی آواره و ناراحت که دارید می‌شناسم. هروقت زیاد دلتنگ هستید این‌سطور را بخوانید و مرابه اسم صدابزنید، من با شماهستم وهمیشه با شما خواهم‌بود، با من‌خیلی چیزها را خواهید یافت وباهم به خیلی چیزهاخواهیم رسید. کیف بیشتری راکه من از اشعار سال‌های بعد شما خواهم‌داشت، از راه‌همین پیوستگی است. آخرین حرف من، آخرین بازدید باشعرهای شماست."

"آینده چگونگی‌آشنائی خودرا با نیما که‌انقلابی درشعر او بوجود آورد، اینگونه شرح داده‌است:

"من از خانواده‌ام گریختم و آتشم رابه تهران‌آوردم و در دفتر روزنامه‌ای برای کار بسته‌بندی جائی برای خود باز کردم.

نیما بدانجا آمد وشد داشت. او مردی بی‌تکلف‌بنظرمی‌رسید و گاهی که بدانجامی‌آمد، به‌اتاق کوچک ماهم سری میزد، کمی‌می‌نشست، چائی می‌خوردوحرفهای‌مطلوب‌به‌زبان میآوردوبعد صحبت رابه شعرمیکشاند...

... زمان‌ها گذشت ورسید روزی که این نام‌عزیز، در پایان‌مقدمه اولین کتاب شعر من قرارگرفت.

و "آینده" بدینسان‌درزمرهٔ یکی‌ازنام‌آوران شعر امروز ایران درآمد. شعر "آینده" درجریان مبارزات سیاسی مردم، پابپای آنها درحرکت بود. هنگامیکه برای نخستین بار پس‌از قیام سی‌تیر، مردم مجسمهٔ شاه را در پارک‌شهر خردکردند، شعر "آینده" بود که دست بدست میگشت:

سربت راکه شکست؟
ماشکستیم سربت‌را، ما
شکمش راکه درید؟
مادریدیم بدین داس‌که داریم بدست...

وپس از کودتای شوم ۲۸ مرداد، که ظلمت وخون‌برایران حکومت میکرد و یاس و اندوه برجان‌ها مستولی شده‌بود، باز "آینده" بودکه‌به‌همراه‌نیروهای شکست‌خورده، ولی مقاوم، مایوسان را دلداری میداد و آنها رابه صبح روشن فردا امیدوار میساخت:

دست‌بردار زپیشانی خویش
چین زرخساره بینداز به‌دور
ابرها میگذرند ازسرشهر
شهر میماند و فریاد سرور...

وخود نیز در همهٔ سال‌های‌سیاه‌حکومت کودتا، امید خود رابه‌فردای پیروزی از دست نداد.

احسان‌طبری نیز، دوازده‌سال پیش، هنگامیکه مجموعهٔ شعر "آینده" بدستش‌رسید، طی‌نامه‌ای به‌یکی از دوستانش درباره "آیندهٔ" نوشت:

"...آینده را دریک بعداز ظهر گرم‌و بی‌خواب، سراپا خواندم. چون باشاعر و شخصیت انسانی او از نزدیک آشنابوده‌ام، آینده، گذشته رابه‌یاد من آورد. اگربه پیوند اسرارآمیز دل‌ها باورکنیم، باید گفت که از ورای فرسنگ‌ها، گرمای مهر وشورکسانی که زمانی یکدیگر را درک کرده‌بودند، احساس میشود. آینده سفینهٔ اشعاریست که امید را بادرد ورنج عمیقی می‌ستاید. ولی نکته‌عمده درآن **دردنیست**، **امید** است. احساس میکنی که درپس این کلمات، مردی است که زانو نمی زند. در اشعاری مانند "**ستاره، جستجو، آهنگ‌نجوا، افسوس، بنی‌آدم، بازهم، خبر، مناجات**" بویژه این امید دردناک و سرسخت به‌خوبی دیده‌میشود. من‌میتوانم نضج در-خورد تحسین مهارت و تخیل شاعرانه را گواهی دهم، زیراخود ازسرچشمه‌های قریحه شاعرانه گوینده وسراینده "آینده" زمانی نوشیده‌ام. برای یک‌بررسی نقادانه اشعار، ازجهت مضمون و فرم آنها، متاسفانه وقت کافی در اختیار ندارم. بایدگفت صمیمیت وتابندگی احساسات، هرگزنمیگذارد "آینده" شعری کسل کننده‌وخشک بسراید. این برد اوست، ولی شاید اگر خود باز هم بیشتر بکوشد ونقاد خبیر ودلسوزی با او همراهی کند، "آینده" در این کهسار شگرف هنر، باز هم به‌قله‌های والاتری میرسد. اگر در دسترست بود، درود و محبت وآرزوهای‌نیک مرابه‌این دوست دیرین ابلاغ کن..."

انقلاب پیروزمند ایران بار دیگر نشان دادکه‌خوش‌بینی تاریخی شاهرودی، که از سابقه مبارزاتی و زیر ساخت اندیشه‌اش‌منشاء می‌گرفت، بیهوده‌نبود وسرانجام‌آن "آینده"‌ای که شاعر همیشه نویدش رامیداد، از راه رسید.

متاسفانه اسماعیل شاهرودی، که دهها سال به‌امید وانتظار به‌طلوع این آینده چشم دوخته‌بود، نتوانست بعداز پیروزی‌انقلاب به مبارزه در سنگر دفاع از دستاوردهای‌انقلاب وتعمیق آن ادامه دهد. بیماری شدید توان حرکت رااز او گرفته‌بود، اما ازهمان بستر بیماری با لبخند از انقلاب دفاع‌میکردوهمراه توده‌ها آینده‌بازهم‌بهتری را انتظار میکشید.

"**اتحادمردم**" درگذشت این شاعر گران‌مایه و مردم دوست را به همگان وبویژه خانوادهٔ او صمیمانه تسلیت می‌گوید.

جوسازی...

بقیه از صفحه ۱

جدیدی" است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران بدان دست یافته‌اند ـ طنین اجرای قانون واعتبار بخشیدن بدان را دارد ، تنها از آن جهت هم نیست که با این سخنان انحصار طلبی رد شده وحتی افراد غیرانقلابی (ولی حاضر به خدمت برای انقلاب) مد نظر قرار گرفته‌اند ، بلکه بویژه از آن جهت است که نشان می‌دهد مسئولان صدیق جمهوری اسلامی ایران به معیار وروش صحیح ، اصولی ، منطقی و معقولانه دست می‌یابند ، واین روش چیزی نیست جز تلاش برای جلب حداکثر نیروهای ممکن به جانب انقلاب و در خدمت انقلاب و برای منفرد ساختن کامل نیروهای ضدانقلاب .

این روش همانست که درفرمول مشهور **"هرکس دشمن ما نیست ، دوست ماست"** ، خلاصه می‌شود . برای انقلابی که درگیر شدیدترین تحریکات و خطرناکترین توطئه‌ها علیه موجودیت خویش است ، با اقتصادی ویران روبه رو است و برای نیل به استقلال کامل وپیروزی بر دشمن یک دنیا کار در پیش رو دارد ، ودرنتیجه به هزارها متخصص درکلیه رشته‌های موجود نیاز حیاتی دارد ، تنها راه پیشرفت کامیابانه و موفقیت‌آمیز و باکمترین زیان و صدمه همین است .

اما متاسفانه طی ۲ سال ونیم گذشته گرایش معینی ، که صرفنظر از نیات خویش ، شعار "هرکس که مثل ما نیست ، دشمن ماست" را نصب‌العین خود قرار داده بود ، زیانهای جدی به امر باز سازی انقلابی نظام اقتصادی ـ اجتماعی جامعه وارد ساخت . این گرایش ، هر نیروئی را که به‌شیوه وی نمی‌اندیشید و یا به آنچه مورد نظر او بود ، تظاهر نمی‌کرد ، "دشمن" محسوب می‌کرد ، و نه فقط "افراد غیرانقلابی" را که حاضرند تخصص و دانش خود را در خدمت جمهوری اسلامی ایران قرار دهند بلکه ، درکمال حیرت ، نیروهای انقلابی دگراندیش را نیز ، که باتمام نیرو از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران مدافعه می‌کردند و می‌کنند وخستگی‌ناپذیر برای نوسازی انقلابی جامعه ، می‌کوشیدند ومیکوشند ، مورد حمله قرار می‌داد و درنتیجه انقلاب و جمهوری نوپای ما را از خدمات آنها محروم می‌ساخت . حتی گاه این برخورد با نیرو ـ های انقلابی دگراندیش خصمانه تر بود وهست . دراین زمینه نمونه‌ها بسیار زیادند .

حتی اکنون نیز که دبیرکل امور اداری واستخدامی کشور ومعاون نخست وزیر از "حداکثر استفاده" حتی از افراد "غیرانقلابی" ، که مخالف انقلاب نیستند ، سخن می‌گوید و اظهارات وی باید بطریق اولی دگر ـ اندیشان مدافع پیگیر انقلاب را در برگیرد ، متاسفانه گرایشهای پیشگفته با نشر مطالب تحریک‌آمیز علیه نیروهای دگراندیش انقلابی ، با جو سازی و پرونده سازی علیه این نیروها ، ناـ آگاهانه یا آگاهانه ، خواسته یا ناخواسته ، نه فقط علیه قانون ، نه فقط علیه موضعگیری مسئولان درجه اول کشور بلکه علیه مصالح انقلاب ، عمل می‌کنند .

دکترجاسبی در مورد اهداف "لایحه خدمات کشوری" که باید افرادی را که مخالف انقلاب نیستند (و به طریق اولی دگراندیشان مدافع انقلاب را) دربرگیرد ، می‌گوید :

"وضع زندگی کارمندان دولت به‌صورتی آبرومندانه وشرافتمندانه تامین خواهد شد ویک نوع امنیت شغلی برای همه آنها بوجود خواهد آمد" .

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی ، دادستان کل انقلاب اسلامی ، در مورد نیروهائی که اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای را پذیرفته‌اند ، گفته‌است :

"... اگر در چارچوب قانون اساسی بخواهند رفتار کنند و شرایط مصوب مجلس شورای اسلامی راقبول داشته باشند ، باید با آنها دوستانه رفتار کرد" . (پیام انقلاب ، شماره ۴۵)

اما متاسفانه واقعیت در عمل ، اینجا وآنجا ، با اظهارات این مسئولان عالی مقام ، تفاوت جدی دارد . "برخورد دوستانه" و "امنیت شغلی" در بسیاری نقاط ، که گرفتار فعال مایشائی برخی افراد انحصارطلب و مسئولین قانون‌شکن هستند ، مفهوم "اخراج" بخود می‌گیرد و گاه برخی مطالب نشریات پیرو خط امام نیز متاسفانه به تبلیغ این گرایشهای قانون شکنانه وضدیت با سیاستهای مسئولین درجه‌اول کشور ، اختصاص می‌یابد . (در این مورد می‌توان از جمله به مطلب "دیداری با انجمن اسلامی خطوط لوله و مخابرات ری" منتشره در شماره ۲۷ آبان "جمهوری اسلامی" ونظایر آن یاد کرد)

این باعث نهایت تاسف وشگفتی است که درست در شرایطی که موضعگیری‌ـ های مثبت اخیر در سخنان واظهارات مسئولان درجه‌اول می‌شکفد و گسترش میابد ، کسانی باتمام نیرو میکوشند که جو تحریک علیه نیروهای دگراندیش انقلابی راتشدید کنند . این گرایشها و اعمال را به چه باید تعبیر کرد ؟

ما ضمن جلب توجه مقامات جمهوری اسلامی ایران به تلاشهای قانون‌شکنانه‌ای که درجهت بی‌اثرساختن وبی‌اعتبارنمودن قانون بعمل می‌آید و بصورت ایجاد جو شانتاژ و ارعاب و اخراج متجلی می‌شود ، خواستار رعایت هرچه سریعتر قانون در مورد نیروهای انقلابی دگراندیش و مهار وکنترل کردن قانون‌شکنان هستیم .

مجلس...

بقیه از صفحه ۴

گران صدامی اشاره‌کرد واز جمله متذکر شد که این حمله "برای زمان کنفرانس فاس تنظیم شده‌بود" و "جوابی به مرتجعان عرب ، سران کشورهای ارتجاعی و مانور آمریکا" بود . رئیس مجلس ضمن اعلام این نکته که "دشمن تحقیقا از حمله ما خبر داشته" ، با اشاره به‌روحیه پرشور و رزمجویانه رزمندگان جبهه‌ها ، به‌ارتش صدام هشدار داد و گفت :

"من از تریبون مجلس ، به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع ، به‌ارتش فریب خورده صدام اخطار میکنم : هفته‌های آینده برای شما هفته اتخاذ تصمیم مناسب است . مطمئن باشید که فتح بستان ، آخرین فتح ما نیست از این به بعد در همه جبهه‌ـ ها ، همین سرنوشتی را که همراهان شما در بستان داشتند ، خواهید داشت . یا باید برگردید واسلحه‌های خود را به‌روی مسئولان حزب بعث و صدام بگیرید ومنطقه را از شر صدام و حزب بعث راحت کنید وملت عراق و ایران را ازاین جنگ آزاد کنید ویافرار کنید درغیراین صورت سرنوشت شما یا اسارت است یا مرگ در جبهه‌ها ."

رئیس مجلس آنگاه صدام را "آیشمن زمان ما" خواند و از تمام رزمندگان سلحشور انقلاب و از جمله افراد جهاد سازندگی ، که در ساختن راه‌های مناسب ورساندن تدارکات در جبهه‌ها ، فداکاری فراوان کرده اند ، قدردانی وتشکر کرد .

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه یافت و تعدادی ازمواد دیگر این لایحه به‌تصویب رسید .

جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ، روزچهارشنبه ۱۱ آذر تشکیل شد . پس از سخنان قبل ازدستور ، ابتدا طرح یک‌فوریتی در مورد "ارائه اساسنامه ارگانهای دولتی ونهادهای انقلابی به‌مجلس" در دستور روز قرارگرفت وپس ازصحبت چند تن ازنمایندگان ، یک فوریتی آن مورد تصویب قرارگرفت . سپس بحث درمورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه‌یافت و ۱۰ ماده دیگراز این لایحه به‌تصویب رسید .

جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی درهفته گذشته ، روز پنج ـ شنبه ۱۲ آذر تشکیل شد . در سخنان پیش ازدستور ، ازجمله حجت الاسلام ناطق نوری ، که نمایندگی امام درجهاد سازندگی راعهده‌دار است ، طی سخنان کوتاهی فعالیت‌های جهاد سازندگی را در جبهه‌های جنگ با تجاوزگران صدامی وبخصوص درعملیات "طریق‌القدس" برشمرد . آنگاه مجلس وارد دستور شد وبحث درمورد لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه یافت و مواد دیگری از آن به‌تصویب رسید .

سخنی درباره زنان :

این انسانهای زاینده و پرورنده انسانها

مراعات حقوق اجتماعی و انسانی زن ، نه در گفتار بل در کردار شاخص متمدن و انقلابی بودن هر جامعه و هر فرد است

درعصر ما دشوار است کسی علنا مانند سده‌های گذشته ، ادعا کند که زنان "موجودات درجه دوم" هستند و جامعه **باید** براساس "مردسالاری" اداره شود . چنین کسانی را افرادی مرتجع و عقب مانده می‌نامند . ولی افسوس که مطلب تنها به **قبول** یک حقیقت عیان نمی‌تواند ختم شود و از اینها بمراتب بغرنج‌تر است .

مدتهاست که زنان جهان گام در صحنه مبارزه گذاشته‌اند و حقوق تمام عیار وکامل انسانی خویش را می‌طلبند . این حقوق نه تنها ، مانند مردان جامعه ، برخورداری از تمام مواهبی است که جامعه می‌تواند عطا کند ، بلکه درعین‌حال برابرحقوقی باخود مردان است . اگردرست است که زن یک "موجود درجه دوم" نیست ، پس درهیچ عرصه ـ ای و به هیچ بهانه‌ای نباید با وی چنین رفتار شود .

زن نیمی از جامعه است و آن‌هم نیمه‌ایست که نیمه دیگر رامی‌زاید و با رنج و فداکاری می‌پرورد و سراسر عمر پرورش ، نگهداشت و بار آن را تحمل می‌کند . در هر عرصه‌ای که بگیریم : سیاست ، اقتصاد ، اجتماع ، فرهنگ ، خانواده ، درجنگ وصلح ، درشهر وده ، زنان اکنون نقش درجه اولی در جامعه بشری ایفا می‌کنند . طی‌سراسر تاریخ بارسنگین تغذیه ، تنظیف ، تربیت و نگاهداشت کانون زیست و تحمل دشواریهای گذران کار زنان بود . در عین حال در تولید مادی و معنوی نیز زنان نقش مهمی را ایفا کردند .

درکشورهای سوسیالیستی گامهای تاریخی وعظیمی در راه استقرار برابری حقوق زن و مرد در تمام زمینه‌ها برداشته شده‌است . ولی زنان درکشور ـ های سرمایه‌داری و "جهان سوم" نه فقط از امپریالیسم ، مقررات پدر ـ سالاری ، ستم اربابها وخانها ، تجاوزات سرمایه‌داران ، فشار مقامات ، تبلیغات اجتماعی و مقررات ظالمانه رنج می‌ـ کشند ، بلکه در داخل خانه و کلبه خود نیز متاسفانه غالب اوقات عضو "کم‌بهای" خاندان تلقی می‌شوند ! و این بیش از همه دردآور است .

البته ! گاه سخنان سالوسانه و چاپلوسانه درباره مادر و همسر و خواهر ، زیاد است . تعارفات لفظی ، ژستهای نزاکت‌آمیز کم نیست . ولی این برخوردی است سطحی و پوک و بی‌ارزش . درموقع خود ، یعنی در میدان عمل و واقعیت ، زن تنها یک "عروسک" یا یک "خدمتکار" باقی می ـ ماند . بآسانی نام او وحق او فراموش می‌شود . شخصیتش رابراحتی پایمال می‌کنند و اوچون "جنس لطیف" جامعه است ، در مقابل "رعد و برق" پدر ، شوهر وفرزند چاره‌ای ندارد جز آن‌که دفاع محبت‌آمیز از خود را تنها گاه به صورت اشکهای خاموش نشان دهد ...

ازهنگامیکه مالکیت خصوصی و نظام طبقاتی وشیوه پدرسالاری جامعه را در راه دشوار تکاملی انداخت ، زنان یکی از قربانیان تاریخند و علاوه بر مصائب مردان خود ، مجبور بوده‌اند مصائب اضافی دیگری را بارنده بگور شدن (درجاهلیت) وزنده‌سوختن (در نزدهندویان باستان) تحمل کنند . در جوامع عقب مانده ، که درآنها آداب و رسوم خاصی حکمروا ومتداول است و "قبح" آن آداب را هم نمی‌فهمند ، برخورد مردان بازنان به تمام معنی مظهر این عقب ماندگی زشت وزننده است . وحیرت آوراست که برخی افراد مترقی این اجتماع ، که خود را "انقلابی" نیزمی‌شمرند ، گاه دراین عرصه درسطح عقب‌مانده‌ترین افراد هستند . موارد شرم‌آوری وجود داردکه پدران ، برادران ، همسران وپسران در مقابل زنان ما با خشونت و حتی وحشیگری می‌ایستند و قدرتی راکه طبیعت در بانگ ونیروی جسمانی آنها نهاده‌است ، برای "سرکوب" فردفداکار وعزیز ومحترم و رنجبرخانواده به‌کار می‌برند .

روشن‌است که راه‌حل این جریان تحول بنیادین جامعه و بر قراری **تساوی حقوق درجامعه و خانواده** و مراعات عملی این تساوی حقوق ، بویژه ازجانب مردان در برابر زنان است . این وظیفه به مردان انقلابی باحدت وشدت بیشتری تعلق می‌گیرد .

تردیدی نیست که زندگی خانوادگی روند بغرنجی است ومانمی ـ خواهیم یک سلسله **مقررات یکنواخت** برای تمام خانواده‌ها معین کنیم . اساس این نیست که زندگی خانوادگی بشکل روزمره خود چگونه می‌گردد و می‌گذرد . اساس آنست که زندگی خانوادگی بر اساس عشق ، تفاهم ، احترام نسبت به زن ، درک وجود انسانی او ، مراعات اکید حقوق بشری واجتماعی او سیر کند و زن خودرا در درون خانواده در مقام شایسته خویش حس نماید .

زنان دراکثریت مطلق خود مظهر فداکاری و ازخودگذشتگی هستند ، ودر برابر آنها مردان غالبا با روحیه‌ای خودخواهانه‌تر ، خودرانشان می‌دهند . ما از استثناها سخن نمی‌گوئیم . سخن ازغلبه آماری در میان است . مادر ، همسر ، خواهر ، دختر از دست زدن به همه نوع فداکاری در راه جامعه وافراد خانواده ابائی ندارند . به همین ترتیب عواطف انسانی در زنان قوی است . اگر چنین‌نبود ، جامعه و خانواده با تمام دشواریش نمی‌گشت . این اوست که همه رنجها ، از رنج جنگیدن در سنگر ، تا شب زنده داری دربالین کودک را تحمل می‌کند . زن از نثارخود ، در راه آنچه که جامعه و خانواده از وی می‌طلبد ، دریغ ندارد . ولی شما مردان و بویژه شما مردان مترقی‌وانقلابی ؟ آیا شما به ارزش والای این بزرگواریها ، این ازخودگذشتگی‌ها درکارخانه ، اداره ، مدرسه ، مزرعه ، کار ـ گاه ، خانه ، رده‌های مبارزه ، صف‌های جنگ پی‌برده‌اید ؟ آیا شما نیزاز قفس خودخواهی "مردانه" خود توانسته‌اید خارج شوید ؟ آیا اصولا راجع به‌این مسائل اندیشیده‌اید ؟ خود را محاکمه کرده‌اید ؟

مانمی‌خواهیم نوعی "کیش زن" درست کنیم ونیز طرفدار اندیشه زن‌گرایی "بورژوائی (که‌می‌خواهد از "تاریخ‌مردانه" انتقام بکشد و همه شرها را نتیجه سلطه شیطانی مرد می‌داند) نیستیم . ما نمی‌خواهیم ناـ هنجاریهای تاریخ جامعه طبقاتی را به گردن مرد بارکنیم . تنها سخن ما این است که :

۱ـ ازجهت اجتماعی بین مرد و زن ، که اساس فعالیت‌های آنها همانند است و دربخش کوچکی ازفعالیت ، که هریک شاید برخی مختصات ویژه خود دارند ، نیز زنان از مردان یک سرموکم نمی‌آورند ، برابرحقوقی زن ومرد باید واقعی باشد ، نه لفظی‌ودروغین ، وباید درهمه‌عرصه‌هاتجلی‌کند ، والا لفاظی‌و عوام‌فریبی‌است . و متاسفانه هنوز جامعه ماچنین نیست .

۲ـ ازجهت خانوادگی‌زن ، که عملا بارسنگین مادری وهمسری را بر دوش می‌کشد ، بایدموردعشق‌و عاطفه‌و احترام وهمیاری و توجه‌خاص مردان خانواده باشدو بویژه عناصر انقلابی باید در این زمینه خود را **نمونه** نشان دهند .

ما می‌دانیم که تامین این‌دورشته بخودی‌خود انجام‌نمی‌گیرد ولازمه‌نیل به‌آن ، چنانکه تجارب تلخ تاریخ نشان داده‌است ، نبردهای طولانی ودشوار است . لذا زنان باید دراین دوجبهه **مبارزه‌کنند** . آنها بارهانشان داده‌اندکه مبارزان دلیر وسرسختی‌هستند . اگر آنها برای احقاق حقوق اجتماعی و خانوادگی خود پای می‌فشرند . مردان فراوانی پیدا می‌شوندکه به این حقوق اعتنائی ندارند . یا در لفظ از آن دم می‌زنند ، ولی در**عمل** آنرا "فراموش" می‌کنند ، وگاه هم "معصومانه" فراموش می‌کنندو از فراموشی خود نادم و شرم ـزده میشوند ، ولی متاسفانه‌وبهر حال فراموش می‌کنند .

هیچ موهبتی بدون‌نبرد دشوار به دست نمی‌آید . منتظر عطیه و مرحمت کسی نباید نشست ، زیرا حق گرفتنی است و برای رسیدن به هدف پیوسته باید فداکاری و کوشش کرد .

امام‌خمینی ، رهبر انقلاب‌و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران ، و مسئولان کشور اهمیت مقام زن را بارها تصریح‌کرده‌اندومیدان جامعه‌وخانواده ایران انقلابی امروز برای‌نیل به**حقوق واقعی‌وانسانی واجتماعی** زن می‌تواند بازتر ومستعدترشود . باید دراین سمت کوشیدورزمید وامکانات‌بالقوه را به امکانات بالفعل مبدل ساخت .

ما در عین‌حال می‌دانیم که مردان‌انقلابی فراوانی‌هستندکه‌نه تنها به‌این‌حقایق باور دارند ، بلکه باورهای خود را درعمل بکارمی‌بندند . **آنها بهترین متحدان‌زنان** برای نبرد بجاو بحق‌آنان‌درعرصه‌جامعه‌وخانواده‌اند .

ما مایلیم که "واقعیات" زشت کم بها دادن به‌حقوق زن ، بویژه درصفوف انقلابیون ، دیده‌نشود وجای خود رابه شیوه‌هائی بدهدکه‌آرمان انسانی و انقلابی‌ما به ما می‌آموزد . مردان‌ما باید طوری‌عمل‌ورفتارکنند که در برابر زنان ما سربلندباشند . مردان ما باید به ناروائی بسیاری "روشهای متداول" پی ببرند و آن روشها را برای‌همیشه ترک گویند .

همه اگر از بین برویم ، بهتر است از اینکه زیردست صهیونیسم و آمریکا ذلیل باشیم

امام خمینی

بیانیهٔ حزب کمونیست عراق :

کلیه کوششها برای متوقف ساختن کشتار و سرنگونی

آدمکشان صدامی باید متحد شود !

رژیم عراق به پایان عمر خود نزدیك میشود

حزب کمونیست عراق به مناسبت سالگرد جنگ تجاوزکارانهٔ آمریکایی ـ صدامی علیه ایران انقلابی بیانیه‌ای صادرکرده ، که تازه بدست ما رسیده است و ما از نظر اهمیت ، ترجمه آن را در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم .

* * * *

فرزندان خلق بزرگ ما !
کارگران ودهقانان وسربازان !
افسران ودرجه‌داران شرافتمند !
پارتیزان‌ها و پیشمرگان قهرمان !
میهن‌دوستان عرب و کرد واقلیت‌های ملی ، صرفنظر ازعقاید سیاسی ومذهبی وتعلق ملی !

بیش ازیکسال ازکشتار وحشتناکی که صدام حسین با تجاوز خائنانه خودعلیه مردم همسایه ایران آغاز کرد ، می‌گذرد . در این یکسال شوم مردم ما مصائب و بدبختی‌هایی را متحمل شده‌اندکه در طول تاریخ جدید خویش علیرغم مصیبت‌هائی که از سوی استعمارگران مهاجم وحکام خائن ودیکتاتور بر آنها گذشته است ، نظیر نداشته است .

سیر جنگ صحت نظریات حزب مارا ، که درآغاز آن ، دربیانیهٔ مورخ ۱۹۸۰/۹/۲۴ انتشارداد وطی آن از همگان برای متوقف‌کردن فوری جنگ وبراندازی رژیم آدمکشان ، دعوت‌نمود به‌اثبات رسانده است . اینک حوادث ثابت می‌کند که جنگی که برافروخته‌شد ، بخاطر منافع امپریالیسم وعمال مرتجع آن در منطقه و در راس آن حکام سعودی و اردن بوده‌است . حوادث همچنین اثبات می‌کندکه‌این جنگ مطلقا هیچگونه ربطی با حقوق مردم‌عراق یا مردم عرب‌که‌به ادعای صدام ، وی جنگ رابخاطر آنها برافروخته است ، ندارد . در کمال وضوح روشن شده است که آنچه نامش‌را "قادسیهٔ صدام" گذاشته‌اند ، جزکشتارگاهی که‌حکام دیکتاتور برای رهائی از بحران سخت مبتلابه خویش و به تصور کسب پیروزی سریع برای اعاده و ترمیم حیثیت‌واعتبارازدست‌رفته‌خودوبرای‌خودنمایی‌بمثابه‌قهرمانان موهوم ملی ، آنرا ایجاد کرده‌اند چیز دیگری نیست . لیکن آرزوهای این‌آدمکشان بر باد رفت و با پایان سال اول جنگ ، دشواریهای آن مجددا شدت یافت و خسارات‌مادی‌وانسانی‌باردیگرافزایش پذیرفت جنگ‌هائی که‌برای‌شکستن محاصرهٔ آبادان روی دادند ، دارای مفهوم‌بزرگی است . ارتش عراق هزاران کشته و زخمی و اسیر از افسران و سربازان داد ، که تائید می‌کند که دیکتاتور عراق حاضر است میلیون‌ها نفر از فرزندان مردم ، اعم از عرب و کرد رانابود نماید وارتش عراق را ، که‌بخشی‌ازاین‌مردم‌است ، به‌نابودی‌کشاند .

آدمکشان برای تبرئه خود از این شکست ، عذر و بهانه ای جز این ادعای پوچ پیدانکردند ، که به میل خویش مواضع خود را ترک کرده‌اند !

ولی‌آنها نسبت به‌وضع واقعی‌و ماجراجوئی احمقانهٔ‌خودآگاهند و ازانفجار خشم مردم علیه خویش بیمناکند . و به همین‌جهت است‌که ترور و اختناق را علیه توده‌های مردم‌ونیروهای‌ملی‌تشدید کرده‌اند ،

وحشیانه به پایمال کردن حقوق شهروندان می‌پردازند ، عملیات‌قلع وقمع راعلیه خلق مبارز کرد گسترش داده‌اند و احکام اعدام‌را علیه دهها تن از شهروندان دارای عقاید گوناگون سیاسی ومتعلق به‌همه احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف ، اعم از عرب و کرد و اقلیت‌های ملی وگروه‌های مذهبی اجرا می‌کنند . همه اینها به امید متوقف ساختن موج خشم روزافزون مردم و به تاخیرانداختن انفجارخشم آنان‌است که رژیم آدمکشان را بر باد می‌دهد وکشتاری راکه صدام حسین علیه‌مردم دوست ایران ایجادکرده‌است ، متوقف‌می‌سازد .

رژیم دیکتاتوری‌روزبروز ضعیف تر و ناتوان‌تر وازتوده‌های‌مردم

بقیه‌در صفحه ۱۲

در هفته‌ای که گذشت:

ناراضی تراشی، توطئه‌ای ضد انقلابی

دادستانی کل‌انقلاب جمهوری اسلامی ایران ، طی انتشار اطلاعیه‌ای ، اعلام‌کرده‌است :

"اخیرا ضدانقلابیون برای‌ضربه زدن به‌دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی مبادرت به‌ایجادنارضائی‌بین مردم وبدبین‌کردن آنهابه‌ارگان های انقلابی می‌نمایند بطوریکه بعضی‌از آنان‌خودرا پاسدار دادستانی کل انقلاب اسلامی (بعنوان دادگاه‌مبارزه بامنکرات) معرفی‌نموده‌واخاذی وایجاد مزاحمت‌می‌نمایندکه چندتن از آنان دستگیرشده‌اند . لازم به‌توضیح‌است که این‌دادگاه‌به‌هیچوجه گروه‌ضربت جهت انجام‌ماموریت‌ها نداشته وندارد . "

لازم به‌تذکر است که‌دو هفته‌قبل حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی‌نیز ، در خطبه‌های نماز جمعه ۳۰ آبان‌ماه ، خطرهای جدی عملکرد " دشمن به‌لباس دوست درآمده " و "دوستان‌نادانی که کار دشمن رامیکنند" رامتذکرشدوهشدار داد . درآن‌خطبه‌ها ، امام‌جمعهٔ‌موقت تهران هدف های ضدانقلابیون دوست‌نماراازجمله‌ایجاد "بی‌اعتمادي وشکستن اعتمادمردم" ، "بی‌قانونی" ، "ناراضی‌کردن‌مردم" وسرانجام "بدنام‌کردن "نهادها ، دانسته‌بود ، همان اهدافی که‌در اطلاعیهٔ دادستانی کل انقلاب نیز منعکس شده‌است . اطلاعیهٔ دادستانی‌کل‌انقلاب‌نشان‌میدهد که ضدانقلاب برجسارت‌خود تاجائی افزوده‌است که‌حتی‌مسلحانه ، زیرلباس پاسداران ، تخم‌نارضائی می‌افشاند تا مردم را علیه نهادهای‌انقلابی‌تحریک کند .

توطئهٔ‌ناراضی‌تراشی ، جزئی از توطئهٔ‌عظیمی است که بدست دوستان نادان ودشمنان دانائی که به لباس دوست درآمده‌اند ، در سراسرکشورعلیه انقلاب ایران به‌اجرادرمی‌آید . باید قاطعانه درمقابل‌این توطئه ایستادو عاملین آنرا افشا و مجازات نمود .

گسترش صنایع سنگین، تنها راه قطع وابستگی صنعتی است

آقای **مصطفی هاشمی** وزیرصنایع طی یک‌مصاحبهٔ‌مهم‌رادیو تلویزیونی ، بااتکاء به آمار ، وضع تلخ‌وتکان‌دهندهٔ صنایع کشورمارا موردبررسی قرارداد اوگفت :

"از مشخصات صنایع ما وابسته بودن آنست . ازجمله ارثی که‌رژیم سابق برای ماباقی گذاشت ، پای بندبودن‌به غرب است ، بطوریکه در حال حاضر ۷۵درصد مواد اولیه کارخانجات‌و ۹۵ درصد ماشین‌آلات مابایدازخارج‌تامین بشود ، که‌دربعضی ازبخش‌ها به خاطر پیچیدگی تکنولوژی که برمبنای حضور خارجیان بناشده‌بود ، حتی‌به نیروی انسانی و روش‌های اجرائی آنها نیز وابستگی بسیار شدیدی احساس میشود . . . بعنوان مثال ۹۰درصد موادا‌ولیهٔ ماشین‌آلات صنعت‌روغن نباتی ما از خارج است‌ودر حقیقت صنعت روغن‌نباتی‌ما پرکردن قوطی است . . . در بخش‌نساجی که یک صنعت ملی کشورما است ۷۵% مواد اولیه و ماشین آلات‌آن از خارج‌تامین‌میشود که می‌توان‌گفت‌در کل ، این صنعت هم وابسته است . "

وزیر صنایع افزود :

"برای تحرک صنعت کشوردرسال مبلغی حدود ۷میلیارد دلار ارز صرف تامین مواد اولیه و لوازم‌یدکی میشود ، که‌این‌مبلغ ۱۳ درصدتولیدناخالص ملی ما را تشکیل می‌دهد ، به‌عبارت دیگر ما بیش ازنیمی از ارزمان رامصرف‌می‌کنیم تا۱۳درصد به‌ارزش تولید ناخالصمان اضافه شود . "

وزیر صنایع سپس‌چنین نتیجه گرفت :

"طبیعتا یک چنین صنعتی‌با انقلاب ما نمی‌تواند هماهنگی داشته باشد "

سخنان‌وزیر صنایع واقعیت تلخ وابستگی رابه‌نمایش‌می‌گذارد . واقعیتی که‌به‌هیچوجه با خواست‌وهدف‌ومحتوای انقلاب‌ماتطبیق‌نمی‌کند . وابستگی سلاح مهلکی دردست دشمن‌تشنه‌بخون است تاازطریق آن ، انقلاب را بادشواری‌های وصف‌ناپذیرمواجه‌سازد . به‌همین دلیل مسئولین‌انقلاب‌ماباید هرچه سریع تر برای رفع این خطر مهلک ، چاره‌اندیشی کنند . تاکیدوزیر صنایع کشور بر صنایع مادر و طرح پیشنهاد ایجاد صنایع سنگین ، بیانگرآنست‌که‌مسئولین صدیق‌جمهوری‌اسلامی‌راه‌برون رفت‌از این‌تنگنارابخوبی‌می‌شناسند ، زیرا در واقع برای قطع وابستگی اسارت بار صنایع‌کشور ما به‌امپریالیسم ، راهی‌جز گسترش صنایع مادر وسنگین ، وجود ندارد .

با تروریست‌های اقتصادی قاطعانه مقابله کنید!

اینها نمونه‌هائی اندک‌ازعملکرد گستردهٔ‌تروریست‌های اقتصادی است که‌تابحال کشف شده‌اند تروریست‌های اقتصادی ، بزرگ‌سرمایه‌داران‌وبزرگ‌مالکان ، برای نابودی انقلاب ، بیدریغ سرمایه‌گذاری‌میکنند و باخرابکاری‌های خود ضربات خطرناک برانقلاب واردمی‌سازند . برای حفظ سلامت انقلاب ، جلب‌حمایت گستردهٔ توده‌های مردم و تضمین پیشروی و پیروزی انقلاب باید بااین‌جنایتکاران واقعی ، قاطعانه‌مبارزه‌کرد :

"مامورین شهربانی‌در یکی از محلات تهران یک منزل مسکونی را تفتیش میکنند ومی‌بینند که چهار صد تخته‌قالی نفیس رابطرز ماهرانه‌ای در ۶۰ عدل‌زیرکیسه‌های‌سیب‌زمینی‌پنهان کرده‌اند . . . یکی از قالی‌ها رابه علت نفیس بودن و قدمت وارزش فوق‌العاده نمی‌توانند قیمت‌گذاری کنندو ارزش بقیهٔ‌قالی‌ها راتایک میلیارد ریال برآورد می‌کنند . "

" فقط‌از یک محتکر در خیابان ظفر ، ۵۰ تن مرغ کشته شده کشف شد "

درخردادماه ، ۵هزار پنکه توسط بازرسان ستاد امور صنفی کشف‌شد ."

(اطلاعات ۸ آذر ماه ۶۰)

"توده‌های انباشته شده‌ای از جعبه‌هاوبسته‌های دارو (که‌همگی سالم وبرخی نایاب‌بودند) در جادهٔ هراز کشف شد."

"" قلم جوش" (که‌یکی ازکالاهای پرمصرف جوشکاری است) در بازار یافت نمیشود . احتکار میکنندوبارعایت اصول مخفیکاری تاده‌برابرقیمت‌اصلی میفروشند "

"برنج را بااسم رمز می‌فروشند "

(اطلاعات ، ۱۲ آذر ۶۰)

"گرچه (آهن) توسط دولت‌توزیع میشود . اما بازارسیاه شدیدی دارد وهر کیلو که باقیمت دولتی ۴۶ ریال است ، گاه تاسی وپنج‌تومان‌هم توسط‌واسطه‌ها عرضه‌می‌شود . لامپ‌که هرعدد به قیمت تجارتی ۴تا ۵تومانست ، دردست بساط فروشي‌هاتا ۲۰تومان هم‌فروخته‌میشود ."

"کشف ۴۵۰۰کیلو ماهی قاچاق در رودبارگیلان‌توسط ژاندارمری در داخل کامیون ، حاوی انواع مختلف ماهی‌به‌ارزش ۲میلیون ریال و ازجمله یک‌تن‌ماهی آزاد ، یک تن سفید و . . . کشف ۷۸۰ عدل لباس (انواع‌پالتو ، اورکت ، کت وشلوار) گران‌قیمت قاچاق تعدادزیادی ساعت وپارچه و وسایل لوکس و چرخ‌خیاطی ، ۳۰کیسه قند قاچاق و ۲ کیلو و پانصد گرم شمش ناقابل طلا در مرزهای سیستان‌وبلوچستان "

دریکی از بنادر نیز ۸۷۷۲کیلو ماهی قاچاق‌بدست می‌آید . همچنین ۴میلیون‌تومان کالا در چاه‌بهار . . .

یکروز ۱۶۸ تن تیرآهن قاچاق در جلفا کشف میشود وروز دیگرازخروج ۱۸کیلو و ۳۲۵ گرم طلای خالص جلوگیری می‌کنند . ۳۲ دستگاه یخچال قاچاق در روانسر بدست می آیدو در جایی دیگر یک کامیون گوشت گوسفند قاچاق (۱۳۶لاشه) از دومحتکر . همچنین بیش از یازده تن برنج وکامیون سیمان ومیلیون‌ها ریال ارز خارجی و طلا و جواهر کشف‌می‌شود . برادران پاسدار در سیستان وبلوچستان‌یک‌باند مجهز راکشف‌میکنند که مبادرت به‌حمل آهن بطورغیرقانونی به پاکستان می‌کرده‌است‌و دهها وصدهاکشف‌واکتشاف دیگر . بخصوص این‌کشف اخیر ، کشف ۲۰۰ تن مرغ " (اطلاعات ، ۱۴ آذر ۶۰)

همکاری اقتصادی گسترده و پویای الجزایر با کشورهای سوسیالیستی

* اکنون ۱۱۰۰ الجزایری در اتحادشوروی تحصیل می‌کنند .
* واحدهای بزرگ صنعتی ، که‌درالجزایر به‌کمک کشورهای‌سوسیالیستی ساخته‌شده‌است ، در نوع خود در آفریقا بی‌نظیر است .

چندی پیش " هیجدهمین نمایشگاه بین‌المللی الجزیره " در الجزایر برگزار شد ، دراین نمایشگاه غرفه‌های‌کشورهای سوسیالیستی‌جلوه‌ای خاص داشت و نمایشگر همکاری نزدیک این کشورها با الجزایر بود . این همکاری برپایه‌احترام‌به‌حاکمیت ملی ، عدم‌مداخله‌در امور داخلی ، کاربست‌اصل سود متقابل و کمک دوستانه‌استوار است .

کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی "بویژه با رشته‌هایی‌ازاقتصاد ملی الجزایر همکاری می‌کنند ، که به تقویت صنعت ملی و پایه انرژی آن ، توسعهٔ کشاورزی و آموزش کارشناسان الجزایری کمک می‌رساند . دراین‌زمینه ، همکاری با اتحادشوروی وزنی خاص دارد . تنها در سال ۱۹۸۰ ، حجم مبادلات بازرگانی میان اتحادشوروی والجزایر به ۸۰۰میلیون دلار رسید . ازجمله پروژه‌هایی ، که به‌یاری کشورهای‌سوسیالیستی در الجزایر اجرامی‌شود ، میتوان از احداث یک نیروگاه بزرگ ، یک کارخانه قلع و سرب و یک واحد جیوه‌سازی یاد کرد . در مجتمع فولادسازی "الحجر" ، که در ساختن آن‌اتحاد شوروی نقش بسزایی داشت ، اکنون واحد بزرگ فلزکاری به کمک اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی تاسیس می‌گردد . پس‌از آغاز مرحله دوم‌تولیداین‌واحد ، الجزایر به بزرگترین تولید کنندهٔ صنعت فلزکاری آفریقا بدل خواهد شد .

یکی از مهم ترین‌زمینه‌های‌همکاری میان الجزایر و کشورهای سوسیالیستی‌رادرآموزش‌کادر تخصصی باید جستجو کرد . تا کنون ۶۵۰۰ مهندس و۳۰۰۰۰ کارگر الجزایری‌بکمک اتحادشوروی آموزش یافته‌اند . در حدود ۱۳۰۰ نفر آنها‌دراتحادشوروی درس خوانده‌اند . هم اکنون ۱۱۰۰ الجزایری‌دراتحادشوروی به تحصیل اشتغال دارند . قرار است‌درچارچوب برنامه‌پنجساله‌کنونی (۱۹۸۰ــ۱۹۸۴) ۳۴کانون حرفه‌آموزی به کمک اتحاد شوروی درالجزایرتاسیس‌شود . چندین انستیتوی نفت ، گاز ، شیمی و صنایع سبک و دانشکده‌های معدن کاری وفلزکاری مظهر مناسبات دوستانه میان اتحادشوروی والجزایر است .

درکشاورزی ، همکاری میان دو کشور در گستره تجهیزات آبیاری‌تمرکز می‌یابد . اکنون چهار سد و ۱۷۸ قنات به‌کمک اتحادشوروی در الجزایرساخته می‌شود .

دراینجا باید همچنین از شبکه مخابرات ماهواره‌ای‌نام‌برد ، که‌اتحاد شوروی در الجزایر ساخته‌است . این شبکه ، که به سیستم "اینتراسپوتنیک " متصل است ، حتی مردم مناطق‌دوردست جنوب را ازنعمت برنامه های رادیو ـ تلویزیونی پایتخت‌بهره مند می‌سازد .

الجزایر با دیگر کشورهای سوسیالیستی نیزدرزمینه‌های اقتصادی ، بازرگانی و فنی مناسبات گسترده وپویا دارد . برای نمونه ، در چهارسال‌اخیر حجم‌مبادلات بازرگانی میان الجزایر وجمهوری دمکراتیک آلمان چهار برابر شده‌است . آلمان دمکراتیک درالجزایر به ساختن بزرگترین ریخته‌گری فولاد آفریقا مشغول است . جمهوری‌دمکراتیک آلمان‌الجزایر رابه ۳۲کانون‌حرفه‌آموزی مجهز ساخته است . فزون‌براین ، اکنون ۴۰۰۰کارگر الجزایری در جمهوری دمکراتیک آلمان حرفه می آموزند .

کارشناسان‌جمهوری‌سوسیالیستی چکسلواکی ، بلغارستان ، لهستان ، مجارستان و ویتنام دراکتشافات‌ژئوفیزیکی ذخیره‌های‌آب‌درالجزایرشرکت دارند . به‌کمک کارشناسان همین‌کشورها‌درالجزایر ، ازجمله‌بزرگترین‌فرستنده امواج‌بلند درالجزایر احداث شد .

در دانشگاه‌های الجزایر ، استادان‌شوروی ، آلمان دمکراتیک ، لهستان وبلغارستان‌تدریس می‌کنند .

اتحاد شوروی پشتیبانی خود را از پیکار مردم فلسطین یادآور شد

واسیلی کوزنتسف، معاون اول "شورای عالی" (پارلمان) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در دیدار با نمایندگی "اتحادیه پارلمانی کشورهای عرب" گفت:

"اتحاد شوروی قاطعانه از حل عادلانه بحران خاورمیانه از طریق خروج کامل اسرائیل از همهٔ مناطق اشغالی وشناسایی حقوق خلق عرب فلسطین، ازجمله تشکیل کشور مستقل خویش، پشتیبانی می‌کند."

واسیلی کوزنتسف، خاطرنشان ساخت که، اتحاد شوروی "سازمان آزادی بخش فلسطین" را بعنوان تنها نماینده راستین مردم فلسطین می شناسد.

همزمان با "روز همبستگی بین‌المللی با خلق فلسطین" (۱۸ آذر ۶۰/ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۱)، تظاهرات وسیعی در کرانه غربی رود اردن صورت گرفت. سربازان اسرائیلی به برچیدن پرچم فلسطین برفراز خانه‌های فلسطینی ها اقدام کردند. آنها در رام‌الله با گاز اشک‌آور به مقابله باتظاهرات دانشجویان پرداختند. در ماه‌گذشته، در کرانهٔ غربی حداقل ۲۰۰ تظاهر کننده علیه اشغالگران اسرائیلی دستگیر شده‌اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحث دربارهٔ مسئلهٔ فلسطین راآغاز کرد. فاروق‌قدومی عزم مردم فلسطین رابرای ادامه پیکار در راه بازیابی میهن خود ابراز داشت. وی تبانی "کمپ‌دیوید" را محکوم کرد وهمکاری استراتژیک میان "واشینگتن" و "تل آویو" را سبب تشدید وخامت اوضاع درخاورمیانه خواند.

حزب متحد کارگری لهستان:

مهمترین وظیفه مبارزه با دشمنان سوسیالیزم است

پلنوم کمیتهٔ مرکزی "حزب متحد کارگری لهستان" وظیفهٔ اصلی حزب را در دوران کنونی مبارزه با تهدیدات علیه سوسیالیسم ودشمنان نظام سوسیالیستی در لهستان خواند. کمیته مرکزی فعالیت ماجراجویان سیاسی را علیه حزب و نقش قانونی آن قاطعانه محکوم ساخت. دربیانیه کمیتهٔ مرکزی آمده‌است:

"دولت همه وسائلی را که در اختیاردارد علیه کسانی، که قصدکنار گذاشتن حزب را از موسسات سوسیالیستی دارند، بکارخواهدبرد."

کمیتهٔ مرکزی دولت را موظف ساخت، تا گام‌های قاطع علیه دشمنان سوسیالیسم بردارد وبه‌نمایندگان حزب در "سیم" (پارلمان لهستان) دستور داد، تاقوانین اضطراری برای مقابله باتخریب اقتصادی عناصرضد انقلاب وضع کنند.

"سپاه چندملیتی"

پوششی برای گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه

وزیر دفاع اسرائیل در دیدار خود باهیگ در "واشینگتن" به بررسی باصطلاح "سپاه چندملیتی" پرداخت، که بر پایهٔ قرارداد "کمپ‌دیوید" پس از خروج نیروهای اسرائیلی در سینا استقرارخواهد یافت. ایالات متحده کوشیده‌است، تاار این راه به‌تقویت حضورنظامی خوددرخاورمیانه‌پرده‌پوشد.

وزیران خارجه اسرائیل و آمریکا در واشینگتن قراردادی درباره‌همکاری استراتژیک امضا کردند. این قرارداد، از جمله، مانورهای نظامی مشترک و احداث پایگاه‌های آمریکا را در خاک اسرائیل در برمی‌گیرد. قراردادنام‌برده همچنین شامل چند ماده سری است، که‌به‌موجب یکی از آنها، آمریکا اطلاعات نظامی خود را دربارهٔ کشورهای عرب دراختیار اسرائیل می‌گذارد.

ازسوی‌دیگر فیلیپ‌حبیب، فرستاده ویژهٔ ریگان، باردیگر سفر خودرادرخاور میانه آغازکرد. "واشینگتن" ادعا دارد، که ماموریت او "ماموریت صلح" است. اما پیش بینی می شود، که سفر حبیب پوششی برای تجاوز دوباره اسرائیل به لبنان خواهد بود. در جریان آخرین سفر حبیب به خاورمیانه، اسرائیل، علاوه بر بمباران پژوهشگاه اتمی عراق، به‌حمله گسترده علیه لبنان دست زد.

عبدالحلیم خدام، وزیرخارجه سوریه، قراردادهمکاری استراتژیک میان آمریکا واسرائیل رابه‌باد انتقاد گرفت. وی این‌اعتراض را در ملاقات خود بافیلیپ حبیب در دمشق‌بیان‌داشت.

وزیران خارجهٔ "پیمان ورشو":

خلع سلاح مبرم ترین مسئله جهانی است

کمیتهٔ وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو" دربخارست‌اجلاسی برگزار کرد. این کمیته به بررسی مسائل حاد تحدید و خلع سلاح درپیوند با اجلاس ویژه سازمان ملل‌متحد در سال ۱۹۸۲ دربارهٔ‌خلع سلاح‌پرداخت. وزیران‌خارجه کشورهای "پیمان‌ورشو" همچنین "دربارهٔ اتخاذ برخی‌تدابیر به‌منظور تحکیم امنیت وهمکاری در اروپا گفتگوکردند.

در بیانیه‌ای که در پایان اجلاس کمیتهٔ وزیران خارجهٔ کشور های "پیمان‌ورشو" انتشار یافت، گفته‌می‌شودکه:

"مبرم‌ترین مسئلهٔ امروز جهان قطع فوری مسابقهٔ تسلیحاتی و گذار به‌خلع سلاح موثر برای پشتیبانی ازتنشزدایی بین‌المللی است."

وزیران خارجه "پیمان ورشو" آمادگی کشورهای سوسیالیستی را برای مذاکره درباره تحدید، کاهش و منع هرگونه سلاح بر پایه توافق عادلانه و متقابلا مورد پذیرش تائیدکردندوپشتیبانی خو درا از پیشنهادهای‌سازنده برژنف اعلام داشتند.

توطئهٔ آمریکا علیه نیکاراگوئه ادامه دارد

به‌گفتهٔ توماس بورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، ایالات‌متحده آمریکادر حدوددوماه دیگر به محاصره دریایی نیکاراگوئه دست خواهد زد. وی، که‌در پاناما سخن‌میگفت، افزودکه این دسیسه‌ها نیکاراگوئه رااز راهی، که‌برگزیده است، باز نخواهد داشت.

"تاس" ادعای ایالات‌متحده را، که گویا اتحاد شوروی قصد احداث پایگاهی‌جنگی را درنیکاراگوئه‌دارد، "ساختگی" خواند. "تاس" خاطر نشان می‌سازد:

"اتحادشوروی نه در نیکاراگوئه دارای پایگاهی‌جنگی است ونه‌دردیگر کشورهای‌آمریکای‌لاتین. "واشینگتن" از افسانه "تهدید شوروی" برای توجیه دسیسه‌های تجاوزکارانه خویشتن علیه کوبا، مداخله در السالوادور واقدامات خرابکارانه علیه نیکاراگوئه بهره‌می‌جوید."

انتخابات به‌اصطلاح "آزاد" در هندوراس

درهندوراس پس ازنزدیک به ده‌سال حکومیت‌نظامیان، انتخابات همگانی برگزارشد. گرچه قراربود این انتخابات "آزاد" و "دمکراتیک" باشد، ولی کمونیستها ودیگرسازمان‌های مترقی حق شرکت درآنرانیافتند

کارزار انتخاباتی با سرکوب‌گری‌های گسترده همراه‌بود. درتاریخ هندوراس از ۹۴رئیس جمهور تنها ۱۷تن از طرق قانونی انتخاب‌شده‌اند.

کشف ۱۵ جسد دریك مزرعهٔ نیشکر السالوادور

روزجمعه ۶ آذر ۶۰ (۲۷ نوامبر ۸۱) در پنج‌کیلومتری شمال سان‌سالوادور، دهقانان جسد ۱۵ نفر را در نیشکر زاری یافتند. به گفتهٔ اهالی ده، شب‌ها چندبن‌بار صدای تیر شنیده میشد.

کمیسیون حقوق‌بشر السالوادور "خونتا"ی‌آن کشور را متهم ساخت‌که. به‌یاری باندهای افراطی راست، به‌کشتار هواخواهان‌چریک‌ها دست‌میزند. ازروی کارآمدن "خونتا" تاکنون بیش از ۳۲هزارنفر ازمردم السالوادور به‌قتل رسیده‌اند.

ازسوی‌دیگر، "خونتا"ی‌السالوادور "وضع فوق‌العاده" را برای ۳۰روز دیگر تمدید کرد.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز ومدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

وقایع مهم جهان در یک هفته

آغاز "گفتگوهای ژنو" دربارهٔ تحدید سلاحهای هسته‌ای در اروپا

روز دوشنبه ۹آذر۶۰ (۳۰نوامبر ۸۱) گفتگوهای میان‌ایالات متحده آمریکا واتحادشوروی دربارهٔ تحدید جنگ‌افزارهای هسته‌ای‌در اروپادر ژنو گشایش یافت.

در آستانه آغاز "گفتگوهای‌ژنو" لئونید برژنف‌در بن پیشنهاد کرده بودکه، در طول این‌مذاکرات، دوطرف ازافزایش موشک‌های خود در اروپاسر باززنند. وی‌آمادگی‌اتحاد شوروی را برای برچیدن برخی‌ازموشک‌های‌میان بردانحادشوروی‌پیش‌از دستیابی به توافق نهائی اعلام داشته‌بود.

پس‌از نخستین دور گفتگوهای ژنو"، روسای هیات‌های‌نمایندگی‌اتحاد شوروی‌وایالات‌متحده‌خشنودی‌خودرا از جریان مذاکرات ابراز کردند.

به‌گفته والدهایم، دبیرکل سازمان‌ملل‌متحد، "گفتگوهای ژنو دارای اهمیت فوق‌العاده برای پیش‌برد صلح در سراسر جهان‌است."

رئیس‌هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در "گفتگوهای ژنو" با ایالات متحده آمریکا درباره تحدید سلاح‌های هسته‌ای در اروپا، گفت‌که:

"اتحادشوروی خواستار تحدید اساسی جنگ‌افزارهای میان‌بردهسته‌ای‌دراروپاست."

وی‌این‌سخنان راپس‌از ورود به‌ژنو بیان داشت و افزود:

"اتحاد شوروی اعتقاد داردکه توافق در اینباره نه تنها ضرور، بلکه همچنین ممکن‌است. راه‌دستیابی به آن رعایت اکید اصل برابری‌وامنیت برابر است."

اواین گفته برژنف را درجریان دیدار اخیر خود از آلمان غربی‌یادآورشدکه، اتحادشوروی آماده است، تا از برچیدن همه موشک‌های میان‌بردهسته‌ای در اروپا پشتیبانی‌کند.

اعتصاب نه ...

بقیه ازصفحه ۱

در میان بود. اما به بهانه آن کمتر اشاره می‌شد. قطع سهمیه‌تولیدموضوع چنین بهانه‌ای قرارگرفته است. این خود می‌رساند که عواملی در گمراه کردن محیط‌های‌کار دست دارند

اما نفی اعتصاب و عدم تجویز آن در شرایط‌کنونی، تحت‌هرعنوانی صورت‌گیرد، بدان معنی نیست که‌به خواست‌های‌قانونی‌کارگران بی‌اعتنا باشیم. باید به‌خواست‌منطقی‌کارگران توجه کرد و در صورت‌امکان‌به‌آن‌پاسخ مثبت‌داد.

خواست منطقی کارگران عدم‌قطع سهمیه تولید، که‌یکی از اشکال‌عقب‌مانده پرداخت دستمزد در رژیم طاغوتی گذشته بوده، نیست. سرمایه داران زالوصفت در ایران از ده‌ها سال به این‌طرف، با پرداخت‌بخشی از دستمزد به‌صورت جنس، درجهت تشدید استثمار کارگران و پائین‌نگاه داشتن سطح دستمزداستفاده کرده و می‌کنند. تنها درکارخانه‌های بزرگ نیست که بخشی‌از دستمزدبصورت جنس، مثلا اتومبیل و یخچال داده می‌شده. در کوره‌پزخانه‌ها بخشی‌از دستمزد بصورت خشت و درکارخانه های نساجی بصورت پارچه و پتو و نظیر آن به کارگران داده می‌شده است. امروز که اجناس در بازار نایاب شده، شاید به‌ظاهردریافت سهمیه‌تولید برای کارگر مفید جلوه کند. اما همیشه پرداخت دستمزد به صورت جنس، یکی از اشکال‌عمده پائین نگاه‌داشتن دستمزد و غارت کارگران بوده است. اجناسی که به کارگران بابت دستمزد داده می‌شده در بازار به قیمت‌های بسیار نازل و ناچیز فروش می‌رفته است.

حرف منطقی کارگران اینست که تمام اشکال طاغوتی پرداخت‌دستمزد منجمله پرداخت دستمزد به‌صورت سهمیه، قطع شود. اما لازمست قطع این سهمیه و یا مزایای دیگر، که بخشی از دستمزد کارگران‌را تشکیل می‌دهد، در افزایش‌دستمزدهای‌آنان منظور گردد. کارگران نیز مسلما با قطع سهمیه تولید، بعنوان یکی از اشکال عقب‌مانده پرداخت‌دستمزدها مخالف نیستند. آن‌ها می‌خواهند برای پرداخت مزد واقعی و منطقی اقدام لازم صورت گیرد. درهمین مورد است که کارگران می‌توانندبحق از وزیرکار گله‌مند باشند. وزیر کار در حالی‌که یک‌جانب قضیه، یعنی ضرورت قطع سهمیه تولید را بدرستی می‌بیند، جانب دیگر قضیه را، که تنظیم واقعی دستمزدهابرپایه‌محاسبه گرانی هزینه زندگی و نظائرآن‌باشد، مسکوت می‌گذارد.

اعتصاب غافلگیرانه در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی بار دیگراین واقعیت را ثابت می‌کند که در غیاب تشکل‌های‌صنفی کارگران، عوامل مخرب به سهولت می‌توانند محیط‌های کار را آشفته سازند. مسلماوجود سازمان صنفی آگاه و انقلابی درمیان کارگران مانع از آن می‌شد که بر سر مسئله‌ای که بین کارگران و دولت انقلاب می‌تواند از راه مذاکره و با تفاهم حل شود، کار به اعتصاب کشانیده شود. ما وظیفهٔ خود می‌دانیم که بار دیگر ضرورت وجود تشکل‌های صنفی آگاه و انقلابی‌را، هم به کارگران و زحمتکشان و هم به مقامات مسئول دولت انقلاب، متذکر شویم. وجود این تشکل‌ها درشرایط کنونی عمده‌ترین عامل تثبیت تفاهم بین‌کارگران و دولت انقلاب بشمار می‌رود وعامل اصلی خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب در محیط های کار است.

شرکت فعال در نبرد با متجاوزین صدامی یک وظیفه انقلابی است